

- جامعه کلیمیان ایران ... میراث مشترک
- دینداران و بحران معنویت در جهان معاصر
- صهیونیسم در تئوری و عمل
- زندگی نامه حضرت داوود
- عشق در عرفان یهود
- کلیمیان همدان
- یهودیان عراق
- آموزش زبان عبری



کنیسای
ملا آقا بابای یزد

اثر ملی شناخته شد



مراسم تشویق دانش آموزان ممتاز کلمی

تالار محبان • پاییز ۱۳۸۰



سفر

افق

بینا

♦ سرمقاله: جامعه کلیمیان ایران... میراثی مشترک: هارون یشایایی ۲
♦ سخنان مهندس موریس معتمد نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس ۳
♦ اخبار و رویدادها ۴

فرهنگی، دینی

- ♦ حنوکا، قیام صالحان: شهرام سنبلان ۱۲
- ♦ حضرت داوود: رحمن دلرحیم ۱۳
- ♦ دینداران و بحران معنویت در جهان معاصر: آرش آبایی ۱۴
- ♦ اعلامیه امحای تمام اشکال ناپردباری و تبعیض مذهبی ۱۷
- ♦ کمیسیون حقوق بشر اسلامی و اقلیت‌های دینی ۱۹
- ♦ صهیونیسم در تئوری و عمل: هارون یشایایی ۲۱
- ♦ عشق در عرفان یهود: شیوا کویانی ۲۵
- ♦ گاهشمار شخصیت‌ها و وقایع تاریخ یهود (۱): دکتر یونس حمامی لاله‌زار ۳۰



کنیسی «ملاقابا» یزد



دینداران و بحران معنویت (۱۲)



شعبان شهری شاعر معاصر کلیمی (۲۲)



ن تلاش برای هدف بزرگ:
یوشا رادپور (۴۷)

ادبی، هنری

- ♦ حیم سوتین (نقاش یهودی): مارینا ماهگرته ۳۳
- ♦ ده فرمان، فیلمی که دنیا را تکان داد ۳۴
- ♦ انتخاب من (داستان): سارا طوطیان ۳۸
- ♦ بخش شعر- زندگینامه شعبان شهری ۴۲

اجتماعی

- ♦ کلیمیان همدان: بیژن آصف ۳۷
- ♦ یهودیان عراق: دکتر مریم عزیززاده ۳۵
- ♦ آمده ایم... (صفحه دانشجو): ماهیار کهن‌باش ۴۶
- ♦ مصاحبه با یوشا رادپور: دالیا دانیالی - تهمه عزیززاده ۴۷
- ♦ ما فرزندان ایرانییم: نشریه آراکس (ارامته) ۴۹
- ♦ انفعال جوانان و علل آن ۵۰
- ♦ پشت دیوار دانایی...: سارا حی ۵۱
- ♦ جوانان افتخار آفرین ۸۰ ۵۲

گوناگون

- ♦ جنون دزدی: لیورا سعید ۴۰
- ♦ مقدمه‌ای بر فواید گیاهخواری: ژیل کهن کبریت ۵۳
- ♦ سالمندی و سلامت ۵۵
- ♦ مسئولیت بازمادگان مشاهیر: سیما مقتدر ۵۶
- ♦ با مخاطبان آشنا ۵۷
- ♦ عبری بیاموزیم (۱۵) ۵۸
- ♦ بخش نوجوان ۵۳
- ♦ بخش کودکان ۶۰
- ♦ جدول: شیرین آدری- فرم اشتراک ۶۲
- ♦ بخش انگلیسی (چکیده مقالات): فرید گراوری ۶۳

تبریک دهه فجر

هیئت مدیره انجمن کلیمیان
تهران فرارسیدن سالگرد پیروزی
انقلاب اسلامی ایران را به
مسئولین نظام و ملت شریف
ایران تبریک گفته و برای تمام
ایرانیان آرزوی بهروزی دارد.

افق بینا

فرهنگی-اجتماعی-خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران
سال سوم - شماره ۱۵
آبان - ۱۳۸۰ شمسی
حشوان - طبع ۵۷۶۲ عبری
نوامبر ۲۰۰۱ - ژانویه ۲۰۰۲ میلادی
مدیر مسئول: هارون یشایایی
سر دبیر: آرش آبایی
همکاران این شماره:
دکتر یونس حمامی لاله‌زار (بخش دینی)
فرهاد افرامیان (بخش اخبار)
سیما مقتدر (بخش فرهنگی)
ماهییار کهن‌باش (بخش ادب و هنر)
مرجان ابراهیمی (بخش اجتماعی)
لیورا سعید و مارینا ماهگرته (بخش گوناگون)
سارا حی (بخش کودکان، نوجوان)
فرید گراوری (بخش انگلیسی)
نظارت و کنترل صفحه‌آرایی:
فرید طوبیان
حروفچینی و صفحه‌آرایی: رزینا شمسین
(مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران)
طراحی جلد: گوهرنگار
لیتوگرافی: رامین
چاپ: ابلاغ
نشانی نشریه: خیابان شیخ‌هادی -
شماره ۳۸۵ - طبقه سوم -
کد پستی ۱۱۳۹۷-۳-۳۳۱۷
تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۷۱۶۴۲۹
نشانی الکترونیکی:
ofegh_bina@hotmail.com

♦ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است
♦ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است

بینا در عبری به معنای
آگاهی و بصیرت است



سر مقاله:

جامعه کلیمیان ایران ...

میراثی مشترک

جدا کردن جامعه کلیمیان ایران در داخل یا خارج از کشور از سایر هموطنان خود با هیچ یک از واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی سازگار نیست

هارون بشایی

تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که در شرایط گوناگون از طرف افراد تنگ نظر و ناآگاه بر آنها روا می‌شد و مورد توهین و تحقیر قرار می‌گرفتند، زندگی در کشور خود را به مهاجرت به کشور دیگری ترجیح داده‌اند.

حضور چشمگیر و فعالیت قابل تحسین نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی، برگزاری انتخابات هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و انجمن کلیمیان شیراز و شکل‌گیری نهادهای جنبی آنها و ادامه فعالیت‌های جاری جامعه، نشانه‌ای از علاقمندی همکیشان ما به سرنوشت خود و هموطنانشان است

می‌توان گفت شمار عددی کلیمیان ایران طی سال‌های اخیر بسیار کم شده است، ولی با این که جمعیت کلیمیان ایران در حال حاضر کمتر از نصف سال‌های قبل از انقلاب و حدود سی هزار نفر است، تشکیلات دینی و سازمان‌های اجتماعی آنها به مراتب سازمان یافته‌تر از دوره‌های گذشته عمل می‌کنند و این حضور و عملکرد جامعه

کلیمیان ایران، میراث مشترک فرهنگ و تمدن دیرپا و بالنده ملت ایران و توجه و عنایت مسئولین جمهوری اسلامی ایران و مخصوصاً حضرت امام خمینی (ره) و همچنین توانایی‌های قابل تحسین جامعه کلیمیان ایران و نظام ارزش‌های دینی و فکری یهودیت پاک نبوی می‌باشد.

حضور فعال کلیمیان و سایر اقلیت‌های دینی در ایران پشتوانه گرانبهای برای رشد و پیشرفت ملت و کشور عزیزمان ایران است، البته نه فقط به این جهت که بخشی از نیروهای ملی را برای سازندگی میهن‌مان تشکیل می‌دهند، بلکه بیشتر بدان جهت که نشان از فرهنگ پر افتخار ملت ایران است، هیچ نمونه‌ای بهتر از هشت سال دفاع یکپارچه ملت ایران در جنگ تحمیلی عراق علیه کشور نمی‌تواند گویای این ارزش و افتخار فرهنگی اجتماعی باشد. وقتی که در شروع جنگ تحمیلی و تداوم هشت ساله آن، ایرانیان اعم از عرب، فارس، ترک، بلوچ، لر و سایر اقوام ایرانی و از مذاهب و اعتقادات گوناگون چون پیگری واحد، از استقلال و تمامیت و شرف ملت خود دفاع کردند جهانیان دانستند که فکر تجاوز و تسلط بر میهن ما کاری غیر ممکن است و باید آن را به فراموشی سپارند.

کلیمیان ایران در شرایط حساس کنونی با موقعیت و شرایط کاملاً استثنایی راه خود را در وفاداری به خواسته‌های ملت ایران پیدا کرده‌اند. کلیمیان با تشکل و سازماندهی نهادهای مذهبی، فرهنگی، رفاهی و ورزشی شرایطی را بوجود می‌آورند تا نسل جوان آنها بتواند همراه با سایر هموطنان در راه پیشرفت و سربلندی ملت و کشور ایران تلاش نماید.

حضور چشمگیر و فعالیت قابل تحسین نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی، برگزاری انتخابات هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و انجمن کلیمیان شیراز و شکل‌گیری نهادهای جنبی آنها و ادامه فعالیت‌های جاری جامعه، نشانه‌ای از علاقمندی همکیشان ما به سرنوشت خود و هموطنانشان است.

با امید موفقیت برای فعالان جامعه کلیمی ایران، روزهای بهتری را برای همکیشان عزیز و هموطنان بزرگوار خود آرزو می‌کنیم.

تحولات جوامع یهودی در کشورهای مختلف مخصوصاً در جریان و بعد از جنگ جهانی دوم توجه اهل تحقیق را در سال‌های اخیر به خود معطوف داشته است.

آنچه بر جوامع یهودی اروپا مخصوصاً در آلمان و اروپای شرقی در جریان جنگ دوم جهانی گذشت تحولاتی بنیادین در این جوامع بوجود آورد تا آنجا که بعضی تحلیل‌گران اجتماعی و سیاسی عقیده دارند، کشتار یهودیان بوسیله نازی‌های هیتلری مخصوصاً در آلمان و لهستان و روسیه یکی از دلایل تشکیل کشور اسرائیل بوده است.

پس از آن نیز جابجایی جمعیت یهودی در جهان، تحت تاثیر تشکیل دولت صهیونیستی و نتایج آن در سطح منطقه و جهان قرار گرفته است. مهاجرت دستجمعی یهودیان از یمن، مراکش، لیبی، مصر، عراق در خاورمیانه و مهاجرت یهودیان لهستان، روسیه، رومانی، یوگسلاوی و کشورهای اروپای غربی چون ایتالیا، آلمان و حتی کشورهای نظیر انگلستان، بلژیک و غیره به آمریکا و اسرائیل، یا بطور کلی موجب متلاشی شدن جمعیت یهودیان این کشورها شده و یا در ترکیب اجتماعی و سازمانی آنها تغییرات فراوان بوجود آورده است.

می‌توان گفت ساختار جوامع یهودی در جهان، صرف نظر از تعداد جمعیت و یا وجود امکانات مختلف بر اساس تجمع در کنیساها و استفاده از امکاناتی که رعایت فرایض شرعی را ممکن می‌سازد همچون برگزاری مراسم مذهبی و رعایت اصول کاشر (ذبح شرعی) از یک طرف و سازماندهی امکانات فرهنگی- اجتماعی و رفاهی حول محور انجمن‌های کلیمیان از طرف دیگر شکل می‌گیرد.

انجمن‌های کلیمیان در شکل‌های مختلف و بر اساس سنت‌های جاری جوامع یهودی به وجود می‌آیند ولی مسئولیت مشترک همه آنها ایجاد امکانات و شرایطی است که جمعیت یهودی هر شهر یا کشور بتوانند به اصول اعتقادات دینی و اجرای آن و فرهنگ و تاریخ یهود آشنا شوند و در تعیین سرنوشت ملت‌هایی که در میان آنها زندگی می‌کنند شرکت نمایند. جوامع یهودی هنگامی از اعتبار و احترام برخوردار هستند که در پیشرفت و سعادت و سربلندی کشورهای که به آن تعلق دارند تلاش و مبارزه نمایند. هیچ یک از جوامع یهودی جهان را جدا از شرایطی که در آن رشد یافته و زندگی کرده است نمی‌توان مورد مطالعه قرار داد.

در مورد جامعه کلیمیان ایران نیز این اصل انکارناپذیر است، خصوصیت جامعه کلیمیان ایران را همراه با فرهنگ و خصوصیات اخلاقی و اجتماعی ملت ایران می‌توان شناخت.

جدا کردن جامعه کلیمیان ایران در داخل یا خارج از کشور از سایر هموطنان خود (کاری که اخیراً بعضی‌ها می‌پسندند) با هیچ یک از واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی سازگار نیست.

به یاد داشته باشیم جوامع یهودی در کشورهای مختلف مخصوصاً در قلمرو کشورهای اسلامی با دگرگونی‌هایی به مراتب کمتر از تاثیرات انقلاب اسلامی ایران به سرعت متلاشی شده‌اند، ولی جامعه کلیمیان ایران علیرغم تحمل فشار طاقت فرسای تشکیلات صهیونیستی از خارج از ایران برای کوچاندن دستجمعی آنها مثل مواردی که ذکر شد و همچنین



سخنان پیش از دستور

مهندس موریس معتمد

نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی

(۲۱ آذرماه ۸۰)

خداوند را سپاس می‌گویم که به من توفیق عنایت فرمود تا از جانب خود و جامعه کلیمیان ایران ماه مبارک رمضان را به همه هم‌میهنان عزیز مسلمان و مسلمانان جهان تبریک بگویم و آرزو نمایم که طاعات و عبادات مسلمانان در این شبها و روزهای ملکوتی در پیشگاه حق تعالی مورد قبول قرار گرفته و خداوند نعمات بی دریغ خود را همچنان بر آدمیان ارزانی فرموده و صلح و سعادت و آرامش خاطر برای جهانیان فراهم گردد.

در این موقعیت حساس و وهم‌انگیز که هر روز گوشه‌ای از جهان با جهل و جنگ و تجاوز و آدمکشی و ترور و نفرت به آشوب کشیده می‌شود و جان انسانهای بی‌گناه قربانی قدرت‌طلبی زورگویان می‌شود، تنها لطف خداوند و هوشمندی مردمان شریف و باایمان و خدا‌جو، انسانها را به زندگی امیدوار می‌سازد.

از پیشگاه معظم رهبر انقلاب تقاضا می‌نمایم که به درخواست عفو و بخشودگی که از طرف زندانیان شیراز و خانواده‌های آنان و خود اینجانب که تقدیم ایشان گردیده عطف توجه نموده و با آزادی آنان دعای خیر خانواده‌های مستاصل و جامعه کلیمیان ایران را بپذیرا باشند

در افغانستان هم‌اکنون کودکان افغانی در جستجوی نان در کشتزارهای ویران شده بجای گندم، مین درو کرده و دسته دسته کشته و مجروح می‌شوند.

در اسرائیل، آتشی که صهیونیست‌های افراطی به کمک بخش‌های ارتجاعی حکومت آمریکا و لابی سرمایه‌داران برافروخته‌اند، هر روز شعله‌ورتر شده و بی‌تردید این‌دار و دسته

افراطیون هستند که در این آتش خواهند سوخت و شک نیست که یهودیان شرافتمند با تکیه بر نظام ارزشهای توحیدی و انسانی خود همراه با ملت فلسطین آینده سعادت‌مندی را خواهند ساخت و در کنار یکدیگر زندگی برادرانه‌ای خواهند داشت.

اینک که در آستانه روز جهانی قدس قرار گرفته‌ایم، یکبار دیگر قدس، این مظهر توحید و انسانیت، ذهن همه مردم جهان را به خود مشغول داشته است و قداس قدس و اورشلیم شهر روشنایی و نور عشق به خداوند چون خورشیدی درخشان قلب مردم جهان را روشن می‌سازد.

امام راحل رحمت‌الله‌علیه با ایمان و آگاهی روز جهانی قدس را به روز همبستگی جهانیان علیه سلطه نژادپرستان بر اماکن مقدس اعلام فرمودند و قدس را مکان مورد احترام همه ادیان توحیدی دانستند و پس از آن نیز مسئولین محترم نظام مقدس جمهوری اسلامی تبادل نظر و گفتگوی ادیان و تمدنها را به عنوان اصل رابطه قابل قبول بین مردم جهان، تبلیغ و ترویج نمودند تا آنجا که رئیس‌جمهور محبوب ما بتوان پیام‌آور صلح، تفاهم و گفتگوی ادیان و تمدنها چهره‌ای شناخته شده و جهانی گردیده است و سخنرانی ایشان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد همچون مانیفستی انسانی توجه خداجویان و متفکران جهان را بخود مشغول می‌سازد و جمهوری اسلامی ایران بنیان‌گذار گفتگوی تمدنها و ادیان شناخته می‌شود و ملت ایران با سابقه میراث فرهنگی غنی و تمدنی کهنسال و نسلی جوان و متفکر و پرشور، خود پرچم نهضت بزرگ گفتگوی ادیان و تمدنها را در جهان آشوب‌زده کنونی بدوش گرفته است و در سال گفتگوی تمدنها و در سالی که مزین بنام بزرگوار علی‌علیه‌السلام گردیده است امیدوارم که ندای عدالت و برابری و گذشت، که از

صفات بارز آن امام بزرگوار است بیش از پیش در میهن ما سایه گستر گردد. اینجانب به نمایندگی از طرف موکلان خود و با توجه به عنایت مسئولان قوه قضائیه در استان فارس و سایر مسئولان نظام جساترا از تریبون مقدس مجلس شورای اسلامی از پیشگاه معظم رهبر انقلاب تقاضا می‌نمایم که به درخواست عفو و بخشودگی که از طرف زندانیان شیراز و خانواده‌های آنان و خود اینجانب که تقدیم ایشان گردیده عطف توجه نموده و با آزادی آنان دعای خیر خانواده‌های مستاصل و جامعه کلیمیان ایران را بپذیرا باشند. یهودیان ایران امیدوارند این اقدام خیرخواهانه موجب رضایت باری تعالی قرار گرفته و خداوند ما را به خیر و صلاح هدایت فرماید.

شک نیست که یهودیان شرافتمند با تکیه بر نظام ارزشهای توحیدی و انسانی خود همراه با ملت فلسطین آینده سعادت‌مندی را خواهند ساخت و در کنار یکدیگر زندگی برادرانه‌ای خواهند داشت

ضمناً از طرف خود و جامعه کلیمیان ایران فرارسیدن عید سعید فطر را خدمت خواهران و برادران مسلمان تبریک عرض نموده و آرزو دارم که این عید همراه با برکت و خیر و سلامت برای ملت عزیز ایران باشد و با توجه به اینکه لایه بودجه سال ۱۳۸۱ عنقریب پس از تکمیل، جهت بررسی به مجلس تقدیم خواهد شد، تقاضا دارم که دولت محترم با تخصیص بودجه جهت اقلیت‌های دینی شناخته شده آنها را در حل مسائل و مشکلات یاری نمایند.

در خاتمه اینجانب در روز جهانی قدس همراه با خواهران و برادران همکیش خود در راهپیمایی این روز همچون سال‌های گذشته به سیل خروشان ملت ایران خواهیم پیوست. ■

اخبار و رویدادهای داخلی

مشکلات بیمارستان دکتر سپهر را مورد بررسی کارشناسانه قرار داده و در جهت حل نهایی آنها اقدام خواهند نمود.

انتخابات انجمن کلیمیان شیراز

مجمع عمومی انجمن خیریه کلیمیان شیراز در تاریخ ۱۶ آذرماه با حضور ۴۲۹ نفر از اعضای انجمن در کنیسیای ربیعزاده شیراز برگزار شد. در این جلسه آقایان فرج نتیجه هاشم به عنوان رییس، ناصر فرازمنند به سمت نایب رییس، منصور یگانه به عنوان منشی و صیون شیلیان به عنوان ناظر برگزیده شدند.

در این مجمع، انتخابات هیئت مدیره انجمن کلیمیان شیراز برگزار و هیئت مدیره انجمن مذکور برای مدت سه سال انتخاب شدند. در این مجمع آقایان و خانمها: منوچهر بامداد، بیژن شهروان، بهرام گبای، قدرت ا.، لوی حبیب، خسرو حقیقی، هما فاخری، منوچهر آراسته، نجات ا.، آنوبیان و کوشا اقبالی، انتخاب شدند. در اولین جلسه این انجمن در تاریخ ۲۵ آذرماه منوچهر بامداد به عنوان رییس و منوچهر آراسته به سمت نایب رییس هیئت مدیره و بهرام گبای و خسرو حقیقی به عنوان بازرس هیئت مدیره انتخاب شدند.

انتخابات کانون فرهنگی هنری و اجتماعی

کانون فرهنگی-هنری و اجتماعی کلیمیان تهران عصر روز پنجشنبه ۱۷ آبانماه با حضور خانم فرحناز توکلی نماینده وزارت کشور و با شرکت اعضای کانون و جمعی از همکیشان در ساختمان انجمن کلیمیان تهران در خیابان سرابندی جهت برگزاری انتخابات هیئت مدیره و بازرس، تشکیل مجمع عمومی داده و انتخابات خود را برگزار نمود. اعضای هیئت مدیره و علی البدل هیئت مدیره و بازرس و علی البدل بازرس بشرح ذیل انتخاب شدند:

اعضای هیئت مدیره:

دکتر ابراهیم برال- ویکتوریا مروتی- دکتر سعید کامیار- بیژن آصف- ناصر داودیان

اعضای علی البدل هیئت مدیره:

فیض اله ساکتخو- عبدالله طالع همدانی- ابراهیم داودیان مقدم (متاسفانه وی در آذرماه درگذشت)

بازرس: جمشید زرنقیان

علی البدل بازرس: فرهاد آزادگهر

این کانون از سال ۱۳۶۲ در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی فعالیت داشته است.

ملاقات مسئولان جامعه کلیمیان

با اعضای شورای شهر تهران

به دعوت شورای اسلامی شهر تهران، نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی و روسای انجمن‌های مرکزی اقلیت‌ها، روز سه‌شنبه ۱۸ دیماه با اعضای شورای شهر ملاقات کردند.



در این دیدار، که موریس معتمد نماینده کلیمیان و هارون یشایایی رئیس انجمن کلیمیان نیز در آن حضور داشتند، محمد عطریانفر رییس شورای شهر تهران، ضمن ابراز خوشحالی از تشکیل این جلسه تاکید کرد که شهر تهران، متعلق به تمام شهروندان تهرانی است و در این میان، تفاوتی میان شهروندان مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد و برای رفع مشکلات شهر، همه ساکنان آن صرف‌نظر از اعتقادات مذهبی باید تلاش مشترکی از خود نشان دهند.

در ادامه این جلسه، نمایندگان اقلیت‌های دینی، مشکلات خاص خود را در حوزه امور شهری تهران طرح کردند و در مشورت با رییس شورای شهر، قرار بر همکاری و پیگیری گذارده شد.

تصمیم‌گیری درباره مشکلات کنونی

و وضعیت آتی بیمارستان دکتر سپهر



در پی افزایش مشکلات مالی و اداری بیمارستان دکتر سپهر (کانون خیرخواه)، مسئولان این نهاد جامعه کلیمی در ادامه چاره‌اندیشی‌های مداوم گذشته، تصمیم بر تشکیل جلسه عمومی گرفتند. بنابر اعلام نظر هیئت مدیره کانون خیرخواه و مدیران بیمارستان، به زودی با حضور هیئت مدیره کانون خیرخواه، و هیئت مدیره انجمن کلیمیان و نیز سایر متخصصان، کارشناسان و معتمدین جامعه در نشستی مشترک

مراسم تقدیر از دانش آموزان ممتاز



این مراسم که همه ساله به همت و تلاش انجمن کلیمیان برگزار می‌شود امسال هم در ۲۳ و ۲۴ آبان ماه برگزار شد و پذیرای حدود ۶۰۰ نفر از دانش آموزان برگزیده جامعه بود.



در این مراسم علاوه بر اولیای دانش آموزان، هیئت مدیره انجمن کلیمیان، اعضای انجمن‌ها اولیا و مربیان و کادر مدارس اختصاصی کلیمیان به همراه معلمان دینی و نیز نماینده جامعه کلیمیان در مجلس شورای اسلامی حضور داشتند. در ابتدا اعضای گروه موسیقی با اجرای برنامه به شرکت کنندگان خوش آمد گفتند و سپس مجریان برنامه (فرهاد افرامیان و مهرنوش لاله‌زار) به معرفی اسامی دانش آموزان موفق پرداختند.

در ادامه مراسم، از هارون یشایایی رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان به پاس زحمات بی دریغ ایشان در اعتلای فرهنگ جامعه قدردانی شد و لوح یادبودی توسط دکتر عربزاده از طرف نشریه افق بینا، کمیته فرهنگی، کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان و مرکز کامپیوتر تقدیم ایشان گردید.

شایان ذکر است که آقایان و خانم‌ها فرشید مرادیان، جلال یاشار، پریسا اوریل، پرستو حنوکایی و جمعی از جوانان در برپایی مراسم حضور داشتند.

نمایش‌های جشن حنوکا

امسال مراسم جشن مذهبی حنوکا در فضایی شاد و روحانی توسط جمعی از جوانان، نوجوانان و کودکان جامعه و با سرپرستی سه هنرمند محبوب به شکل نمایشنامه بر روی صحنه آمد.

این نمایشنامه که توسط منوچهر آذری هنرمند گرانباه جامعه و کشورمان، ترتیب داده شده بود، در ایام ۲۲، ۲۴ و ۲۵ آذرماه در سه کنسای گیشا، باغ‌صبا و پسین (حکیم) اجرا شد.



در این نمایشنامه گروهی از جوانان و نوجوانان در دروه تئاتر ایفای نقش و گروهی دیگر از کودکان و نوجوانان با گروه سرود همکاری نمودند. پیمان درخشان به عنوان سرپرست گروه سرود و هوشنگ نفیس‌پور به عنوان سرپرست موزیک این تئاتر حضور داشتند.

حضور کلیه اقشار جامعه اعم از زنان، مردان، پیران و کودکان که در این شبها در کنسها حضور یافتند و علاقمندی خود را به مراسم مذهبی و دینی خود نشان دادند باعث تشویق و دلگرمی هرچه بیشتر جوانان و کودکان بازیگر شد. بچه‌های گروه سرود و نمایش در پایان نمایشنامه حنوکا توسط مسئولین کنسها مورد تقدیر و تشویق قرار گرفته و هدایایی دریافت داشتند.

بازیگران نمایشنامه: مرجان ابراهیمی - شهاب شهابی‌فر - سهیل نیسانی - کیارش دقیقی نیک - ژاکوب مسیح اسرائیلیان - یهودا اسماعیل‌زاده - فرید مېسر - ادوین ملک‌ان - لیورا سعید - کامیاب بروخیم - کامبیز بروخیم - مشه دونل - ابراهیم لاویان - ایمان مسیح اسرائیلیان.

اعضای گروه سرود: شادی شهابی‌فر - دلارام کاهن - راشل مسیح اسرائیلیان - لیورا لاویان - مژده دونل - بهزاد داودیان - یورام نیکوفر - پیمان مسیح اسرائیلیان - کیارش دقیقی نیک - شهاب شهابی‌فر - ایمان مسیح اسرائیلیان - مشه دونل - بابک کوهن - شاهین کوهن.

کنیسی «ملا آقابابا» ی یزد، اثر ملی شناخته شد



یزد- خبرگزاری جمهوری اسلامی:

مدیرکل میراث فرهنگی استان یزد گفت: کنیسه تاریخی «ملا آقابابا» در شهر یزد در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. وی افزود: این بنا از تاریخ ثبت تحت نظارت این سازمان بوده و هرگونه دخل و تصرف در آن پیگرد قانونی دارد. وی قدمت این بنای تاریخی را مربوط به دوران قاجاریه دانست و گفت: این کنیسه مشتمل بر یک حیاط به نام تابستانخانه و یک فضای سرپوشیده با نام زمستانخانه است. وی افزود: چهار بدنه حیاط به قرینه سه صفا با پوشش ضربی بنا شده و ارتفاع دیوارها تا یک متر با آجر پوشیده شده است. (اطلاعات ۸۰/۹/۸)

پروفسور گوئل کهن

دانشمند ایرانی یهودی در کنفرانس ارتباطات

پروفسور گوئل کهن، دانشمند کلیمی، کنفرانسی را با موضوع ارتباطات در جمع اعضای انجمن روابط عمومی ایران در سالن فارابی دانشگاه هنر در تاریخ ۸ آبان ماه برگزار کرد. وی پس از فارغ التحصیل شدن در رشته مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف عضو هیئت علمی این دانشگاه شده و فوق لیسانس سیستم‌ها را از این دانشگاه دریافت کرد.

این پروفسور که پس از گذراندن دوره سه ساله تحصیلی در رشته اقتصاد سیاسی دانشکده علوم سیاسی و اقتصادی در دانشگاه شهید بهشتی و دوره شبانه مدیریت دانشگاه تهران، مطالعات زیادی در زمینه ارتباطات و مدیریت انجام داد، و در

سال ۱۳۶۵ گواهینامه مدیریت را با کسب مقام اول به دست آورد در این کنفرانس گفت: «تجربه آماری در سطح دنیا نشان می‌دهد که از نظر اقتصادی هر اندازه درجه آزادی اقتصادی بیشتر باشد به نسبت، درآمد سرانه مردم و رفاه اجتماعی نیز بالاتر است.»

وی در ادامه یادآور شد که: «جهانی شدن سیر اجتناب ناپذیر تحول است و به هیچ عنوان نمی‌توان در برابر آن ایستاد.»



پروفسور کهن که مدرک فوق لیسانس برنامه ریزی انرژی و فوق دکترای استراتژیک را از کالج سلطنتی لندن دریافت کرده، بیان کرد که: «براساس گزارش سال ۲۰۰۱ برنامه توسعه سازمان ملل متحد، متأسفانه ایران در ردیف صد و پنجاه و سوم از میان ۱۶۰ کشور جهان قرار دارد.»

این استاد برجسته ارتباطات که عضو سندیکای نویسندگان می‌باشد کتاب‌های مختلفی همچون «تاریخ سانسور در مطبوعات ایران» «مدیریت استراتژیک» را به زبان فارسی و انگلیسی به چاپ رسانده است. برای آشنایی بیشتر این خردمند فرزانه می‌توان به هفته نامه «کتاب هفته» چهارشنبه ۲۳ آبان ۸۰ با عنوان «با دکتر گوئل کهن و کتاب‌هایش» (صفحات ۱۰ و ۱۱)، مراجعه کرد. همچنین در نشریه بینا شماره ۵، مقاله‌ای با عنوان «دکتر گوئل کهن» (نوشته حسین شریفی، صفحه ۴۲) درج شده است.

روز پیوند اولیا و مربیان

در مجتمع اتفاق

مراسم روز پیوند اولیا و مربیان در مجتمع آموزشی اتفاق در تاریخ ۳ آبان ماه با حضور بیش از ۱۲۰ نفر از اولیا در سالن اجتماعات مجتمع برگزار شد. در ابتدای مراسم، پس از قرائت سرود جمهوری اسلامی ایران و تورات و نیز اجرای سرود توسط گروه سرود مجتمع اتفاق، هارون یشایایی رئیس انجمن کلیمیان تهران درباره نقصان تعداد دانش‌آموزان مدارس اختصاصی و علل آن صحبت کرد و این مدارس را یکی از مناسب‌ترین مکان‌ها برای دانش‌آموزان کلیمی خواند. وی در ادامه صحبت‌های خود گفت: «مدارس اختصاصی نشان دهنده هویت جامعه کلیمی ایران است و حفظ و بقای آنها نیازمند همکاری مادی و معنوی هرچه بیشتر خانواده‌ها با این مدارس

هنری- مذهبی، ورزشی- مسابقات، اردو- گردشگری. از فعالیت‌های چشمگیر این کمیته‌ها می‌توان به اجرای بخشی از مراسم صبحگاهی نماز (تفیلاي شحریت) که با موافقت و پشتیبانی مدیر مجتمع خانم رحمانی و همکاری خانم بنفشه، دبیر دینی انجام می‌شود اشاره کرد. برگزاری مسابقات برای هفته کتاب، تربین مدرسه، مطرح کردن مشکلات و ... از دیگر فعالیت‌های این شورا می‌باشد.

گزارش خانه جوانان یهود تهران:



اول آذرماه: نمایش فیلم سینمایی عینک دودی
۸ آذرماه: برگزاری مسابقه تصویری «چقدر همدیگر را می‌شناسید؟»

۲۲ آذرماه: فیلم سینمایی سفر قندهار.

۲۱ آذرماه: برنامه‌ای به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس خانه جوانان یهود تهران، مراسمی با حضور موریس معتمد نماینده جامعه کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و هیئت مدیره انجمن کلیمیان و جمعی از همکیشان عزیز در تالار محبان برگزار شد. این مراسم شامل سخنرانی، دکلمه نمایشی، موسیقی شاد و تئاتر مذهبی حضرت سلیمان بود.

اول دی ماه: جشن سالگرد خانه نوجوانان در محل خانه جوانان با حضور خانواده‌های اعضا، خانه جوانان و نوجوانان یهود برگزار شد. این برنامه شامل چند مسابقه متنوع، سخنرانی سرگروه‌های خانه نوجوانان و اجرای نمایش طنز بود.

گروه نوجوانان خانه جوانان یهود هر دوشنبه بعدازظهر پذیرای نوجوانان همکیش می‌باشد.

اخبار سازمان دانشجویان یهود ایران

برنامه‌های عمومی:

- همکاری با سرای سالمندان یهودی به مناسبت جشن سوکا، ۱۲ مهر

می‌باشد. وی همچنین به وجود آوردن نشاط را بین دانش‌آموزان امری بسیار مهم خواند و به برنامه‌های انجمن کلیمیان تهران برای فعالیت‌های فوق برنامه مجتمع اتفاق اشاره کرد.

در ادامه، ابوطالبی، نماینده مرکز مشاوره اداره کل آموزش و پرورش در جمع اولیا به صحبت درباره نقش خانواده در تعیین سرنوشت فرزندان و همچنین جهانی بودن علم و معرفت پرداخت.

سپس ویدا رحمانی، مسئول آموزشی اتفاق از موفقیت و برگزیده بودن دانش‌آموزان این مجتمع در آزمون ورودی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، المپیادها و همچنین فعالیت‌های فوق برنامه مانند نمایشگاه‌های علمی، هنری و نیز انتخابات شورای دانش‌آموزی صحبت کرده و توضیحاتی در مورد شیوه جدید ارزش‌گذاری درسی دانش‌آموزان بیان کرد. وی همچنین کسب رتبه سوم در رشته والیبال منطقه ۶ را توسط کادر مجتمع اتفاق به اولیا و این کادر موفق، تبریک گفت و خانواده‌ها را به برقراری ارتباط هر چه نزدیک‌تر با مدرسه تشویق کرد.

مراسم با صحبت‌های طاهریان، دبیر تربیت بدنی مجتمع و اجرای سرود و دکلمه توسط دانش‌آموزان ادامه یافت. در پایان، پس از آشنایی اولیا با کاندیداهای انجمن اولیا و مربیان، رای‌گیری انجام شد.

تشکیل شورای دانش آموزی

مجتمع آموزشی اتفاق

همزمان با گسترش نظام دانش آموز محوری و توجه هر چه بیشتر به خواست و تصمیمات آنها، شورای دانش آموزی در مدارس شکل گرفت. شورای دانش آموزی مجتمع اتفاق نیز به قصد شرکت دادن دانش‌آموزان در حل مشکلات و شکوفا ساختن استعدادهای آنها پایه‌ریزی شد. از آنجا که در این شورا همه چیز بر اساس تصمیمات دانش‌آموزان است انتخاب مسئولین شورا نیز بر عهده آنها بود که دانش‌آموزان مجتمع اتفاق ۲۶ مهرماه کاندیداهای منتخب خود را به این شرح برگزیدند.

مقطع دبیرستان: سارا حی، کتابیون یونسی، المیرا مصری، مقطع راهنمایی: لیورا رفوا، دبوراهمدانی کهن.

اعضای شورای دانش آموزی که همگام با مدیر مدرسه و کادر آموزشی فعالیت می‌کنند مسئولیت کمیته‌های مختلفی را بر عهده دارند. مهمترین آنها عبارتند از: کمیته فرهنگی-

- کنسرت گیتار، ۱۹ مهر

- سخنرانی درباره زندگی و آثار «شیل سیلور استاین»

گروه گزارش، ۲۶ مهر

- سخنرانی پیرامون خشونت در خانواده، خانم دکتر رامین فر، ۲ آبان

- سخنرانی پیرامون ویتامین‌ها و نقش حیاتی آنها،

نوید کوخایی، ۱۰ آبان

- جنگ شاد با حضور هنرمند گرامی «بهزاد فراهانی»، ۱۷ آبان

- سخنرانی درباره علم نقشه‌برداری، پیمان طالع، ۲۴ آبان

- سخنرانی پیرامون میگرن، لیورا سعید، ۱ آذر

- سخنرانی پیرامون جنون گاوی با دکتر آرزو کدخدای، ۸ آذر

- گروه فوق برنامه سازمان نیز اخیراً چندین برنامه تئاتر و

سینما از جمله تئاتر «رند خلوت نشین» و همچنین برنامه‌های

کوه‌پیمایی را برای اعضا تدارک دیده است.

تیم‌های ورزشی گیبور

❖ حضور مربی فوتبال برای تیم گیبور کلیمیان:

تمرینات تیم فوتبال گیبور از روز سه‌شنبه ۱۵ آبان ماه جاری با

حضور غلامرضا قلی‌پور چهره آشنا و مربی تیم نوجوانان

مقاومت و دارای کارت B (مربی‌گری) آسیا پی‌گیری شد.

❖ اولین حضور تیم فوتبال گیبور در مسابقات فوتسال

جام رمضان:

تیم گیبور برای اولین بار در مسابقات فوتسال که در سالن

حجاب برگزار شد، شرکت کرد. حضور تنها تیم اقلیت دینی با



استقبال مسئولان برگزار کننده و داوران قرار گرفت. این تیم با

وجود این که در گروه مشکلی قرار گرفت، خوشبختانه نتایج

قابل قبولی بدست آورد.

نتایج مسابقات به قرار زیر است:

۲۸ آبان: گیبور ۳، شکوفا فیلم ۷.

گل‌های تیم گیبور: فرید دانیال مفرد. موریس حکیمیان و

فرهاد دانیال مفرد

۳ آذر: گیبور ۳، تولیدی جهش ۶.

گل‌های تیم گیبور: دانیال شمیان، فرید دانیال مفرد و

موریس حکیمیان.

۶ آذر: گیبور ۱۰، خیام ۱.

گلزنان تیم گیبور: فرهاد دانیال مفرد (۴)، فرید دانیال مفرد ۲،

امید شمیان، دیوید ابراهیمی، شهرام پورستاره، و موریس حکیمیان.

بازیکنان تیم گیبور: هومن جواهری- ناتان نامدار- شهرام پورستاره-

فرید دانیال مفرد (کاپیتان)- امید شمیان- موریس حکیمیان- دیوید

صونحی- دانیال شمسیان- فرهاد دانیال مفرد- شیمعون دانیالی-

دیوید ابراهیمی.

سر مربی تیم: غلامرضا قلی‌پور.

سرپرست تیم: روبرت شیرازیان. مسئول فنی: فرهاد دانیال مفرد.

❖ تیم بسکتبال:

تیم بسکتبال گیبور از اوایل سال جاری عده‌ای از جوانان و

نوجوانان جامعه را جذب نموده و در دیدار دوستانه داخل

سالن با درخشش پرهام یاشارل و نوید شمسیان، با نتیجه ۴۲

بر ۱۵ بر تیم حریف غلبه کرد.

❖ مسابقات فوتبال بین سازمان‌های جوانان یهودی:

مسابقات فوتبال بین سازمان‌ها به مسئولیت کمیته جوانان و

مدیریت سازمان گیشا در شهریور و مهرماه سال جاری در

مجتمع فرهنگی ورزشی کوروش برگزار شد.

در پایان مسابقات دوستانه، تیم فوتبال سازمان باغ‌صبا،

قهرمان این مسابقات شد و تیم متشکل از بازیکنان والیبال

گیبور مقام دوم و تیم‌های خانه جوانان و سازمان دانشجویان

نیز در مکان‌های سوم و چهارم قرار گرفتند. داوری این

مسابقات بر عهده فرهاد دانیال مفرد و مسئول برگزار کننده،

شهاب شهمی‌فر بود.

برگزاری امتحانات سراسری تعلیمات دینی

امتحانات نوبت اول تعلیمات دینی دانش آموزان اقلیت

کلیمی تهران روز پنجشنبه ۶ دیماه برگزار شد.

در این آزمون که دانش آموزان کلیمی اعم از محصلین

مدارس اختصاصی و محصلین که در مدارس دیگر تحصیل

می‌کنند در ۳ مقطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان و در حوزه

امتحانی مجتمع آموزشی موسی بن عمران پسران و مجتمع

آموزشی اتفاق دختران شرکت کردند.

مسئولیت برگزاری و هماهنگی این آزمون را مهندس

روبرت خالدار بر عهده داشت.

کلاس آموزش قرائت تورات

عده‌ای از دانش آموزان کلاس‌های دوم ابتدایی تا سوم

راهنمایی مجتمع فرهنگی مدرسه روحی شاد در کلاس «قرائت

تورات بدون نقطه و اعراب» برای تربیت پیشنماز کنیسه‌های

تسهیلات جدید

برای ایرانیان مقیم خارج از کشور

دکتر محمدعلی هادی، معاون کنسولی و امور مجلس وزیر امور خارجه در گفتگوی اختصاصی با روزنامه اطلاعات بین‌المللی در مورد مسائل گوناگون ایرانیان در خارج از کشور و تسهیلات جدید پاسخ گفت که اهم آن از نظر می‌گذرد:

هر ایرانی می‌تواند در خارج از کشور با ارائه شناسنامه معتبر ایرانی تقاضای صدور گذرنامه نماید.

سفارتخانه‌ها نیز مکلفند برای آنها صرفنظر از هر گزاشی، تنها با ارائه شناسنامه معتبر، گذرنامه صادر کنند و خدمات کنسولی ارائه دهند. وی همچنین یادآور شد تعرفه خدمات کنسولی و تعویض گذرنامه در داخل و خارج از کشور یکسان است. به این ترتیب برای صدور یا تمدید گذرنامه هر یک ۷۰ دلار از متقاضیان دریافت می‌شود. مشمولینی که مدعی کفالت هستند می‌توانند به شرط نداشتن غیبت، مدارک خود را به سفارتخانه‌ها ارائه دهند و از تسهیلات قانونی استفاده کنند.

اگر فردی شک دارد که به محض ورود به ایران مشکلی برایش پیش آید و در فرودگاه ممکن است توسط مقامات قضایی بازداشت شود، می‌تواند از سفارت استعلام کند. در صورتی که دستگاه‌های دولتی مدعی او باشند، ما پس از استعلام از دستگاه‌های مختلف به او پاسخ می‌دهیم. اگر به او پاسخ دادیم که مشکلی ندارد، در واقع امان‌نامه‌ای برای او صادر کرده‌ایم و در برابر آن متعهدیم که در صورت بروز هرگونه مشکل از این ناحیه آن را برطرف کنیم. اما اگر فرد مدعی خصوصی داشته باشد، در این مورد ما کاری نمی‌توانیم انجام دهیم.

در مورد افرادی که دارای تابعیت مضاعف هستند اصولاً دو قشر مطرح می‌شود. در صورتی که ترک تابعیت به درخواست فرد ایرانی و تأیید مقامات ذی‌صلاح صورت گرفته باشد، فرد می‌تواند با گذرنامه خارجی تقاضای روادید نماید و به ایران مسافرت نماید. اما ایرانیانی که به واسطه تولد در کشور دیگری یا اقامت دائم بدون درخواست ترک تابعیت، دارای تابعیت دیگری نیز هستند، باید حتماً گذرنامه ایرانی داشته باشند. چون قانون مدنی ایران، دو تابعیتی را نپذیرفته و از نظر ما آنها ایرانی هستند.

وی در پایان اعلام نمود ایرانیانی که تا تاریخ ۱۳۷۵/۶/۳۱ به صورت غیر قانونی از کشور خارج شده‌اند مورد بخشودگی مالی و قضایی قرار گرفته‌اند و از پرداخت جریمه مالی معاف هستند. کسانی هم که از این تاریخ به بعد به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده‌اند با پرداخت جریمه‌ای در حدود دویست دلار از تعقیب قضایی معاف می‌شوند و می‌توانند آزادانه به کشور رفت و آمد کنند ■

(روزنامه اطلاعات ۶ و ۱۰/۹/۷)

تهران به دبیری رحمن دلرحیم شرکت دارند و در روزهای شنبه‌ها و اعیاد نیز در کنیسه‌های محل خود به قرائت تورات در تخیلای جماعتی اقدام می‌نمایند.

این عزیزان عبارتند از آقایان: بنیامین، یوسف و نتن‌ئل همدانی کهن، ایمانوئل طوطیان، راموند ملانور، داوید رحمانی، ژاکوب مرادیان (کنیسه‌ای باغ صبا).

داوید صفا، اسکندر ابراهیمی، موریس کرن‌دیان، فواد رفیع، آرش پور فهیمی، اسحق حاتانیان، سامان قصاب، کامیار لاله‌زاری (کنیسه‌ای پل چوبی).

پدرام تیشبی، داوید یعقوبی، یوسف ستاره‌شناس، پدرام مرادیان، ابراهیم گلشیرازی، ناتان ماه‌گرفته (کنیسه‌ای دروازه‌دولت).

اشکان سروریان، رایان لیمودیم (کنیسه‌ای ملایوسف شرگا).

داوید تراشندگان، کامبیز بروخیم (کنیسه‌ای اتحاد). ابراهیم محلی، دان یشاریم، کیانوش و کیوان سومخ، مایکل نامیخواه (کنیسه‌ای گرگان).

زحمات و همیاری مسئولین محترم مدرسه روحی شاد آقایان ایوبی و پور محمدی قابل تقدیر است.

هارون یشایی، عضو هیئت داوران جشنواره فیلم فجر

اعضا هیئت داوران بخش مسابقه سینمای ایران حاضر در بیستمین جشنواره فیلم فجر اعلام شد.

براساس این اعلام هارون یشایی (تهیه‌کننده)، کیومرث پوراحمد (نویسنده و کارگردان)، پرویز پرستویی (بازیگر)، جمشید ارجمند (منتقد و مدرس سینما)، مجید مجیدی (نویسنده و کارگردان سینما)، بابک بیات (آهنگساز فیلم) و نعمت حقیقی (فیلم‌بردار) در هیئت داوران حضور خواهند داشت که داور ۲۰ فیلم معرفی شده در بخش ویژه را نیز بر عهده دارند.



اخبار از گوشه و کنار دنیای یهود



زنان نمازگزار یهودی در

کنار دیوار غربی بیت المقدس

جنبش برابری حقوق زنان، با اقدام دستجمعی گروهی از زنان یهودی نمازگزار در سال ۱۹۸۹، به پای دیوار ندبه (مقدس‌ترین مکان مذهبی یهودیان جهان در اورشلیم) رسید. این گروه، علیرغم مخالفت‌ها، به تلاش خود برای برگزاری مراسم مذهبی زنان در کنار این دیوار ادامه دادند و همزمان، محدودیت‌های ناشی از تفسیر اصول یهود در اسرائیل را به چالش طلبیدند.



سرانجام، در ماه مه ۲۰۰۱ (اردیبهشت ۸۰)، پس از یازده سال، دادگاه عالی اسرائیل، موافق خواست این گروه رای داد. با این حال، این حکم تنها از نظر قانون به زنان آزادی اجرای مراسم دینی را در این مکان مقدس می‌دهد و بعضی از افراطیون همچنان مخالف این حرکت هستند. (ایتترنت)

موزه یهودی نیویورک

در کنار شهر شلوغ و پر رفت و آمد نیویورک - بزرگترین شهر جهان - موزه فرهنگ و سنن یهودی نیویورک چشم هر جهانگردی را خیره می‌کند. این ساختمان که بیش از ۴۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد، در گوشه‌ای از کتابخانه شهر و در قسمت «الهیات آمریکا» در سال ۱۹۰۴ تأسیس شد و اکنون بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز معرفی آداب و رسوم و سنن متفاوت مردم یهودی در چهار گوشه جهان می‌باشد. این موزه فعالیت‌های دیگری نیز دارد که از جمله از آنها، معرفی تاریخچه زندگی اجتماعی و فرهنگی بزرگان یهودی معروف جهان است.

سازمان یهودی کمک به گرسنگان

سازمان مازون (MAZON) در سال ۱۹۸۵ در شهر لوس‌آنجلس کالیفرنیا تأسیس شد و بدون هیچ درآمد کمک دولتی و مرکزی برای کمک، به گرسنگان جهان با هر گونه اعتقاد، ملیت و نژاد می‌باشد. این سازمان غیر انتفاعی یهودی از کلیه خانواده‌های یهودی می‌خواهد که فقط ۳٪ از مخارج مراسم ازدواج و یا سایر جشن‌های مذهبی مانند بت‌میصوا، برمیصوا و غیره را به‌عنوان یادبود خویشاوندان و دوستان خود، به این کار خیر و خداپسندانه اختصاص دهند.

یهودیان و مسیحیان آمریکا

به بازسازی مسجد مسلمانان در اوهایو کمک می‌کنند

مسیحیان و یهودیان شهر «کلمبوس» آمریکا پیشنهاد کرده‌اند تا مسجد این شهر را بازسازی کنند و کمک‌های مالی و غیر مالی در اختیار مسجد قرار دهند.

به گزارش ایرنا از واشنگتن، به دنبال آسیب و صدمات وارده به مسجد شهر کلمبوس در منطقه اوهایو توسط افراد خرابکار، مسیحیان و یهودیان این شهر داوطلب شده‌اند تا به بازسازی آن کمک کنند. این مسجد که قدیمی‌ترین مرکز اسلامی شهر کلمبوس است، اواسط دی ماه توسط خرابکاران به آب بسته شد و صدمات زیادی به ساختمان آن وارد آمد. به گفته محمد شریف رییس بنیاد اسلامی اوهایو، صدمات وارده به ساختمان سه طبقه این مسجد به اندازه‌ای است که برای مدت‌ها، قابل استفاده نخواهد بود و هزینه بازسازی آن حدود یکصد هزار دلار برآورده شده است.

انجمن یهودیان این شهر، برای بازسازی این مسجد پیشنهادات مالی داده و یک کلیسای این شهر نیز پیشنهاد داده است تا مسلمانان از کلاس‌های این کلیسا استفاده کنند.

(همشهری ۱۵/۱۰/۸۰)

افتتاح کنیسا در برمهافن آلمان

با حضور بیش از چهارصد میهمان، رییس انجمن برمهافن و راب (رهبر مذهبی) ایالت برمن به نام بنیامین پارسلاهی، کنیسای شهر برمهافن افتتاح شد.



ساختمان این کنیسا سابقاً متعلق به کلیسای قوای نظامی آمریکا بوده و پنج سال است که این ساختمان مرکز انجمن کلیمیان این شهر

اتوبوس کاشر فقط در مناطق مذهبی توقف می کند!

اورشلیم - یهودیان افراطی مذهبی در مسیر اتوبوس‌های اورشلیم موفق به احداث یک خط کاملاً کاشر (موافق با شرع) شده‌اند. به گزارش رادیو اسرائیل، یهودیان بسیار مذهبی می‌توانند از این پس مسیر اورشلیم تا «بنی باراک» در تل آویو را زیر قیمت با این اتوبوس طی کنند، اما اتوبوس فقط باید در ایستگاه‌های مناطق مذهبی توقف نماید. به علت ممانعت از هرگونه تماس احتمالی میان خانم‌ها و آقایان هنگام سوار شدن اتوبوس، خانم‌ها از در عقب و آقایان از در جلو سوار می‌شوند.

به نقل از گزارش دیگری، شرکت هواپیمایی سوئیس ایر هم در جهت رفاه مسافران یهودی و افراطی مذهبی خود اعلام همکاری نموده است. به درخواست یکی از راه‌های «کوهن»، مسیر پروازهای این شرکت هواپیمایی به تل آویو تغییر کرده است. از آنجایی که در دین یهود «کوهن» (افراد کاهن از نسل حضرت هارون) اجازه ورود و عبور در فضای مقابر و گورستان کلییمان را ندارند، این تغییر مسیر با هماهنگی مقامات امور پرواز صورت گرفته است. از آنجا که در نزدیکی تل آویو قبرستان بزرگ خولن قرار دارد، به همین جهت این شرکت هواپیمایی در مسیر هوایی به سوی تل آویو از یک مسیر فرعی دیگر عبور می‌کند.

کشف مقام حضرت لوط

باستان‌شناسان اردنی در یک طرح مشترک با همکاری موزه انگلیس و دولت یونان «مقام حضرت لوط» را در خاک اردن کشف کردند. به گزارش خبرگزاری اردن (پترا)، این اثر تاریخی در منطقه «غور صافی» حوالی شهر «کرک» در ۱۷۰ کیلومتری امان، پایتخت این کشور واقع است.

بر اساس این گزارش در این محل مقام حضرت لوط بر روی نقشه برجسته شهر «زغر» در منطقه غور صافی نمایان است.

«مقام حضرت لوط» در محوطه‌ای متشکل از بناهایی مستطیلی و در سراسیمی کوه‌های اطراف شهر کرک قرار دارد.

در دو طرف این منطقه صخره‌های تیره‌رنگ «بازالتی» و غارهایی که در آن زمان معروف به «النساک» بود، وجود دارد. در میان محوطه معبدی به سه محراب با سنگ‌فرش‌های منقش به نقاشی‌هایی معروف به «یوقلمون» بنا شده است.

در این سنگ‌فرش‌ها تصاویر اشکال هندسی، نمونه گیاهان، پرندگان، جانوران مربوط به شش قرن قبل از میلاد نقش بسته است. گفته می‌شود غارهای اطراف که در نقشه نیز بصورت برجسته ظاهر شده همان محل پناهگاه حضرت لوط و دخترش است که در تورات نقل شده است. (جمهوری اسلامی ۸۰/۹/۸)

برخی از تهیه کنندگان اخبار:

آلبرت شادپور - سیما مقتدر - سارا حسی - رحمن دلرحیم - رویا یعقوبزاده - عزیز تاجفام - روبرت شیرازیان - فرهاد روحانی - لیورا سعید - بیژن آصف

با داشتن سی عضو می‌باشد. این شهر که در ایالت «برمن» در شمال آلمان قرار دارد در اواخر سال گذشته میلادی پس از گذشت ۶۲ سال مجدداً صاحب کنیسا شده است. افتتاح این کنیسا با ورود یک تومار تورات، اهدایی از طرف انجمن ایالت برمن صورت گرفت. در حالی که گروه همخوانی انجمن با آوازهای شاد مذهبی خود ریسی انجمن را همراهی می‌کردند، وی با تومار توراتی مزین به تاج نقره از زیر جایگاه خاصی به نام «حوپا» که ۴ گوشه آن را چهار مرد نگه‌داشته بودند عبور نمود و وارد کنیسا شد. همزمان، رابو بنیامین بارسلای عهده‌دار قرائت متون خاص مذهبی برای این مراسم بود. در این مراسم که فرماندار ایالت برمن نیز حضور داشت طی سخنانی اظهار داشت: «افتتاح این کنیسا نشان دهنده شکست نازی‌ها در اهدافشان می‌باشد». او معتقد است این کنیسا هدیه‌ای است که نه فقط نیروی پلیس بلکه هر یک از اعضای این کنیسا و نیز مردم این شهر موظف به نگهداری و حفظ آن هستند. در خاتمه با حضور رابو ایالت برمن به یادبود قربانیان یهودی جنگ جهانی دوم، دعای خاص مذهبی (قدیش) خوانده شد.

یک گروه یهودی در اسرائیل خواستار محاکمه شارون و همکارانش شد

جنبش «صلح اکنون» که یک جنبش یهودی در اسرائیل است با انتشار بیانیه‌ای خواستار محاکمه تمام فرماندهان و نظامیانی شد که در تخریب خانه‌های فلسطینی در شهر رفح نقش داشته‌اند.

به گزارش خبرگزاری قدس، این جنبش یهودی فعال در داخل اسرائیل در بیانیه خود که روزنامه الشرق الاوسط آن را منعکس کرد، افزوده است: جنبش «صلح اکنون» این حقیقت را درک می‌کند که جنایتکاران واقعی در اجرای عملیات وحشتناک تخریب منازل فلسطینی‌ها در رفح، آریل شارون نخست وزیر اسرائیل و بنیامین بن الیعزر وزیر جنگ او و شاول موفاز رییس ستاد ارتش اسرائیل بوده‌اند. با این حال این مسئله نمی‌تواند افسران و سربازانی را که در این عملیات دست داشته‌اند، تبرئه کند، زیرا آنها از نظر اخلاقی و قانونی نباید دستورهای جنایتکارانه را اجرا کنند.

(همشهری ۸۰/۱۰/۲۲)

ارتباط ژنتیک

مدارک ژنتیک درباره ادعاهای یهودیان و این که اکثر آنها از یک جد متج گردیده‌اند اطلاعاتی را بدست می‌دهد. علیرغم جدایی ۱۰۰۰ ساله، یهودیان سفاردی که از شمال آفریقا هستند بسیار شبیه برادران خود از مناطقی از عراق می‌باشند. این اطلاعات به همین صورت اعلام می‌دارد که یهودیان سفاردی خیلی به یهودیان کردستانی شباهت و نزدیکی دارند و در حقیقت بین این دو گروه و گروه یهودیان اشکنازی اروپا تفاوت‌های ژنتیکی بسیار اندک و قابل اغماض وجود دارد.

این نتایج توسط ژورنال آمریکایی ژنتیک انسانی آمریکا به قلم پروفسور آریل متشر شده است. (ایترنت)

חנוכה

قیام سالحان

بنیاهو (شهرام) سنیلان

אחולים לחנוכה



نیرومند آنتیوخوس شروع نمود و به پیروزی‌های چشمگیری هم نایل آمد.

پس از مرگ متتیا، یکی از فرزندان پسر نام یهودا، فرماندهی یهودیان را علیه یونانیان بدست گرفت. وی به علت ضربات مهلک و کوبنده‌ای که به دشمنان وارد ساخته بود بعدها به نام یهودای مکابی یعنی «یهودای کوبنده» شهرت یافت. او جمله‌ای معروف از تورات را سرلوحه اهداف خویش قرار داد:

מי כמוך באלים ה

یعنی «چه کسی در حد توانایی توست ای خدا». بالاخره پس از جنگ‌های متوالی و دشوار، یهودای مکابی و مکابیان موفق شدند در سال ۱۶۵ قبل از میلاد به اورشلیم وارد شده و با شادی و هلهله به بت‌همیقداش دست یابند. ولی با دیدن آن همه بی‌حرمتی که یونانیان بر معبد بت‌همیقداش انجام داده بودند شادی آنان به حزن و اندوه تبدیل شد؛ کلیه ظروف و مکان‌های مقدس ناپاک گشته بود. ولی آنان به امید و توکل به خدا، کمر همت بستند موفق شدند بت‌همیقداش را پاک و منزه کنند و ظروف تازه‌ای جهت بت‌همیقداش بسازند و هنگام آن فرا رسید که «منورا» یعنی شمعدان هفت شاخه طلا را که باید شب و روز در آنجا روشن باشد بی‌غروزند. آنها فقط یک ظرف کوچک روغن زیتون که مهور به مهر کهن گادول (کاهن اعظم) بود و از دسترس یونانیان دور مانده بود پیدا کردند و به خیال این که این روغن پاک به سختی ممکن است تا پایان شب دوام بیاورد، منورای بزرگ را روشن نمودند ولی بر اثر معجزه الهی آن مقدار کم روغن پاک به مدت هشت شبانه روز دوام یافت تا زمانی که آنها مجدداً موفق به تهیه روغن مطهر شدند.

در روز ۲۵ کیسلو تقریباً در همان ایامی که آنتیوخوس ستمگری علیه یهودیان را آغاز کرده بود معبد بت‌همیقداش بدست مکابیان مومن مجدداً افتتاح شد.

امروز ما کلیمیان، «חנוکا» را به مناسبت افتتاح مجدد معبد بت‌همیقداش به دست مکابیان در سال ۱۶۵ پیش از میلاد جشن می‌گیریم.

در مقابل افکار و اعتقادات «هلنیست»ها، گروهی از یهودیان به مبارزه برخاستند که مشهور به «حسیدیم» می‌باشند و به تورات و حفظ و اجرای فرامین آن ایمان کامل داشتند. حسیدیم به معنی پارسایان و پرهیزکاران است.

در زمانی که کشور کوچک یهود تحت سلطه سلوکیان سوریه قرار داشت، پادشاهی یونانی به نام آنتیوخوس به پادشاهی رسید و زمام امور کشور را بدست گرفته و سعی داشت یهودیت را بطور کامل از ریشه قطع نماید و به جای آن فرهنگ و آداب و رسوم یونانی را جایگزین نماید. در این راستا اولین و زشت‌ترین عملی که انجام داد صدور فرمانی بود که به موجب آن معبد بت‌همیقداش به معبد زنوس، خدای یونانیان، تبدیل می‌شد. سربازان آنتیوخوس مجسمه زنوس را به درون معبد بردند و به افتخار خدای خود قربانگاهی در آنجا بنا نموده و کلیه یهودیان را مجبور به پیروی از مراسم و رسوم خود کردند. ولی گروه کشیری از یهودیان با فرار به اطراف اورشلیم و پنهان شدن در کوه‌ها و غارها تصمیم گرفتند در حفظ ایمان خویش بکوشند و از فرمان‌ها و قوانین یونانیان سر باز زنند. در این راه جهت «قیدوش هشتم» (مقدس نمودن نام خدا)، بسیاری از یهودیان با فجیع‌ترین وضعی به شهادت رسیدند که معروفترین آنها، زنی یهودی به نام «حنا» و هفت پسرانش می‌باشد. زمانی که معبد بت‌همیقداش به عبادتگاه زنوس تبدیل شده بود، یکی از روحانیون بزرگ یهود (کهن گادول) به نام «متتیا حشموئیلی» به همراه پنج پسرانش از اورشلیم گریخت و در روستایی در شمال به نام «مودیعین» سکونت یافت. وی در آنجا پس از جمع نمودن گروهی از یهودیان، اولین شورش خویش را علیه امپراطوری قدرتمند و

پس از آبادی بت‌همیقداش (معبد) دوم، حدود سال ۳۰۰ قبل از میلاد قدرت جدیدی از اروپا کم کم پا گرفت که کلیه امپراطوری زمان خویش را به چالش می‌کشید و این پدیده جدید قدرتی نبود به جز قدرت فاتحان یونانی و تمدنی که به عنوان هلنیسم نامیده شد.

در روز ۲۵ کیسلو تقریباً در همان ایامی که آنتیوخوس ستمگری علیه یهودیان را آغاز کرده بود معبد بت‌همیقداش به دست مکابیان مومن مجدداً افتتاح شد

این قدرت جدید برای اولین بار قسمت بزرگی از آسیا را تسخیر نمود که از آن جمله حکومت یهودا در سرزمین مقدس بود.

پس از حکمرانی یونانیان بر سرزمین یهودا، حاکمیت آنان تأثیرات متفاوتی بر یهودیان گذاشت. فرهنگ و تمدن یونان به خاطر ظرافت و زیبایی ظاهری خود فکر گروهی از یهودیان را به خود معطوف داشت. تهاجم یونانیان به کشور یهودا یک تهاجم نظامی و جنگ کلاسیک نبود بلکه تهاجم به فرهنگ و آداب و رسوم و اعتقادات دینی و مذهبی یک قوم بود.

یونانیان به وجود خدای حقیقی و یکتا اعتقادی نداشتند و برای هر پدیده‌ای، یک خدا و الهه خاصی را می‌پرستیدند. ولی در زمینه‌های مختلف مانند هنرهای زیبا، فلسفه، ادبیات و علوم دیگر پیشرفت‌های شایان توجهی کرده بودند که متأسفانه گروهی از یهودیان آن زمان تحت تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم یونانیان قرار گرفتند و کلیه کارهای آنان را الگو و نمونه کارهای خویش قرار دادند و از فرهنگ و رسوم خویش دست برداشتند که تاریخ به این دسته، لقب هلنیست (پیروان فرهنگ و تمدن یونان) داده است.

خلاصه‌ای از زندگانی

حضرت داوود

رحمن دل‌رحیم



مزمور לדוד

سرودی از آن داوید (داوود)،
خداوند شبان من است، محتاج به
هیچ چیز نخواهم بود.
در مراتع سبز مرا می‌خواباند، نزد
آب‌های آرام مرا رهبری می‌کند.
جانم را برمی‌گرداند و بخاطر نام
خود به راههای عدالت هدایت
می‌نماید.

حتی اگر در وادی ظلمات راه
روم، از هجوم بدی نخواهم
ترسید زیرا تو با من هستی،
چوبدستی و عصای تو (عقاب و
تنبیه تو) مرا تسلی خواهد داد.
سفره‌ای برای من به حضور
دشمنانم می‌گسترانی، سر مرا با
روغن تدهین نمودی و کاسه‌ام پر
و لبریز است.

تنها نیکویی و رحمت تمام ایام
عمرم در پی من خواهد بود و در
خانه خداوند با طول عمر ساکن
خواهم بود.

(مزامیر داوود - فصل ۲۳)

خانواده شائول ضعیف می‌گشت. پس از
مرگ «ایش بوش» و اوتر، بنی اسرائیل
بدون رهبر ماندند و تنها کسی که
می‌توانست آنها را از حمله کافران مصون
نگاه دارد، داوود بود. پیران قوم به حورون
رفتند و در آنجا داوود با آنها پیمان بست.
در مزامیر داوود آمده است که حضرت
داوود کوشش کرد عدالت و انصاف را در
بین مردم برقرار سازد.

از مهمترین اقدامات داوید، تبدیل
اتحاد ضعیف اسباط یهودی به جای مانده
از دوران قدیم، به یک سیستم یکپارچه
سیاسی و ملی بود.

(ادامه در صفحه ۴۴)

توانست با گلیات بجنگد، نظر شائول را
به خود جلب کرد و نیز نظر به این که او
در جنگ با کفار موفقیتی بدست آورد،
مورد لطف پادشاه واقع شد و داماد وی
شد. علاوه بر این، او با یوناتان پسر
شائول دوست صمیمی بود. شائول به
داوود مشکوک می‌شود و تصور می‌کند
که او در این فکر است که سلطنت را از
جانشینانش بریابد. هنگامی که داوود
می‌فهمد که شائول قصد کشتنش را دارد
از او می‌گریزد. در این زمان بود که
چهارصد نفر از اشخاصی که در تنگنا
بودند و زندگی تلخی داشتند گرد او
جمع شدند.

شائول در جنگ با کفار شکست
خورد و کشته شد. این واقعه در زندگی
حضرت داوود نقطه عطفی بود. داوود با
طرفداران و خانواده خود به شهر حورون
رفت. اهالی یهودا به خاطر خدماتی که
حضرت داوود به آنها کرده بود پس از
مرگ شائول از حمایت خانواده او دست
برداشتند و از داوود پشتیبانی نمودند.

از طرف دیگر «اوتر بن نر» سرلشگر
شائول با شتاب پس از مرگ شائول،
«ایش بوش» پسر شائول را پادشاه کرد
در حالی که حضرت داوود بر حورون و
سبط یهودا حکومت می‌کرد. بین او و
خانواده شائول کشمکش وجود داشت.
داوود هر روز قوی‌تر می‌شد در حالی که

حضرت داوود کوچکترین پسر
«یشای» از سبط یهودا بود که در منطقه
افرات در شهر بت لحم زندگی می‌کردند.
بنابر آنچه در کتاب مقدس آمده، حضرت
داوود از اولاد «روت موآوی»، همسر
«بوئز» بوده است و ۴۰ سال بر بنی
اسرائیل سلطنت کرد (۸۷۶ تا ۸۳۶ قبل از
میلاد). از چهل سال پادشاهی، هفت سال
و ۶ ماه آن، حکومت بر یهودا در حبرون
بود و ۳۳ سال بر کل اسرائیل و یهودا در
اورشلیم (شموئل ۵: ۴-۵).

حضرت داوود در دوره حکومت
شائول (اولین پادشاه بنی اسرائیل) به
دربار او راه یافت. در جلد اول کتاب
سموئیل (شموئل فصل ۱۶) می‌خوانیم که
به دو علت حضرت داوود نزد شائول
پادشاه ارزش یافت. «یکی از خادمین در
جواب وی گفت اینک پسر ییشای بت
لحمی را دیدم که به نواختن، ماهر و
صاحب شجاعت و مرد جنگ آزموده و
فصیح زبان و نیک منظر است و خداوند
با وی می‌باشد». در فصل ۱۷ همان کتاب
می‌خوانیم که شائول پادشاه، داوود را با
کلاه، زره و شمشیر خود مسلح نمود
ولیکن داوود نتوانست با آنها راه برود
زیرا با آن وسایل عادت نکرده بود. داوود
به شائول گفت با این سلاح‌ها نمی‌توانم
بروم زیرا در استعمال آنها مهارت ندارم.
پس از آن چون حضرت داوود



دینداران

و بحران معنویت

در جهان معاصر

اشاره: همانگونه که در بخش اخبار شماره گذشته نشریه ذکر شد، نشستی علمی تحت عنوان «نشست مقدماتی کنگره بین المللی دو بانوی مقدس» با همت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریورماه برگزار شد. یک هیئت از جامعه کلیمیان متشکل از هارون یشایایی (رئیس انجمن کلیمیان)، دکتر یونس حمامی لاله‌زار، مهندس آرش آبائی و النا لایوان در این نشست شرکت کردند.

علاوه بر اندیشمندان و نمایندگان روحانیون اقلیت‌های دینی ایران، میهمانانی از ادیان مختلف از سراسر جهان در این کنگره حضور داشتند. دبیری کنگره بر عهده دکتر طوبی کرمانی بود و شخصیت‌هایی برجسته از جمله دکتر زهرا مصطفوی (دختر حضرت امام(ره))، آپتا... تسخیری، دکتر موبد اوشیدری، اسقف سرکیسیان و پدر باوا جین به بیان نظرات خود پرداختند.

موضوع اصلی کنگره «چگونگی پیوند نسل حاضر با الگوهای دینی» بود و سخنرانی‌ها و مقالات حول ۵ محور زیر ارایه شدند:

۱- چگونگی شخصیت‌های دینی می‌تواند الگوی انسان معاصر باشند.

۲- نقش انسان‌های مقدس در زندگی اجتماعی پیروان آنها.

۳- نقش دینداران در چالش و رویارویی با بحران معنویت در جهان معاصر.

۴- بررسی ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه (س) به صورت کاربردی.

۵- بررسی ابعاد شخصیتی حضرت مریم (س) به صورت کاربردی.

به نمایندگی جناب حاکم یوسف همدانی کهن و به عنوان هیئت رئیسه بخش دوم کنگره، آرش آبائی مقاله زیر را ارائه و قرائت کرد.

על שלשה דברים העולם עומד
על התורה ועל העבודה ועל גמילות חסדים
دنیا بر سه پایه استوار است: دین و
دانش، عبادت و اعمال نیک (تلمود-
میشنای آووت)

۱- برای بررسی دینداری و معنویت در جهان معاصر، جهان را از نظر زمانی به دو بخش قدیم، یعنی دنیایی که دینداری و معنویت بطور سستی در آن حاکم بود، و جهان معاصر که دچار بحران معنویت شده‌است، تقسیم می‌کنیم و پس از تشریح تفاوت‌های این دو جهان، چکیده‌ای از شرایط لازم برای حاکمیت دینداری در جهان کنونی را بیان خواهیم نمود.

۲- در جهان قدیم، دینداری به طور کلی سمبل فرهیختگی و برخورداری از یک نظام فکری مترقی بوده‌است. زیرا در آن جهان، اکثریت جامعه، حتی متخصصان آن مانند طبیبان و صنعتگران و هنرمندان، لزوماً باسواد و متفکر نبودند و شاید نیازمند آن هم نبودند. سواد و مطالعه عموماً به طبقات خاص و به ویژه به گروه دیندار جامعه تعلق داشت که به لحاظ فرایض دینی ملزم بودند کتاب آسمانی خود و

حواشی و تفاسیر و احکام آن را بخوانند و بیاموزند و بیاموزانند، که این تفکر و بحث را به دنبال داشت. به همین دلیل گروه روحانیون و طبقه دیندار، مرکز ثقل تفکر و اندیشه و یافتن راهکار برای مسائل اجتماعی بودند.

**مخاطب امروزی دین، انسانی است
«بسیار آگاه‌تر از گذشته» که به
راحتی به وقایع، دانش‌ها و فرهنگ‌های
متنوع محلی و جهانی دسترسی دارد**

عموم کارها با زحمت و تلاش نیروی انسانی میسر می‌شد، لذا باز هم این گروه‌های خاص مانند روحانیون بودند که به لحاظ شغل روحانی یا التزام دینی فرصت مطالعه و کسب علم - با تاکید بر علوم دینی- و ترویج آن را می‌یافتند.

در آن دوران برخورداری از اکثر علوم زمانه - که در مراحل اولیه قرار داشتند- برای یک فرد خاص امکان پذیر بود که معمولاً فرصت برخورداری از آن نیز نصیب عالمان دینی شده و دینداران نیز بر حسب توان خود از آن بهره‌مند می‌شده‌اند.

سرعت تغییرات اجتماعی در آن زمان بسیار بطئی و کند با مقیاس سده و بلکه هزاره بوده‌است و در چنین شرایطی، متولیان دینی با آرامش خیال قادر به بررسی جوانب امر و اعمال اصلاحات و تغییرات لازم بودند. با چنین وضعیتی، فرد دیندار، الگوی ایده‌آل هر فرد سعادت‌جوی جامعه بود، زیرا او به منبع علم و آگاهی و اخلاق و تفکر زمانه - که همان عالمان

دینی بودند - متصل بود.

۳- در جهان معاصر - که بنیاد آن بر همان جامعه سستی و دین گرای قدیم استوار است - ، دیگر تفکر به قشر و گروه خاص دینداران تعلق ندارد ، بلکه تلاش در هر رشته تخصصی از پزشکی و صنعت گرفته تا هنر و علوم انسانی، نیازمند برخورداری از دانش و قدرت تفکر و ابتکار و دید روشن است.

پس از پیشرفت‌های علمی و صنعتی، انسان به چنان رفاهی دست یافت که تقریباً برای اکثر اقشار جامعه، فرصت‌های تحصیلی تا سطوح عالی، مطالعات روزمره، کسب اخبار به هنگام جهانی و نیز فرصت‌های بحث و اعلام نظر در هر زمینه‌ای فراهم گشته است.

در جهان معاصر دیگر یک فرد - با هر مقدار توانایی و استعداد نیز - نه تنها نمی‌تواند از تمام علوم زمانه آگاهی یابد، بلکه حتی در یک حوزه خاص - فرضاً علوم دینی - نیز فقط شاخه‌ای از آن را به عنوان تخصص خود می‌تواند برگزیند و در آن حرکت کند. امروزه، آگاهی و علم از افراد خاص به کل جمعیت، آزادانه و بدون محدودیت ، پخش شده است .

علاوه بر این ، سرعت تغییرات علمی و اجتماعی چنان زیاد شده‌است که به مقیاس سال و حتی ماه و هفته رسیده است و فرد عالم به علمی خاص نیز باید خود را با این تغییرات سریع وفق دهد.

۴- تفاوت‌های مذکور به علاوه غفلت و عدم واکنش مناسب از سوی اکثر متولیان دینی نسبت به آنها، موجب گشت تا چنین به نظر برسد که دین و دینداری که متعلق به زمان ناآگاهی بشر بوده، عمرش به سرآمده است. در اثر این تفکر، هر چقدر جامعه‌ای بیشتر از آثار پیشرفت‌های علمی و اجتماعی جهان معاصر بهره‌مند می‌شد ، به همان نسبت معنویت در آن رنگ می‌باخت و به کنار رانده می‌شد. هرچند نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که معمولاً هیچ انسانی

خدا‌ای خود را به هر صورتی که برایش قابل درک است، فراموش نخواهد کرد و این بحث مربوط به آثار عملی این ایمان الهی است که ظاهراً در دینداری متجلی می‌گردد.

چگونه ممکن است انسان را به بازگشت به ارزشهای دینی دعوت نمود، در حالی که میان ادیان یا حتی مذاهب درون دینی حالت تخاصم و تقابل وجود دارد؟



سرانجام پس از گذشت چندین دهه که گروه‌های بزرگی از مردم نهایت سعادت خود را در علوم روز و فناوری‌های زمانه می‌جستند و در دیگر سو، اکثر متولیان دینی، بهت زده و گاه به حالت قهر، در حلقه‌های بسته خود، به بازخوانی مکرر متون دینی کلاسیک و علوم و آیین سستی خود مشغول بودند و بهشت و رستگاری را تنها از آن پیروان و مریدان خود می‌دانستند، جهانیان رفته رفته متوجه ارزش‌های اخلاقی و معنوی از دست رفته و جایگزین نشده خود شده و خواهان و آماده بازگشت دوباره به رفتارهای عملی معنوی در زندگی شدند. گروهی از متولیان دینی نیز که چشم خود را به تغییرات شگرف زمانه گشوده بودند، آماده ورود به عرصه جدید دینداری گشتند.

۵- بحث اصلی از اینجا آغاز می‌شود

که چه تفاوتی در الگوهای رفتاری مومنین باید ایجاد شود تا آنها به نوبه خود، سهمی در بازگرداندن ارزش‌های معنوی در زندگی انسان معاصر داشته باشند؟ در ادامه نکاتی فهرست‌وار ذکر می‌شود، چرا که انطباق رفتارهای موثر دینداری با شرایط جهان معاصر ، بحثی بسیار گسترده است و همچنان ذهن اندیشمندان و مصلحان اجتماعی را به خود مشغول داشته‌است.

۱-۵- این واقعیت باید پذیرفته شود که مخاطب امروزی دین ، انسانی است «بسیار آگاه تر از گذشته» که به راحتی به وقایع، دانش‌ها و فرهنگهای متنوع محلی و جهانی دسترسی دارد.

۲-۵- برخی از مفاهیم دینی مانند کافر، لامذهب ، خارج از دین و نیز احکام مربوط به آنها در هر دین باید مورد بازنگری قرار گیرد. همچنین مواضع ادیان و مذاهب نسبت به یکدیگر - که تاکنون برخاسته از شرایط سیاسی اجتماعی جهان قدیم و عموماً به حالت نفی و یا حداقل نادیده‌انگاری بوده است - نیاز به تعدیل و بازنگری واقع‌بینانه دارد. این موضوع به عنوان یکی از کلیدی‌ترین راهکارهای حل بحران معنوی جهان معاصر تحت نام «گفتگوی میان ادیان و مذاهب» مطرح است. چگونه ممکن است انسان را به بازگشت به ارزشهای دینی دعوت نمود، در حالی که میان ادیان یا حتی مذاهب درون دینی حالت تخاصم و تقابل وجود دارد؟ روشن است که دعوت به تفاهم و شناسایی بین ادیان به معنای نفی تکرار آن نیست و همانطور که عدم هم‌زمانی مردم در کشورهای مختلف، موجب خصومت میان آنها نمی‌شود، هدف از گفتگوی ادیان نیز از میان برداشتن خصومت‌ها و دشمنی‌های اغلب بی‌اساس و عموماً تاریخی گذشته است.

۳-۵- در جهان قدیم و دیدگاه سستی دین ، زندگی انسان عموماً به دو بخش مقدس و معمولی تقسیم می‌شده که بخش

مقدس آن به اوقات یا اماکن مربوط به عبادت و فرائض تعریف شده دینی و حداکثر انجام امور خیریه - آن هم در قالب تعریف شده دینی - محدود می‌شد و سایر اعمال انسان، «دنیوی و مادی» محسوب می‌گشت. امروزه با تغییر و گسترش این مفاهیم، به هر تلاشی که منجر به آرامش، نظم، رفاه و صلح اجتماعی گردد، و نیز تقدس بخشیدن به فعالیت‌های نظام‌مند و مفید بشری، می‌توان معنویت را در تمام ابعاد زندگی تسری داد و تعریف نوین و زیبایی از دینداری به دست داد.

۴-۵- مفاهیم و تعاریف جدید دینی درباره موضوع‌های نوین نیز می‌تواند جنبه‌های ناشناخته معنویت را آشکار سازد. تخریب محیط زیست که ارزشیابی علمی، آن را معادل صدها و بلکه هزاران قتل نفس عنوان می‌کند، یا تجارت و مصرف مواد مخدر که جوامع را به پژمردگی و تباهی می‌کشاند، نمونه‌هایی از مسایل خاص جهان معاصر هستند که دیدگاه سنتی ادیان موضع خود را در برابر آنها روشن نکرده است.

متأسفانه در اکثر جوامع و محافل دینی، ظواهر و مناسک دین و جزئیات اجرایی آنها چنان در مرکز توجه دینداران قرار گرفته که تهذیب نفس و تزکیه و اصلاح اخلاقی را به حاشیه رانده است

۵-۵- شفافیت و روشن شدن مواضع و مفاهیم دینی، از مهمترین مواردی است که مانع از سوءاستفاده از دین توسط تعبیرهای اشتباه شخصی و گاه لانه‌گزینی فاسدان و ناصالحان در پوشش دینداری می‌گردد، که این از بزرگترین آفات ادیان و از عوامل دوری مردم از دین و معنویت آن بوده است. متأسفانه در اکثر جوامع و محافل دینی، ظواهر و مناسک دین و جزئیات اجرایی آنها چنان در مرکز توجه دینداران قرار گرفته که تهذیب نفس و تزکیه و اصلاح اخلاقی را به حاشیه رانده است.

۶-۵- تغییر نگرش نسبت به زن با توجه به تغییرات اجتماعی شگرف امروزی آماده شدن شرایط برای مشارکت اجتماعی زنان.

۶- به عنوان جمع بندی می‌توان گفت که فرد دیندار، عامل اجرایی و تجلی دیدگاه‌های اندیشمندان و روحانیون است و او تنها در صورتی موفق به وارد ساختن ارزش‌های معنوی در زندگی بشر در جهان معاصر خواهد شد که خود به جهان امروزی تعلق داشته و برای تغییرات فردا، آگاهانه، آماده باشد.

بیانیه نهایی

بیانیه نهایی نشست مذکور به این شرح صادر شد:

جهان امروز جهانی مملو از بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... است و آنچه که در این میان نمودی خاص می‌یابد و زندگی بشر امروز را تحت الشعاع قرار می‌دهد، بحران معنویت و کمرنگ شدن نقش دین در جوامع بشری است. به طوری که هر روز شاهد ظهور گروه‌ها و دسته‌جات بزرگ و کوچک ضد دینی و ضد اخلاقی می‌باشیم. لذا دین به امری ذهنی، افسانه‌ای و تاریخی تبدیل شده که از کمترین نقش در جوامع بشری و به ویژه در تعاملات زندگی روزمره مردم برخوردار است.

بنابراین به بهانه تقارن میلاد دو بانوی مقدس حضرت فاطمه و حضرت مریم (سلام ا. علیهما) اجلاسی تحت عنوان «نشست مقدماتی کنگره بین‌المللی دو بانوی مقدس» با موضوع چگونگی پیوند نسل حاضر با الگوها و شخصیت‌های دینی و با تأکید بر نقش دینداران در چالش و رویارویی با بحران معنویت در جهان معاصر در تهران برگزار شد.

شرکت کنندگان در این اجلاس که نمایندگان چهار دین الهی، اسلام، مسیحیت، یهود و زرتشت از سراسر جهان بودند، بر موارد زیر تأکید کردند:

۱- ادیان الهی بر وجود بحران معنویت در جهان معاصر اذعان داشته و جلوگیری و رهایی از این بحران را وظیفه اصلی و فوری رهبران دینی می‌دانند.

۲- برای ادای وظیفه و رهنمون شدن مردم به تهذیب، رهبران دینی بایستی خود مهذب شوند تا بتوانند سرمشقی عملی برای دیگران باشند.

۳- برای هدایت جوانان می‌بایست پیوندی عمیق میان رهبران دینی و نسل معاصر و بویژه جوانان ایجاد گردد و این ممکن نیست جز این که این رهبران با حفظ اصول و ارزش‌های دینی، زبان نسل امروز به ویژه جوانان را بشناسند و با آنان تعامل داشته باشند.

۴- با توجه به این که تعاملات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی ملت‌ها متأثر از تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای حاکمان سیاسی کشورها می‌باشد، لذا برای تحقق ارزش‌های دینی و جلوگیری از بحران‌های اخلاقی و معنوی، حاکمان کشورها می‌بایست پیشگامان عمل به این اصول و ارزش‌ها بوده و پیروان واقعی رهبران دینی و حامیان آنها باشند.

۵- رهبران دینی ضمن حمایت دایمی از مظلومین جهان، هر گونه ترور به ویژه تروریسم دولتی را به هر شکلی (جسمی، فکری، شخصیتی) محکوم می‌نمایند.

۶- شرکت کنندگان در این اجلاس ضمن انزجار از واقعه دردناک انفجار آمریکا و قتل عام انسان‌های بی‌گناه اعلام می‌دارند که مقوله صهیونیسم از مسئله یهودیان کاملاً مجزا است و شرکت کنندگان ضمن اعلام احترام به یهودیان، مظلالم صهیونیست‌ها را محکوم می‌نمایند.

۷- برای همفکری و هماهنگی کامل رهبران ادیان الهی جهت مقابله با بحران معنویت و جلوگیری از کمرنگ شدن نقش دین در جهان معاصر، پیشنهاد شد اتحادیه‌ای تحت عنوان «اتحادیه بین‌المللی متدینین جهان» تشکیل گردد.

۸- در راستای تشکیل اتحادیه مذکور در بند فوق و جهت ارایه راهکارهای عملی و طرح‌های برنامه‌ای، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان ادیان الهی در تهران یا به پیشنهاد شرکت کنندگان در هر نقطه‌ای از جهان تشکیل می‌گردد.

اعلامیه

امحای تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مذهبی

قطعنامه ۳۶/۵۵ سازمان ملل متحد

مصوب مجمع عمومی در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱

اقتباس از: کتاب نابردباری مذهبی، محمد حسین مظفری،

موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۶

וכי יגור אתך גר בארצכם לא תנו אתו.
כאזרח מכם יהיה לכם הגר הגר אתכם.
ואהבת לו כמוך כי גרים הייתם בארץ
מצרים.

«با غریبانی که در سرزمین تو زندگی می کنند بدرفتاری
مکن. با ایشان مانند سایر اهالی سرزمینت رفتار کن، و
او را مانند خودت دوست بدار، زیرا نباید از یاد ببری که
شما خود نیز در سرزمین مصر غریب و بیگانه بودید»

(تورات، شмот- خروج، فصل ۱۹ آیات ۳۳ و ۳۴)

مجمع عمومی

با توجه به اینکه یکی از اصول اساسی
منشور ملل متحد، کرامت و برابری ذاتی تمام
افراد بشر است، و اینکه تمامی کشورهای
عضو، متعهد شده اند که به منظور پیشرفت و
ترغیب احترام جهانی به حقوق بشر و رعایت
آن و آزادی های اساسی برای همگان، بدون
تمایزی از حیث نژاد، جنس، زبان و دین، در
همکاری با سازمان، اقدامات مشترک و
مستقلی را صورت دهند.

**کودک بایستی از هر گونه تبعیض در
زمینه دین یا عقیده، مصون باشد. او
بایستی در پرتو روح تفاهم، بردباری،
دوستی میان ملت ها، صلح و برادری
جهانی، احترام به آزادی دین یا عقیده
دیگران و با آگاهی کامل به اینکه
توان و استعدادش بایستی وقف خدمت
به همنوعش گردد، تربیت شود**

با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق
بشر و میثاق های بین المللی حقوق بشر،
اصول عدم تبعیض و برابری در مقابل قانون
و حق آزادی فکر، وجدان، دین و عقیده را
اعلان کرده اند.

با توجه به اینکه بی احترامی و نقض
حقوق بشر و آزادی های اساسی، به ویژه حق
آزادی فکر، وجدان و دین یا هر اعتقادی- به
طور مستقیم یا غیر مستقیم- جنگ ها و
مصائب بزرگی را برای بشریت به بار آورده

است، و بخصوص در جایی که از آنها
به عنوان ابزاری در جهت مداخله در امور
داخلی کشورهای دیگر استفاده می شود و
منجر به برافروخته شدن کینه و نفرت در میان
مردمان و ملت ها می شود.

با توجه به اینکه دین یا عقیده، برای
کسی که بدان اعتقاد دارد، یکی از عوامل
اساسی در شناخت مفهوم زندگی است و
اینکه آزادی دین یا عقیده، می باید به طور
کامل تضمین و رعایت شود.

با توجه به ضرورت ارتقای تفاهم،
بردباری و احترام درباره موضوعات مربوط به
آزادی دین یا عقیده، و تضمین اینکه استفاده
از دین یا عقیده، برای اهدافی مغایر با منشور
سایر اسناد ملل متحد و اهداف و اصول
اعلامیه حاضر، قابل قبول نمی باشد.

با اذعان به اینکه آزادی دین یا عقیده نیز
بایستی در جهت نیل به اهداف صلح جهانی،
عدالت اجتماعی و دوستی میان ملل و امحای
ایدئولوژی ها یا رویه های استعماری و تبعیض
نژادی نقش خود را ایفا نماید.

با عدم رضایت مندی از تصویب چندین
میثاق و لازم الاجرا شدن برخی از آنها که با
کوشش سازمان ملل و سازمان های تخصصی
آن، به منظور امحای اشکال گوناگون تبعیض
صورت گرفته است.

با نگرانی از بروز نابردباری و وجود
تبعیض در امور مربوط به دین یا عقیده که
هنوز در برخی از مناطق جهان مشهود است.

تصمیم می گیرد که تمامی اقدامات لازم
برای امحای سریع این گونه نابردباری ها را در
تمامی اشکال و جلوه هایش و برای پیشگیری
و مبارزه با تبعیض در زمینه های دین یا عقیده
تصویب کند.



این اعلامیه درباره امحای تمامی اشکال
تبعیض و نابردباری مبتنی بر دین یا عقیده
اعلان می نماید:

ماده ۱

۱- هرکس حق آزادی فکر، وجدان و
دین را دارد. این حق شامل آزادی داشتن
دین یا عقیده ای به انتخاب خود شخص و
همچنین آزادی ابراز دین یا عقیده خود-

به طور فردی یا دستجمعی و به طور
خصوصی یا علنی- در عبادت، اجرای
مراسم و اعمال و تعالیم مذهبی می باشد.

۲- هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع
شود که به آزادی او در داشتن دین یا
عقیده ای به انتخاب خودش، لطمه وارد
آورد.

۳- آزادی ابراز دین یا عقیده را نمی توان

تابع محدودیت‌هایی قرار داد، جز آنچه به موجب قانون پیش‌بینی شده باشد و تنها برای تمین آرامش، نظم، بهداشت عمومی یا اخلاق حسنه یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

ماده ۲

۱- هیچ‌کس توسط هیچ دولت، موسسه، فرد یا گروه افراد، در زمینه دین یا عقیده، تحت تبعیض قرار نمی‌گیرد.
۲- از نظر اعلامیه حاضر، مفهوم و اصطلاح «تبعیض و ناپردباری مبتنی بر دین یا عقیده» عبارت از هرگونه تمایز، محرومیت، محدودیت یا ترجیح بر اساس دین یا عقیده، با داشتن این هدف یا اثر که شناسایی، برخورداری یا اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و بر مبنای مساوی را متغی سازد یا بدان لطمه وارد آورد، است.

ماده ۳

تبعیض میان افراد بشر بر اساس دین یا عقیده، بی‌حرمتی به حیثیت انسانی و انکار اصول منشور ملل متحد است و به عنوان نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اعلان شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر که به تفصیل در میثاق‌های حقوق بشر بیان شده است و به عنوان مانعی برای دوستی و روابط صلح‌آمیز در میان ملت‌ها، محکوم می‌شود.

ماده ۴

۱- تمامی دولت‌ها اقدامات موثری را به منظور امحا و پیشگیری از تبعیض درباره دین یا عقیده و در جهت شناسایی، اجرا و بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در تمامی زمینه‌های زندگی - اعم از مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - انجام خواهند داد.

۲- تمامی دولت‌ها، در صورت لزوم کلیه مساعی خود را برای وضع یا لغو قوانین، به منظور ممنوعیت هرگونه تبعیضی از این قبیل به کار خواهند برد و برای مبارزه با ناپردباری در زمینه دین یا عقیده، تمامی اقدامات مقتضی را صورت خواهند داد.

ماده ۵

۱- والدین یا - برحسب مورد - سرپرست قانونی کودک، حق دارند که زندگی را در داخل خانواده بر اساس دین یا عقیده خود سازمان دهند و کودک بایستی با توجه به دین یا عقیده آنها، تحت آموزش اخلاقی قرار گیرد.

بی‌احترامی و نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، به ویژه حق آزادی فکر، وجدان و دین یا هر اعتقادی - به طور مستقیم یا غیر مستقیم - جنگ‌ها و مصائب بزرگی را برای بشریت به بار آورده است

۲- هر کودکی باید از حق دسترسی به آموزش در زمینه دین یا عقیده، برطبق تمایلات والدین و یا برحسب مورد سرپرست قانونی او، برخوردار باشد و مجبور نباشد که در زمینه دین یا عقیده تحت آموزش‌هایی قرار گیرد که با تمایلات والدین و یا سرپرست قانونی‌اش مغایر است. بهترین غبطه و مصلحت خود کودک در این زمینه به عنوان یک اصل راه‌گشا مد نظر قرار می‌گیرد.

۳- کودک بایستی از هرگونه تبعیض در زمینه دین یا عقیده، مصون باشد. او بایستی در پرتو روح تفاهم، بردباری، دوستی میان ملت‌ها، صلح و برادری جهانی، احترام به آزادی دین یا عقیده دیگران و با آگاهی کامل به اینکه توان و استعدادش بایستی وقف خدمت به هموعش گردد، تربیت شود.

۴- در صورتی که کودک تحت مراقبت والدین و یا سرپرست قانونی نباشد، تمایلات صریح آنان یا هرگونه اماره دیگری که نشانگر تمایل آنان در موضوع دین یا عقیده باشد، و با لحاظ اینکه بهترین مصالح طفل به عنوان اصل راه‌گشایی در این موضوع است، مد نظر قرار می‌گیرد.

ماده ۶

برطبق ماده یک اعلامیه حاضر و به

موجب مقررات بند ۳ ماده یک، حق آزادی فکر، وجدان، دین یا عقیده، از جمله آزادی‌های ذیل را شامل خواهد شد:

الف - عبادت یا اجتماع در ارتباط با دین یا عقیده و تاسیس و نگهداری مکان‌هایی برای این اهداف.

ب - تاسیس و نگهداری موسسات بشردوستانه و اعانه‌دهنده مقتضی.

ج - ساختن، به دست آوردن و استفاده از مقدار لازم و متناسب مواد و لوازم مربوط به مراسم و آیین‌های مذهبی یا عقیدتی.

د - نوشتن، نشر و پخش نشریات متناسب در این امور.

ه - تعلیم دین یا عقیده در مکان‌هایی مناسب برای این اهداف.

و - درخواست و دریافت کمک‌های مالی داوطلبانه و سایر مشارکت‌ها، توسط افراد و موسسات.

ز - تربیت، نصب، انتخاب یا تعیین جانشین رهبران دینی، با توجه به شرایط و معیارهای آن دین یا عقیده.

ح - مراعات ایام استراحت، بزرگداشت اعیاد و مراسم برطبق دین یا عقیده هر فرد.

ط - برقراری و حفظ ارتباط با افراد یا جوامع در امور مربوط به دین یا عقیده، در سطح داخلی و بین‌المللی.

ماده ۷

حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر تدوین شده است، بایستی به گونه‌ای در قوانین داخلی وارد شوند که هر فردی در عمل امکان دسترسی به این حقوق و آزادی‌ها را داشته باشد.

ماده ۸

هیچ مطلبی در اعلامیه حاضر نبایستی به گونه‌ای تعبیر و تفسیر شود که هیچ حقی را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر وجود دارد، محدود یا ملغی کند ■



کمیسیون حقوق بشر اسلامی و اقلیت‌های دینی

اشاره : به دعوت محمدحسن ضیایی‌فر، دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی، چهارشنبه ۲۳ آبان‌ماه جلسه‌ای درباره بررسی اقدامات یکساله قوه مجریه در هتل مرمر تهران برگزار شد. در این جلسه از نمایندگان اقلیت‌های دینی و از جمله کلیمیان نیز دعوت به شرکت و اظهارنظر شده بود. هیتی از سوی کلیمیان در این جلسه حضور یافت و مشکلات موجود جامعه کلیمی را بررسی و با مسئولان حاضر و نیز شخص دبیر کمیسیون به تبادل نظر پرداخت. روزنامه نوروژ مورخ ۱۲ آذر، گفتگویی با ضیایی‌فر انجام داده که بخش مربوط به اقلیت‌های دینی آن، ارایه می‌شود.

مجمع تشخیص مصلحت در سیاست‌های کلانی که تصویب کرده، حق شهروندی را مورد تاکید قرار داده است و خواستار رعایت کامل حقوق اقلیت‌ها شده است

بحثی که هر سال در سازمان حقوق بشر جهانی منعکس می‌شود و هر از چند گاهی در مورد آن صحبت می‌شود، بحث مربوط به اقلیت‌های دینی است. تعدادی از اقلیت‌ها مشکل استخدام در سازمانها و ادارات دولتی دارند، آنها می‌توانند به دانشگاه بروند، درس بخوانند و مدارج بالای علمی را هم طی کنند، ولی به لحاظ مسایل استخدامی مشکل دارند، آیا این مسایل را تاکنون پیگیری کرده‌اید؟

پیگیری‌های کمیسیون، هم در زمینه اقلیت‌های قومی به عمل می‌آید هم در مورد

اقلیت‌های مذهبی، باید بگویم پیگیری‌های ما هم در ارتباط با اقلیت‌های مذهبی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، بوده و هم در مورد اقلیت‌هایی که هیچ رسمیتی در قانون اساسی ندارند و به لحاظ دینی، علما آنها را به عنوان اقلیت دینی نمی‌شناسند، اما به هر حال به عنوان یک واقعیت در جامعه ما وجود دارند. اقلیت‌ها مسایل متعددی دارند، حالا شما به یک مورد آن اشاره کردید. البته در این چند سال واقعا تحولات خوبی صورت گرفته و دولت هم در مورد اقلیت‌های مذهبی و هم در مورد اقوام و رعایت اصل پانزده قانون اساسی اراده خوبی نشان داده است. آقای رئیس‌جمهور هم همکاری خوبی در این زمینه دارند و در قوه قضائیه هم کارهای خوبی صورت گرفته است. مثلاً قوه قضائیه در قم یک مرکز تحقیقات فقهی دارد که در مورد مقوله‌های متعدد نظرات مراجع را جمع‌آوری می‌کند. این مرکز در زمان آقای یزدی ایجاد شده است. در همان اواخر دوره آقای یزدی یک مجموعه نظراتی را از این مرکز دیدم. گرایش عمومی آن مجموعه، گرایش‌های علمی به سمت این بود که برخی از تبعیض‌هایی که در قوانین هست باید رفع شود. مثل بحث دیه، آن را برای قوه قضائیه به تهران فرستاده بودند که قوه قضائیه این اقدام را انجام دهد که شاید اخیراً خوانده‌اید که در جلسه مسئولین قوه قضائیه در مورد دیه اقلیت‌ها بحث شد. من معتقدم این حاصل همان روندی است که در قوه قضائیه از چند سال پیش به لحاظ فقهی کلید خورده بود. در مراجع تصمیم‌گیری دیگر مثل شورای امنیت و مجمع تشخیص مصلحت نیز در چند سال اخیر مصوباتی گذرانده شد که به تحولاتی در زمینه حقوق اقلیت‌ها کمک کرده است. مجمع تشخیص مصلحت در سیاست‌های کلانی که تصویب کرده، حق شهروندی را

مورد تاکید قرار داده است و خواستار رعایت کامل حقوق اقلیت‌ها شده است. در مجلس هم روند خوبی وجود دارد و نسبت به آینده اقلیت‌ها می‌توان خوشبین بود و به نظر می‌رسد بسیاری از مشکلات آنها رفع خواهد شد. در مورد اقلیت‌های غیر رسمی هم چند تحول در این چند سال صورت گرفته که قابل توجه است. مثلاً قبلاً وقتی یک بهایی قصد سفر به خارج از کشور داشت عمدتاً با مانع روبرو بوده و اداره گذرنامه با او همکاری نمی‌کرد و در فرم‌هایشان علامت خاصی می‌زدند. دادگاه انقلاب هم خروج آنها را خلاف مصلحت کشور می‌دانست و آنها ممنوع الخروج می‌شدند. اما در چند سال اخیر تحولاتی به وجود آمده و این موانع برداشته شده است. رسیدگی به اصل ۴۹ قانون اساسی قانونمندتر شده و امکان رسیدگی و تجدیدنظر برای آن فراهم شده، در حالی که قبلاً بدین نحو نبود. اجتماعات خصوصی اقلیت‌ها در گذشته بعضاً مورد سوء ظن وزارت اطلاعات بود و مامورین امنیتی مدعی بودند که تجمع آنها بر ضد امنیت ملی کشور است. اما در حال حاضر اینطور نیست و آنها اجتماعات خود را برگزار می‌کنند و جلسات خود را دارند. البته به آنها گفته می‌شود که شفاف و قانونمند کارشان را انجام دهند و اگر محرز شد که کسی اقدامی علیه امنیت انجام می‌دهد، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، با رعایت موازین قانونی با او برخورد خواهد شد. بنابراین من نسبت به این مقوله خوشبین هستم. البته هنوز مشکلات زیادی در این زمینه داریم و حتماً باید حوزه‌های علمیه و علمای دینی به ما کمک کنند تا وضعیت عملی در این زمینه جهشی

پیام کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد به مناسبت روز حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۲۰۰۱ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۸۰)



UNITED NATIONS

اینجانب
این روز حقوق
بشر را با
غروری خاص
به شما تبریک
می‌گویم. در
این روز به
خصوص
سازمان ملل
مفتخر به

دریافت جایزه صلح نوبل شده است.

همانگونه که موسسان ملل متحد آگاه بودند، حقوق بشر و صلح به یکدیگر تعلق دارند. ایشان مصمم بودند تا نسل‌های آتی را از بلای جنگ مصون نگاه دارند و اعتقاد خود را به حقوق اساسی بشر مجدداً تحکیم نمایند. نقض گسترده حقوق بشر در هر کشور نشانه خطرناکی محسوب می‌شود و به ما هشدار می‌دهد که درگیری نزدیک و قابل مشاهده است. فقط در صورتیکه ما به این اخطار اولیه توجه کنیم و اقدام به موقع به منظور حمایت از حقوق بشر انجام دهیم، خواهیم توانست مردم آن کشور و همچنین گاهی اوقات همسایگانش را از بلای جنگ محفوظ داریم.

در جهان امروز که به هم مرتبط است، یعنی در جایی که درگیری در یک کشور انعکاس‌هایی در کشور دوردست دیگری نیز پیدا می‌کند، بایستی این درس را بیش از هر زمان دیگر به خاطر بسپاریم.

و همچنانکه ما در راه مبارزه با تروریسم متحد می‌شویم، اجازه دهید تا به خاطر بسپاریم حقوق بشری که ما مدافع آن هستیم، جنبه جهانی دارد.

اجازه دهید در راه شکست نژادپرستی و تبعیض، بیش از پیش تلاش نمائیم.

اجازه دهید مصمم باشیم تا با همگی مردان و زنان کره ارض با هر نژاد، عقیده و ملیتی که دارند رفتاری در پیش بگیریم به مانند اعضای خانواده بشری که در سرنوشت آنها سهیم هستیم.

اجازه دهید تا به حقوق ایشان احترام بگذاریم، همانطور که انتظار داریم آنان به حقوق ما احترام گذارند.

(مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، تهران)

تفاوت دیه یک مسلمان با غیر مسلمان است. در این مورد چند تن از آیات عظام فتاوی متعددی در برابر استفتاء ما داده‌اند که می‌توانند در حصول به یک رویه خاص موثر باشند. بسیاری از آیات عظام نیز اعتقاد به برابری دیه مسلمان با غیر مسلمان دارند. وی پیشنهاد رئیس جمهوری ایران مبنی بر گفتگوی تمدن‌ها در سال ۲۰۰۱ را زنده کردن یک سنت دیرین و دیرپای در محدوده نگرش اسلامی در پهنه خاورمیانه دانست.

(مردم سالاری - ۸۰/۱۰/۱)

حقوق اقلیت‌ها در فقه بسیار گسترده است

حقوق اقلیت‌های دینی در فقه به صورت بسیار گسترده و محکم مطرح است و در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز رعایت می‌شود.

هاشم هاشم‌زاده هریسی، عضو مجلس خبرگان رهبری در گفتگو با ایسنا گفت: در بسیاری از مسایل باید حرمت اقلیت‌های مذهبی در پناه اسلام حفظ شود، زیرا ملیت آنها ایرانی است و در سایه اسلام زندگی می‌کنند و با نظام و کشورمان هماهنگی دارند.

وی افزود: در برخی موارد قضایی مشکلات شرعی و فقهی در زمینه مسایل اقلیت‌های دینی وجود دارد که می‌توان آنها را از لحاظ فقهی بررسی کرد و راه‌حلی برای آن یافت. در این زمینه آنچنان که اطلاع دارم اقداماتی انجام شده است و حتی از حوزه نیز استمداد شده که در این مسیر راه‌حل‌های فقهی پیدا شود و نظر بر حل این مشکل است.

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی در مجلس پنجم با تأکید بر لزوم حفظ کرامت انسانی گفت: برادران اقلیت در جریان این مسئله هستند که در برخی از جلساتی که در کمیسیون حقوق بشر اسلامی بودیم، این مسایل نیز مطرح بود و واقعا برای حل این مسایل نظر مساعد وجود داشت (مردم سالاری - ۸۰/۱۰/۲)

داشته باشد. اگر علما کمک ندهند و مجلس به تنهایی قوانینی تصویب کند، ممکن است شورای نگهبان آن را خلاف شرع تشخیص دهد.

همانطور که در مورد حقوق زنان لازم است که علما با توجه به شرایط زمان و مکان و با توجه به این که قصد داریم فهمی از اسلام را در جهان ارایه کنیم که بتوانیم بگوئیم اسلام یک دین جهانی و منطبق با فطرت همه جوامع است، برخی از قوانین مورد بازنگری قرار دارند. در مجموع در خیلی از زمینه‌ها مشکلات زیادی وجود دارد که علما باید فکری برای آن بکنند ■

اساسی‌ترین کمبود اقلیت‌های دینی، تفاوت دیه یک مسلمان با غیر مسلمان است

«یونان بت کلیا» نماینده آشوری‌ها و کلدانی‌ها در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار ایسنا گفت: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بحث پیرامون اقلیت‌های دینی و حقوق و خواست آنها بیشترین توجه را داشته است.

وی آموزش زبان مادری، تعلیم باورهای دینی و برپایی آیین خاص قومی و دینی هر اقلیت را از امتیازات ارزنده‌ای دانست که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اقلیت‌های دینی قابل است و افزود که این توجه در هیچ کشور دیگری به ویژه کشورهای مسلمان منطقه رعایت نمی‌شود.

بت کلیا اظهار داشت: برخی نارسایی‌ها، آنهم در رده‌های پایین و نه مقام‌های برجسته نظام در برخورد با افراد اقلیت دیده می‌شود، همانند تبعیض در استخدام به ویژه در مراکز و دوائر دولتی و مراکز حساس کشور.

وی ادامه داد: در آموزش و پرورش این نارسایی با اقداماتی که اخیراً به عمل آمده در حال رفع است. در دانشگاه‌های دولتی درصد قبولی دانشجویان اقلیت افزایش یافته اما اساسی‌ترین کمبود،

صهیونیسم در تئوری و عمل:

تفاوت بنیادین بین یهودیت نبوی

و صهیونیسم سیاسی



این مقاله در نشریه مطالعات منطقه‌ای (جلد هفتم، ۱۳۸۰) به چاپ رسیده است.

در اعتقاد دینی یهودیان، قداست اورشلیم و آرزوی بنای دوباره بیت المقدس یک ایده آل مذهبی، همچون ظهور منجی موعود و گسترش عدالت مطلق بر اساس مشیت الهی است. در متن دعا‌های روزانه کلیمیان که سه نوبت در روز خوانده می‌شود، همواره تقدیس اورشلیم، اهمیتی در خور توجه داشته است

هارون یشایایی

یهودیت در اصول و معنای خود، دینی الهی است که بنیان آن بر اعتقاد به خداوند یکتا و رسالت پیامبران و سلوک و سیره انبیا نهاده شده است و اخلاقیات آن نیز متکی به فرامین الهی در ده فرمانی است که به وسیله حضرت موسی کلیم اله در چگونگی رفتار و پایدها و نیایدهای عمل انسان در ارتباط با خالق و مخلوق به بنی اسرائیل ابلاغ شده و در طول قرون، راهنمای زندگی این مردم بوده و همواره عدالت خواهی، توصیه پیامبران یهود به پیروان این دین الهی است. «خداوند از تو چه چیز می‌طلبد، غیر از اینکه انصاف را به جای آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدا ای خود با فروتنی سلوک نمایی».

«در آن هنگام، انصاف، مثل آب و عدالت مانند نهر دائمی، جاری خواهد شد.» «شریران، شمشیر برهنه کرده، کمان را کشیده‌اند تا مسکین و ناتوان را بیندازند و درستکاران را از میان بردارند، ولی شمشیر ایشان به دل خود آنها فرو خواهد رفت و کمان‌های ایشان شکسته خواهد شد.» (مزاسیر داوود: باب ۳۸ آیات ۱۴ و ۱۵)

از طرف دیگر در مقابل چنین اعتقادی، صهیونیسم به عنوان یک تفکر سیاسی مطرح می‌شود که در قرن نوزدهم و بیستم میلادی شکل گرفت و با استفاده از تحولات اروپا در این دو قرن توانسته است به یک جریان فکری قدرتمند در میان یهودیان جهان و بسیاری از غیریهودیان تبدیل شود و بر

حوادثی که قبل و بعد از جنگ- بویژه خاورمیانه- پیش آمده، تأثیر قابل توجهی بر جای گذارد. این جریان، حداقل در شروع، به هیچ وجه- نه در ظاهر و نه در باطن خود- شکل یک نهضت دینی را نداشت. شاکله اصلی جریان صهیونیستی را در آغاز، سوسیالیست‌های رنگارنگ، آنارشیت‌ها و شوونیست‌هایی تشکیل می‌دادند که مستقیماً تحت تأثیر تحولات فکری اروپا قرار داشتند و عناصر توحیدی تفکر یهود، به طور بنیادی در اندیشه آنها جای نداشت. ولی به هر حال، عنصری از خواسته‌های یهودیان را بیان می‌کرد که در دنیای بحرانی اروپا مخاطبین خود را داشت.

اما این که این دو پدیده، یعنی یهودیت و صهیونیسم چگونه بر هم تأثیر گذاشتند و سیر وقایع، آنها را در چه موقعیتی قرار داد، بحث این گفتار مختصر خواهد بود.

در اعتقاد دینی یهودیان، قداست اورشلیم و آرزوی بنای دوباره بیت المقدس یک ایده آل مذهبی، همچون ظهور منجی موعود و گسترش عدالت مطلق بر اساس مشیت الهی است. در متن دعا‌های روزانه کلیمیان که سه نوبت در روز خوانده می‌شود، همواره تقدیس اورشلیم، اهمیتی در خور توجه داشته است. برای مثال، این کلام که: «تورات از کوه صیون و کلام خداوند از اورشلیم تجلی خواهد کرد» (یشعیا نبی باب ۲ آیه ۳) و یا این آیه که: «ای اورشلیم! اگر تو را فراموش کنم، دست راستم را فراموش

کرده باشم» (مزاسیر داوود: مزسور ۱۳۷ آیه ۵) قرن‌هاست که بر زبان یهودیان مومن جاری است و هیچ‌گونه روح تعرض و پرخاشگری در آن وجود ندارد. در ایمان یهودیان، تجدید بنای خانه خدا (بیت المقدس)، نشانه حرکت انسان به سوی معنویت و انتظار عدالت مطلق است و نه یک حکومت دنیوی با اقتدار سردمداران و مرزهای جغرافیایی و نوع خاص برتری گروهی از مردم بر گروهی دیگر که محور اندیشه سیاسی صهیونیست‌ها بوده و می‌باشد. همه می‌دانیم که یهودیان قرن‌ها در کشورهای مختلف پراکنده بوده و با کسب خصوصیات اجتماعی و فرهنگی هر ملت و یا گروهی، از فرهنگ‌های مختلف تأثیر گرفته و طبعاً به سهم خود بر آن تأثیر گذاشته‌اند، ولی در هر شرایطی، اعتقاد خود را به خدا، یگانه و مجموعه نظام فکری، اعتقادی و سستی دین خود حفظ کرده‌اند. بسیاری از افراد متدین و متفکران یهودی از همان آغاز تا امروز، تفکر صهیونیستی را در مجموعه اندیشه یهودیت، مردود شمرده‌اند. آلبرت اینشتین ۱۸۷۹-۱۹۵۵، در کتاب «سال‌های اخیر زندگی‌ام» (Out of My Later Years) می‌نویسد: «آنچه من از ماهیت اصلی یهودیت می‌دانم با ایده یک کشور یهودی، با مرزهای مشخص، ارتش و قدرت دنیوی و فانی نمی‌خواند. زبانی که «یهودیت» متحمل خواهد شد - بویژه به واسطه گسترش و

تکامل ناسیونالیستی تنگ‌نظرانه در درون یک «کشور یهودی» - مرا سخت هراسان می‌سازد» پروفیسور مارتین بورمن (Martin Borman)، یهودی سرشناس مخالف صهیونیسم (۱۹۶۵ - ۱۸۷۸) می‌گوید: «تنها یک انقلاب داخلی می‌تواند بیماری کشنده نفرت بی‌دلیل ما را نسبت به اعراب شفا دهد. این بیماری، ما را به کلی از میان خواهد برد، فقط آن زمان است که پیران و جوانان ما خواهند فهمید که مسئولیت ما در قبال اعرابی که شهرهایشان را اشغال کرده‌ایم و یهودیان سرزمین‌های دیگر را در آن اسکان داده‌ایم تا چه حد عظیم است! اعرابی که خانه‌هایشان را ارث برده‌ایم و بر زمین‌هایشان کشت و زرع می‌کنیم، میوه‌های باغ‌ها و تاکستان‌هایشان را جمع‌آوری می‌کنیم و در شهرهایی که از آنها غصب کرده‌ایم، مدرسه، کنیسه و مراکز خیریه می‌سازیم. در حالی که مدام لاف از آن می‌زنیم که ما «مردم کتاب مقدس (تورات) هستیم ... و خود را روشنایی ملت‌ها می‌دانیم ...»

همین متفکر در جای دیگر می‌گوید: «هنگامی که ما به فلسطین رفتیم، سؤال تعیین‌کننده، این بود که آیا در آنجا می‌خواهیم دوست و هم‌پیمان باشیم، برادر باشیم، عضوی از جامعه خلق‌های خاورمیانه باشیم و یا نماینده استعمار و امپریالیسم ...؟ اکثر صهیونیست‌ها ترجیح دادند از هیتلر بیاموزند تا از یهودیت ... هیتلر می‌خواست نشان دهد که تاریخ در راه تعالی روح گام بر نمی‌دارد، بلکه طریق قدرت را می‌پیماید و اگر ملتی به قدر کافی قدرتمند است، می‌تواند بی رحمانه بکشد ... از ابتدا لازم بود که ما با چنین برداشتی از تاریخ می‌جنگیدیم ...» (روزنامه جویس کرونیکل، ۲ ژوئن ۱۹۵۸).

اشارات در این زمینه از روحانیون و متفکران یهودی بعد از اولین کنگره جهانی صهیونیست‌ها در شهر بال سوئیس (۱۸۹۷)، بسیار زیاد است که از آن میان، نقل قول از دو روحانی برجسته یهودی در این جا ضروری است.

مشه منوهم، روحانی سرشناس و یهودی ضد صهیونیسم (۱۹۸۰ - ۱۸۹۳) در کتاب «دو مقاله» که در سال ۱۹۷۳ در نیویورک به چاپ رسید، می‌نویسد: «من یهودی تمام عیار بودم را ابتدا مرهون آموزش پدری‌زاد ارتدکس راستین، مهربان و صادق خودم در اورشلیم قدیمی درباره اونیورسالیسم (عام‌گرایی جهانی) در مورد یهودیت نبوی می‌دانم. پیش از آن که تحت تاثیر خفه‌کننده ناسیونالیسم «یهود» و نژادگرایی «قوم برگزیده» در دبیرستان‌های هرصلیه، یافا، تل‌آویو (فلسطین) سال‌های ۱۹۱۳ - ۱۹۰۹ قرار گیرم ... و با رسیدن به پایان راه، پس از هشتاد سال عمر، مسائل یهود، شب و روز من را عذاب می‌دهد. چگونه ممکن است یهودیان اهل علم، عاقل، کهنسال، متمدن، مبادی آداب و اخلاق و مهربان، عقل خود و منطق متحول و ذاتی سه‌هزار ساله‌شان را از دست بدهند و آرمانهای مادی و شرک‌آلود ناسیونالیسم سیاسی غارتگر (صهیونیسم) را در سر بپرورانند ...؟»



روحانی بزرگ دیگر یهودی، احد هاعام (Ahad Haam) متوفی به سال ۱۹۴۲ که خود از شرکت‌کنندگان در اولین کنگره جهانی صهیونیسم بود، بعد از شرکت در این کنگره به فلسطین رفت و از آنچه به چشم خود دید به خشم آمد و نوشت: «طی هزاران سال خون ما در همه جای دنیا بر زمین ریخت، ولی ما خون کسی را نریختیم ...»

«بدینسان، مردم ما از نسلی به نسلی دیگر در میان ملت‌هایی زیستند که با اتکا بر شمشیرهای خود می‌زیستند و به طور معمول، خون اطرافیان خود را می‌ریختند. خلق ما از این زندگی وحشیانه چیزی نخواست. اگر موضوع کشتن اعراب به دست یهودیان، حقیقت داشته باشد، چه می‌توان گفت ...؟ خدا، ای من فرجامی این چنین باید ...؟ این است هدفی که پدران ما در راه آن کوشیدند و تمام نسل‌ها به‌خاطر آن رنج بردند ...؟ این است رویای «بازگشت به صهیون» ... برای ریختن خون بی‌گناهان بر خاک آن ...؟» (روزنامه هارتص چاپ اسرائیل).

در حال حاضر نیز متفکرانی چون «حاحام المبرگ»، «اسرائیل شاهاک» و «خانم فلسیالانگر» دو روزنامه‌نگار و حقوقدان یهودی ساکن اسرائیل و دیگران، آشکارا مخالفت خود را با صهیونیست‌ها و نحوه تفکر آنها اعلام می‌دارند.

آنچه به طور مختصر از اعتقاد یهودیت و نظرات روحانیون و متفکران یهودی نقل گردید، برای یادآوری این نکته است که جهان‌بینی صهیونیستی و تفکرات نژادپرستی در میان یهودیان، جهان شمول عام نیست و با همه حجم تبلیغات بسیار صهیونیست‌ها، هم‌اینک در جهان ما یهودیانی که خود را مکلف به مبارزه با نژادپرستی و حق‌کشی صهیونیست‌ها می‌دانند فراوان هستند. ولی این، همه صورت مسئله نیست. جریان جنبش صهیونیستی با تئوری‌های عوام‌فریبانه و اقدامات بی‌باکانه خود که با پشتیبانی ارتجاعی‌ترین نیروهای کشورهای امپریالیستی انجام می‌دهد، به عنصری موثر در زندگی یهودیان و مردم فلسطین و منطقه و افکار عمومی جهان مبدل گشته است.

نگاهی به عناصر و شرایط شکل‌گیری جریان صهیونیستی در تئوری و در عمل شاید بتواند جوابگوی علل رشد و توانایی‌های گذرای این جریان باشد.

«تئودور هرتزل» سیاست‌باز حرفه‌ای و روزنامه‌نگار یهودی اتریشی، متوفی به سال

۱۹۰۴ را می‌توان نخستین کسی دانست که افکار و عقاید صهیونیست‌ها را به طور مدون تئوریزه کرد و در کتابی به نام «دولت یهود» در سال ۱۸۹۷ در کنگره پال قرائت نمود. می‌توان گفت اقدامات او بود که زمینه را برای صدور «اعلامیه بالفور» در سال ۱۹۱۷ مهیا ساخت. بالفور، وزیر امور خارجه انگلیس در یک بده و بستان مالی-سیاسی، حق یهودیان را برای تاسیس دولت یهود در بخشی از فلسطین-آن‌طور که هر تزل گفته بود- به رسمیت شناخت و یک بحران و جنگ ظاهرا پایان‌ناپذیر میان یهودیان و مسلمانان را برنامه‌ریزی کرد. شاید نقل‌قول قسمت‌هایی از دفتر خاطرات هر تزل بتواند اندیشه و روحیات او را مشخص نماید. او می‌گوید: «یقین دارم که نام من در میان نیکوکاران بزرگ بشریت خواهد آمد و شاید این احساس من، آغاز اوهام و شکوه عظمت باشد...»

در ایمان یهودیان، تجدید بنای خانه خدا (بیت المقدس)، نشانه حرکت انسان به سوی معنویت و انتظار عدالت مطلق است و نه یک حکومت دنیوی با اقتدار سردمداران و مرزهای جغرافیایی و نوع خاص برتری گروهی از مردم بر گروهی دیگر

در جای دیگر، «سر و صدا یعنی همه چیز...! در حقیقت، سروصدا بسیار به حساب می‌آید، سروصدای تقویت شده، خود واقعی قابل توجه است. تاریخ بشر، چیزی نیست جز سروصدا: سروصدای اسلحه و اندیشه‌های پیشرو. باید از سر و صدا، کمال استفاده را برد...؟» هر تزل، نگرانی نداشت که خود را یک ماکیاولی کامل بداند و برای رسیدن به هدف خود از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد.

بعد از وفات هر تزل، رهبران صهیونیست، پا را فراتر گذاشتند. ولادیمیر ژابوتسکی، از رهبران برجسته صهیونیست (۱۸۸۰-۱۹۴۰) در توجیه اندیشه‌های خود به یک نژادپرست افراطی مبدل شد که حتی رهبران میانه‌رو صهیونیست‌ها او را فاشیست

خطاب نمودند. او که روزنامه‌نگاری فعال در جریان انقلاب ۱۹۱۷-۱۹۰۵ روسیه بود، در سال ۱۹۰۴ طی مقاله‌ای نوشت «منشاء احساسات ملی هر کس را باید فقط در خون و خصوصیات فیزیکی نژاد او جستجو کرد... بنابراین، فقط آن قومی می‌تواند دارای هویت ملی باشد که همبستگی ملی خود را همیشه به هر قیمتی حفظ کرده باشد و چون همبستگی ملی نیز فقط با خالص ماندن نژاد حفظ خواهد شد، بنابراین، ما یهودیان ناچاریم برای خود سرزمینی داشته باشیم تا از اختلاط با دیگر نژادها مصون بمانیم...».

این نظریه نژادی ژابوتسکی وقتی عنوان شد که هیچ نشانه‌ای از وحدت نژادی یهودیان در جهان وجود نداشت. اگر فرض خلوص نژادی را معتبر بدانیم، (که امروزه با نظریه‌های علمی به کلی مردود اعلام شده است) می‌توان پرسید چه وحدت نژادی مثلا بین یهودیان اسکاندیناوی، یهودیان یمن، اتیوپی یا ایران می‌توان یافت...؟ البته ژابوتسکی علاقه‌ای ندارد که به این پرسش، پاسخ دهد.

دیگر رهبران صهیونیست، کم و بیش، همین باور را داشتند. «مناخیم بگین» که بعدها در تشکیلات تروریستی «بتر» و «ایرگون»، یک سازمانده فعال بود و بنابر اعتراف خود بیشتر حملات به فلسطینی‌ها- از جمله هجوم به دهکده «دیر یاسین»- را طراحی کرده بود، بعدها سمت‌های بسیار مهمی در دولت اسرائیل به دست آورد و مدت‌ها نخست‌وزیر اسرائیل شد. در سال ۱۹۳۸ در کنگره «بتر»، نظریات خود را آشکارا بیان کرد: «بعد از صهیونیسم عملی و صهیونیسم سیاسی، اینک دوره صهیونیسم نظامی فرا رسیده است و ما چون نباید تنها متکی به برانگیختن احساس ترحم دیگران باشیم، چاره‌ای جز قوی شدن نداریم، زیرا مطمئن هستیم فقط در این صورت، دنیا به کمک ما خواهد آمد» (زندگی‌نامه مناخیم بگین؛ نوشته «فرانک گرواس»).

بگین بعدها همیشه از تئوری تکیه بر قدرت استفاده کرده است. حمله دسته‌های مسلح «ایرگون» به دهکده دیر یاسین و تلقی

او از این کشتار، نشانه کامل انطباق تفکر صهیونیستی در عمل روزمره می‌باشد. بگین در کتاب خود به نام «کشورش» اشاره‌ای جالب به این جریان می‌کند: «در آن روستا که بعدا نامش معروفیت جهانی پیدا کرد، هر دو طرف، متحمل خسارات و تلفات زیادی شدند... از ما ۴ کشته و نزدیک ۴۰ مجروح به جای ماند که در مجموع، رقمی حدود چهل درصد نفرات ایرگون را تشکیل می‌داد، ولی در طرف دیگر، تعداد اعرابی که کشته و مجروح شدند سه برابر بیشتر از ما بود...». در سال ۱۹۸۲، پروفیسور «زوی آنکوری» (Zvi Ankori) که خود از گروه تروریستی «هاگانا» بود و بعدها در زمره متقصدین صهیونیسم قرار گرفت، مشت بگین و دیگران را در جریان حمله به دیر یاسین باز کرد و در روزنامه اسرائیلی داوار (۹ آوریل ۱۹۸۲) نوشت: «... به ۶ یا ۷ خانه‌ای که سر زدم جنازه‌هایی یافتم که آثار گلوله روی بدن آنها نشان می‌داد مستقیما از نزدیک هدف تیر قرار گرفته و کشته شده‌اند... در میان آنها به جنازه مردانی برخوردیم که آلتشان را قطع کرده بودند و نیز جنازه زنانی را دیدم که شکمشان از هم دریده بود...».

در این مورد «ژاک درنیه»، نماینده صلیب سرخ در فلسطین که بلافاصله پس از وقوع فاجعه به دیر یاسین آمده بود، مطلب تکان‌دهنده‌ای نقل می‌کند: «بعد از مشاهده واقعه، در ملاقاتی که با فرمانده «ایرگون» - مناخیم بگین- داشتم از او درباره سرنوشت مجروحین حادثه سوال کردم، جواب داد «طبعاً اگر مجروحی وجود داشت او را با خود می‌آوردیم، ولی ما کارمان را به صورتی انجام دادیم که مطمئن بودیم هیچ مجروحی در آنجا باقی نمانده است...» و من از پاسخ او که جز از بی‌رحمی و شقاوت خبر نمی‌داد، واقعا یکه خوردم...» (مجله انستیتوی مطالعات فلسطین).

بعدها آنچه در فلسطین دو معنای اعلامیه بالفور ۱۹۱۷ و قطعنامه سازمان ملل ۱۹۴۷ مبنی بر تشکیل کشور اسرائیل تا جنگ‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ - که

دولت اسرائیل عملاً قطعنامه‌های سازمان ملل را نادیده گرفت و بقیه سرزمین فلسطین و بیت المقدس را اشغال نمود- اتفاق افتاد و هم آنچه امروز به عنوان عکس العمل در مقابل قیام انتفاضه و دولت خودگردان فلسطینی‌ها جریان دارد، چیزی جز عمل کردن به تفکر رهبران صهیونیست به همان صورتی که در «دیراسین» شکل گرفت، نیست. «کفر قاسم»، «صبرا و شتیلا»، «قانا»، «مسجد الخلیل» و جای جای روستاها و دهات فلسطین، گواه همین اندیشه و عمل صهیونیستها است. پرداختن به این مقوله با توجه به حجم زیاد کتاب‌ها و مقالات مختلف، زاید به نظر می‌رسد، ولی برای آن که ذهن خواننده به این توهم دچار نشود که در زمان‌های گذشته و حال، صهیونیست‌ها، نماینده تفکر و عمل اندیشمندان، روحانیون و جمع کثیری از توده‌های یهودی بوده و هستند، یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در همان سال ۱۹۴۸، روحانیون و روشنفکران و مردم یهودی به این توحش لجام گسیخته و آنچه در «دیراسین» گذشته بود، اعتراض کردند. از جمله دو حاخام بزرگ یهودی «حاخام هرزوک I.H. Herzog» و «حاخام اوزیل R.Z.U. Ziel» در روزنامه «پست فلسطین» طی اعلامیه‌ای، ضمن محکوم کردن اعمال جنایت بار روستای دیراسین نوشتند: «این اقدام زشت و شنیع، باعث شرمساری یهودیان است ...» (روزنامه پست فلسطین، ۱۳ آوریل ۱۹۶۸).

قابل توجه این که بسیاری از کتاب‌ها و مقالاتی که در رد تئوری صهیونیست‌ها نوشته شده، بوسیله اندیشمندان یهودی بوده است. البته با ذکر این نکته که بعد از سال‌های ۱۹۶۷، فشار سازمان‌های صهیونیستی بر مخالفین خود، مخصوصاً مخالفین یهودی، چنان افزایش یافته است که میدان عمل و اظهارنظر متقدمان صهیونیست‌ها را در میان یهودیان بسیار محدود نموده و رساندن فریاد اعتراض یهودیان ضد صهیونیست در جنجال جهانگیر صهیونیست‌ها را کاری دشوار ساخته است. با این همه نمی‌توان پرچمدار

مبارزات ضد صهیونیستی در میان یهودیان زمان را از یاد برد.

اسرائیل شاهاک (متولد ۱۹۳۳)، روزنامه‌نگار و حقوقدان یهودی، رییس «جمعیت حقوق مدنی و حقوق بشر اسرائیل» اخیراً در مصاحبه با روزنامه «هیستادروت» در پاسخ خبرنگاری که سوال می‌کند آینده کشور اسرائیل را چگونه می‌بینید، می‌گوید: «شاید چند اشعه از امید وجود داشته باشد؛ نسل‌های جوان‌تر اسرائیل، بخصوص بچه‌های مدارس سوالاتی را مطرح می‌کنند ... اما امید من در اصل به اعرابی است که در زندان‌های اسرائیل رنج می‌کشند، اگر ما به اتفاق آنان برای حقوقمان مبارزه کنیم، می‌توانیم چیز محکمی را بنا نماییم. همدردی عمیق بین سازمان‌های مترقی یهود و اعراب، من را سخت به هیجان می‌آورد. ما نمی‌توانیم امنیتمان را به وسیله قدرت به دست آوریم. تنها از طریق حقوق مساوی است که می‌توانیم به صلح دست یابیم. برای من قبل از جنگ ۱۹۶۷، اسرائیل مهمتر از هر چیز دیگری بود، ولی امروز معتقدم که بر خطا بوده‌ام و حال بر این نکته پای می‌فشارم که حقوق اساسی و انسانی اعراب، از جمله بازگشت به وطنشان باید به آنها باز گردانده شود. من اربابی نیستم که اجازه بازگشت به کسی بدهم، بلکه برابر با آنانم و طالب برابری برای همه هستم ...».



در پایان، اشاره‌ای به نقش قدرت‌های اقتصادی و نظامی جهان امپریالیستی در حمایت از تشکیل کشور اسرائیل و کمک به ادامه حیات آن و از همه مهمتر، تبدیل نمودن این حکومت به چماقی علیه حکومت‌های خاورمیانه و حتی دورتر برای

محققان فردا ضروری به نظر می‌رسد. نمی‌توان از یاد برد که امپریالیسم برای دست‌اندازی به منابع انرژی در مناطق مختلف خاورمیانه، به ایجاد یک حکومت کاملاً گوش به فرمان و خودی احتیاج داشت و متأسفانه، سابقه تاریخی زندگی یهودیان در نقاط مختلف جهان، آرمان‌های مذهبی آنها برای زیارت اماکن مقدس خود در اورشلیم، ستم و کشتار یهودیان توسط نازی‌های هیتلری، نفی بلد کردن جمع کثیری از آنها در جریان جنگ جهانی دوم، زمینه مساعدی برای اجرای نقشه امپریالیست‌ها فراهم کرد.

تردیدی نیست که قدرت‌های بزرگ در جریان جنگ جهانی دوم و یهودی‌کشی نازی‌ها، هرگز سرسوزنی برای یهودیان و دین و فرهنگ آنها دلسوزی نکردند. آنها می‌خواستند از آنچه پیش آمده است برای اهداف استعماری خود بهره‌برداری کنند و متأسفانه لااقل تا مقطع کنونی توانستند و البته در این ماجرای بزرگ تاریخی، نقش رهبران کشورهای عربی را نمی‌توان فراموش کرد.

ما نمی‌توانیم امنیتمان را به وسیله قدرت به دست آوریم. تنها از طریق حقوق مساوی است که می‌توانیم به صلح دست یابیم

ویژگی عمده رهبران عرب و حتی رهبران فلسطینی شاید تا همین چند سال اخیر این بود که از توده‌های مردم عرب فاصله‌ای فراوان داشتند. رهبران عرب، گاهی حقوق مردم فلسطین را در یک معامله ساده می‌باختند و گاه فرمان می‌دادند که یهودیان را به دریا بریزند ...! و در این میان، توده‌های مردم عرب و فلسطینی بودند که در غربت اردوگاه‌های مختلف، نسلی به نسلی، میراث مقاومت می‌آموختند و آینده سرافراز خود را یادآور می‌شدند.

امید من به آینده این است که مسلمانان، یهودیان و مسیحیان از هر فرقه و مرامی در فلسطین، این سرزمین مقدس رویایی، زندگی صلح‌آمیز و برادرانه‌ای پی‌ریزی نمایند.

این خواست والا دست یابد. هر چند به روایت زوهر، جان در متعالی‌ترین مرتبه یعنی «نشاما» (נשמה - Neshamah) فقط پس از رهایی از ناپالودگی جسمانیت، می‌تواند از عشق ذاتی نهفته در اتحاد با اصل خویش، لذت برد، با این همه امکان دارد و در شرایطی خاص نیز در عین عشق در قالب فردی این جهانی، به این عشق جذبه انگیز تحقق بخشد. یکی از این شرایط، عمل عبادت و مشخص‌ترین وجه آن نیایش و ذکر است.

عرفان به طور کلی منبع معرفت و زندگی را عشق، یعنی گوهر خلقت قرار می‌دهد و شادمانه زیستن در سیر و سلوک معنوی را، سیاس به جمال حق که دقیق رحمت است می‌داند

حسید یسم و عشق

جنبش‌های عرفانی یهود-مانند حسید یسم (חסידות) - به گونه‌ای پایدار بر تجربه عرفانی، تجربه‌ای خلسه آمیز، حس واقعیتی متفاوت از زندگی روزمره ما، تاکید دارند. تجربه عرفانی به معنای گام نهادن به ماورای دنیایی است که حس فیزیکی ما آن را در می‌یابد،



انسان وجود دارد. در یهودیت، خداوند عشق خود به انسان را در کتاب تورات که عطیه‌ی اوست، بیان کرده است و عشق انسان به خدا، با مطالعه‌ی تورات و عبودیت از فرامین حق، ابراز می‌شود. یک کتاب ویژه و زیبایی یهودی، کتاب عشق، یعنی «غزل غزل‌های سلیمان» (שיר השירים) است که از عشق مردم یهود به خداوند سخن می‌گوید.

اما عشق انسان به خدا باید از طریق عشق به هم‌نوعان نیز ابراز گردد. روح یهودیت صرفاً یک گفتگوی میان فرد و خدا نیست، بلکه جلوه‌ای از جان‌های بی‌شمار در اجتماع است و متضمن تبدیل زمین به مکان بهتری برای زیست است. در عرفان یهود، هدف غایی عشق میان انسان و خدا «تیقون» - תיקון -، یعنی اصلاح جهان، پیشرفت انسان و تبدیل زمین به چیزی شبیه بهشت است.

عشق در «زوهر»

(کتاب عرفان و اسرار تورات)

شان برتر در تاریخ عرفان یهود، مقامی است که در کتاب زوهر به عشق اختصاص داده شده است. در واقع، عرفان یهود با برگزیدن عشق، به عنوان هسته اصلی، ماهیت عرفان مکتب‌های عشقیه را تایید می‌کند.

رؤیت پذیرترین، ملموس‌ترین و ادراک پذیرترین کیفیت جان، عشق است. جان ریشه عشق است. عشق نماد جان است.

جان به گفته عرفان همه قرون، با آگاهی کامل در جست و جوی ورود به آستان محض الهی است و جان فقط از طریق برانگیخته شدن یک احساس جذبه‌آمیز قدرتمند به نام عشق، می‌تواند به

عشق در عرفان یهود

اثر: شیوا (منصوره) کاویانی

تنظیم: المیرا سعید

«الهی، کجا تو را می‌یابم؟ بالا و مستور در مکانت. و کجا تو را نمی‌یابم؟ جهان از قرب تو پر است. قرب تو را جست و جو کردم با تمام قلبم تو را ندا دادم. و از خود به درآمدم تا تو را ببینم، تو را یافتم که به سوی من می‌آمدی».

(یهودا هلوی)

عشق،

دروازه‌ای به سوی حقیقت مطلق

انسان (چه مرد و چه زن) به هنگام بالا رفتن از نردبان به سوی پروردگار، درمی‌یابد که پروردگار از نردبان برای ملاقات او پایین می‌آید.

رؤیت پذیرترین، ملموس‌ترین و ادراک پذیرترین کیفیت جان، عشق است. جان ریشه عشق است. عشق نماد جان است

در عرفان یهود، علاوه بر تفکر و تامل و معرفت، دروازه‌ی چهارمی نیز برای رسیدن به ذات حق وجود دارد. عشق. عشق انسان به خداوند و عشقی که از خدا به انسان می‌رسد. یک جریان پایدار انرژی (عشق) در فراز و فرود نردبان، نردبان میان آسمان و زمین، میان خدا و



یعنی جذب شدن به یک قلمرو والاتر معنوی و روحانی.

این قلمرو روحانی، حقیقی و واقعی محسوب می‌شود. آگاهی به آن و تجربه آن، به عنوان هدف غایی پنداشته می‌شود. این هدف فقط با تعالی جستن از من و مکان کرانمند و تمرکز بر ذات مطلق و عشق به او، به دست می‌آید، حسیدیسم در پافشاری برای مقرر داشتن اصل «عمل مطلوب» تاکید می‌کند. این مکتب اصرار می‌ورزد که زندگی و اعمال ما به ویژه با توجه به تورات و فرمان‌های آن (میصوت) می‌بایست آراسته به پندار راست و کردار درست و آمیخته به عشق و ترس (אהבה ויראה) باشد (لیشما و لیهشم «לשומה ולהشום» برای صرف کار نیک، به خاطر پروردگار).

در نظر عارف یهودی، خداوند به قلب شاد تمایل دارد، به اجرای جذبه‌انگیز فرمانها با احساسات، به شعله‌ی آتش شور به هنگام نیایش، که هر لحظه از زندگی را عطیه‌ای تازه از سوی خدا می‌داند

نظریه حسیدیسم درباره عشق و شادی

چهره‌ی نورانی یک حاسید (חסיד-)

پارسای یهودی) مشخص‌ترین صفت بارز اوست. او آن شادی را که پرلودی (Prelude) - مقدمه‌ای - به تجربه روانی بوده است، پرتو می‌افکند. از این رو می‌گوید:

آه! کشمکش درونم چنان عظیم است، قلب من پر است از اشتیاق، معنویات و رنگ‌های گوناگون

من در طلب عشق خدا، هستم

تا تمام وجودم را فرا گیرد

در یک متن دیگر، «راو کوک» - دانشمند و

روحانی معروف یهود- مفهوم اساسی یهودیت، «تثووا» یا توبه را به مثابه بازگشت به کمال الهی، یعنی رهایی یافتن از قلمرو و انشقاق و فراق شناور شدن در اقلیم وصال عرفانی، تبیین می‌کند:

«هنگامی که انسانی گناه می‌کند، به قلمرو فراق و گسستن در می‌آید و هر جزء وجود، خود مدار می‌شود و شر در آن غلبه دارد و در واقع شریر و مخرب است. پس آنگاه که از گناه با عشق توبه می‌کند،

نوری از عالم وصال، جایی که همه چیز با کل یگانه است، بر او می‌تابد، و در متن کل، هیچ شری وجود ندارد.»

بنابراین، تجربه‌ی عرفانی اتحاد، دروازه‌ای گشوده برای تمامی کسانی است که با عشق توبه می‌کنند. یک عارف یهودی دیگر، تبیین زیبایی از شادی، عشق و رنج ارایه می‌دهد: «او به آنها آموخت که با شادی به جنگ اندوه روند. انسانی که فقط به خود می‌نگرد، در دریای یاس غرقه می‌شود، با این همه، به محض این که چشمانش را برآفریدگان پیرامونی می‌گشاید، شادی را خواهد شناخت.»

شادی و جذبه در وقت نیایش و در زندگی، روش «هاراو بعل شم طوو» - حاخام و حاسید یهود و پایه‌گذار حسیدوت یا حسیدیسم - بود. فرد یهودی برخی عرفای ادیان دیگر، ناچار از روزه‌های فوق العاده و آزار خود برای عبادت خدا نیست. در نظر او، خداوند به قلب شاد تمایل دارد، به اجرای جذبه‌انگیز فرمانها با احساسات، به

شعله‌ی آتش شور به هنگام نیایش، که هر لحظه از زندگی را عطیه‌ای تازه از سوی خدا می‌داند.

این چنین شادمانی، یعنی شعله‌ور شدن احساسات برای خدا، «هیت عروت - התעוררות» دقیقاً همان چیزی است که بعل شم طوو بر آن تاکید دارد.

اکنون در می‌یابیم که عرفان به طور کلی منبع معرفت و زندگی را عشق، یعنی گوهر خلقت قرار می‌دهد و شادمانه زیستن در سیر و سلوک معنوی را، سپاس به جمال حق که دقایق رحمت است می‌داند.

از سوی دیگر، آن جا که صوفی در مقام یک عابد، درد و فراق و رنج را به عنوان سرنوشتی مقدر و وجه دیگری از عشق می‌پذیرد، عارف یهود نه تنها بر شادی بیش از درد تاکید می‌ورزد، بلکه حتی تلاش دارد تا از مصایب اندوهگانه این جهان، با شادی و نیایش تعالی جوید.

کتاب «خرد زیبا»، شیوا (منصوره) کاپوینی، نشر سی کل، ۱۳۷۵



بیژن آصف

کلیمیان همدان

بر یهودیان، سایر هموطنان نیز از این مکان مقدس دیدار می‌کنند. مقبره استر و مردخای جزء آثار میراث فرهنگی ایران ثبت شده است. وجود این زیارتگاه، عامل مهمی در شکل‌گیری و تداوم حضور جامعه یهودی در همدان بوده است.

زبان کلیمیان همدان

زبان کلیمیان همدان زبان «فهلوی» (دری) بود. در این زبان هنگام تلفظ واژه‌ها یا کلمات به آنها کسره می‌داده‌اند و کلیمیان به این زبان اصولاً زبان «راجی» می‌گفته‌اند و این زبان هنوز در برخی خانواده‌های کلیمی تکلم می‌گردد.

اطلاعاتی در مورد تاریخچه بوجود آمدن این زبان در دست نیست ولی عده‌ای را عقیده بر این است که این زبان در زمان مغول‌ها بوجود آمده است ولی با توجه به شباهتی که این زبان با زبان هموطنان زرتشتی دارد گمان می‌رود که تاریخچه این زبان به زمان ورود یهودیان به ایران باز گردد.

برخی را عقیده بر این است که علت پیدایش و ابداع این زبان این بوده است که اگر گفتگوی خصوصی بین دو یا چند نفر بوده و نمی‌خواستند که کسی متوجه گفتگوی بین آنها گردد با این زبان صحبت می‌کردند.

بازار کلیمیان همدان نام گذاری شده بود. جمعیت یهودیان همدان در قرن معاصر حداکثر به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده (بنابر روایات مختلف) و در دو دهه اخیر حداکثر به ۲۵۰۰ نفر رسید که در حال حاضر کمتر از ۱۰۰ نفر در این شهر ساکن هستند.

شغل و حرفه کلیمیانی که به ایران وارد شده بودند ابتدا کشاورزی و گله‌داری بوده است و بعدها با توجه به تغییرات اجتماعی ایران، به طرف حرفه‌های دیگر مانند پیشه‌های قماش فروشی، عطاری و در قرون بعدی به طرف شغل اداری و پزشکی و سایر مشاغل علمی گرایش پیدا نمودند.

زیارتگاه «استر» و «مردخای»

در حدود ۲۵۰۰ سال پیش (سال ۳۲۷۶ قمری یا ۴۸۴ قبل از میلاد)، خشایارشا، پادشاه ایران (که طبق عقیده برخی مورخین، فرزند داریوش بزرگ هخامنشی بود)، در مراسم جشن‌های سلطنتی بر همسر خود خشم گرفت و به جای او، یک دختر یهودی را به نام «استر» به عنوان ملکه ایران زمین برگزید.

مقبره استر و مردخای - که جزء مهمترین زیارتگاه‌های یهودیان ایران و جهان است - در شهر همدان قرار دارد و علاوه

بر یهودیان ایران در سال ۵۳۹ قبل از میلاد وارد ایران شدند و در سه قسمت غرب و مرکز و شمال ایران سکنی گزیدند. یهودیان همدان نیز بخشی از یهودیان وارد شده به ایران بودند. از تعداد یهودیانی که وارد همدان شدند آمار مشخصی در دست نیست.

برخی از کلیمیان همدان خود را از سبط شیمعون (از فرزندان حضرت یعقوب) و بعضی دیگر خود را از نسل حضرت داوود می‌دانند.

همدان در زمان پادشاهان پارسی و هخامنشی همواره شهر بیلاقی آنها بود و به همین علت یکی از پر جمعیت‌ترین مراکز یهودی نشین ایران بوده است.

مقبره استر و مردخای - که جزء مهمترین زیارتگاه‌های یهودیان ایران و جهان است - عامل مهمی در شکل‌گیری و تداوم حضور جامعه یهودی در همدان بوده است

در مورد تعداد یهودیان همدان آنچه که از قرائن بر می‌آید این است که کلیمیان همدان باید تعدادشان قابل ملاحظه بوده باشد به طوری که از یکصد سال پیش به این طرف بازار همدان به نام



سواد

اکثر کلیمیان همدان فاقد سواد فارسی بودند و سواد آنها به سواد عبری محدود می‌شد. یعنی اگر مطلبی را می‌خواستند بنویسند به خط عبری و زبان فارسی می‌نوشتند یعنی حروف آن را با فارسی تطبیق می‌دادند و می‌نوشتند. هم اکنون در بعضی از کنیساها کتاب‌هایی مذهبی-مانند ترجمه متون مقدس- موجود است که به خط عبری فارسی (فارسیهود) نگاشته شده است.

کلیمیان همدان زبان عبری را معمولاً در کنیساها و یا مکتب‌خانه‌ای که در آن زبان عبری تدریس می‌شد فرا می‌گرفتند. پس از مدتی از فعالیت مکتب‌خانه، در محلی به نام «گن یلادیم» که امروزه مهدکودک نامیده می‌شود به کودکان و نوجوانان عبری یاد داده می‌شد.

پس از مدت‌ها مدرسه آلیانس بعد از تهران، در همدان نیز تأسیس شد. تا قبل از تأسیس مدرسه آلیانس، کلیمیان همدان از نظر امنیت و امکانات مادی و معنوی وضع خوبی نداشتند. کمتر فرد کلیمی با زبان خارجی آشنایی داشت و کلیمیان همواره در فقر و فلاکت زندگی می‌کردند. وجود بیماری‌های گوناگون روز به روز قربانیان بیشتری می‌گرفت. این جامعه همیشه مورد تعرض، تهدید انواع دشنام‌ها و توهین‌ها قرار می‌گرفت، تا این که در

می‌آوردند. شاگردان مدرسه آلیانس که بیشترشان اسرائیل (کلیمی) هستند با رییس‌شان که فرنگی است خیلی منظم هستند. چهار صد نفرند، مدرسه دخترها هم دارند ولی بیشترشان دخترهای اسرائیلی هستند (منظور یهودی یا کلیمی است) گویا هفتاد هشتاد نفر شاگرد دختر داشته باشند.

ده پانزده نفرش مسلمانند. پس از آن که آجرها را به جای خودش گذاشتند خطابه منظومی خواندند و خیلی تشکر کردند که حالا یهودی‌ها خیلی راحت‌تر و آزادتر از هر زمان هستند».

مدرسه آلیانس همدان تا جایی پیش رفت که بهترین آموزگاران و دبیران را در اختیار داشت و در مسابقات درسی که هر ساله در همدان برگزار می‌گردید، نفرات اول یا دوم و سوم همواره از مدرسه آلیانس بودند و در مسابقات ورزشی نیز مقام‌هایی را نصیب خود می‌کردند.

مدرسه آلیانس همدان تا یک سال بعد از انقلاب اسلامی پابرجا بود ولی به علت مهاجرت عده زیادی از کلیمیان همدان به تهران و گاه خارج از کشور، منحل و نام آن تغییر یافت و بعداً به علت قدیمی بودن تخریب و به جای آن مدرسه دیگری ساخته شد.

بهداشت

تا قبل از تأسیس مدرسه آلیانس، کلیمیان همدان از بهداشت نیز کم بهره بودند اما بعد از تأسیس این مدرسه در کنار آن درمانگاهی نیز بوجود آمد تا هم کلیمیان همدان در مواقع بیماری یا بروز بیماری‌های خاص خود را در آنجا مداوا کنند و هم این که اگر دانش‌آموزی بیمار بود یا در مدرسه برایش مشکلی پیش آمد او را به درمانگاه انتقال داده و تحت مداوا قرار می‌دادند.

سال ۱۹۰۰ میلادی، مکاتب سستی آموزش دینی جای خود را به این مدارس دادند و جامعه کلیمیان با تأسیس مدارس مذکور با فرا گرفتن علوم و فنون، موقعیت اجتماعی بهتری در میان ملت ایران پیدا نمود.

ظهیرالدوله حاکم همدان (داماد ناصرالدین شاه) در خاطرات خود در مورد تأسیس مدرسه آلیانس در همدان چنین می‌گوید:

«جمعه دو ساعت به ظهر مانده به مدرسه آلیانس دعوت داشتم رفتم، این مدرسه مکان مخصوصی برای این کار ندارد، دو سه خانه کوچک را اجاره کرده به توی هم راه باز کرده‌اند. چهارصد پسر و هشتاد دختر شاگرد دارند. بیشتر شاگردها یهودی هستند (چون خود شرکت آلیانس یهودی است) سه نفر رییس و معلم دارند که فرنگی و فرانسه هستند، ولی مذهباً یهودند. جدی دارند که بچه‌های پنج شش ساله را فرانسه بیاموزند و هم آموخته‌اند، از این عده شاگرد از کوچک تا بزرگ هیچ کدام نیستند که زبان فرانسه را خوب حرف نزنند. بعضی‌ها به کلی زبان فارسی و تلفظ فارسی یادشان رفته است و فرانسه خوب می‌دانند. گویا معلمین آلیانس در هر کجا هستند سعی و کوششان این است که هر شاگردی به کلی زبان وطن و پدر و مادری‌اش را فراموش کند و زبان فرانسه بیاموزد. معلمین نقش بزرگی نشان دادند که در این نقاط ما مدرسه داریم. در غالب جاها به جز ممالک متمدنه مدرسه دارند. رییس می‌گفت عدد شاگردهای ما در تمام دنیا چهل و پنج هزار نفر است ...».

ظهیرالدوله مجدداً در خاطره دیگری چنین می‌گوید: «چهارشنبه صبح رفتم سر بنایی که عمل‌جات مشغول پی‌کندن بودند و مردم هم دسته دسته آجر و گچ

تشکیلات و اجتماعات کلیمیان همدان
اولین تشکیلات جامعه کلیمیان همدان کنیسا بود و این کنیسا بود که مردم را به دور هم جمع می‌کرد. این کنیساها عبارت بودند:

۱- کنیسای بزرگ که گنجینه خاطرات کلیمیان همدان بوده است. یکی از خاطرات خوب و پرشور کلیمیان همدان تجمع آنها در کنیسای بزرگ بود که روزهای شبات (شنبه) بعد از مراسم تفیلا (دعا) از ساعت یازده صبح در آنجا تجمع می‌کردند و بزرگان قوم برای آنها به سخنرانی مذهبی (داراش) می‌پرداخته‌اند و بعد از این سخنرانی‌ها جوانان سرودهای عبری می‌خواندند و گاهی نیز شعر به زبان یا گویش همدان یا زبان راجی خوانده می‌شده است.

۲- کنیسای حگی نبی که در ابتدای بازار همدان قرار دارد و به علت کم شدن جمعیت کلیمیان همدان، این کنیسا به برادران مسلمان واگذار گردید که بعدها به نام مسجد پیغمبر نامیده شد.

۳- کنیسای ملا ربیع که در سال ۱۳۵۷ به آیت اله مدنی اهدا گردید زیرا بدون استفاده مانده بود و از کنیساهای قدیمی همدان بود.

۴- کنیسای ملا اوراهام
۵- کنیسای مدرسه آلیانس که در سال ۱۳۵۵ به کنیسای ساخته شده در جوار مقبره استر و مردخای انتقال داده شد. یک باب حمام مخصوص کلیمیان نیز وجود داشت که شامل دو قسمت مردانه و زنانه بود.

وجود چندین قصابی کاشر نیز از تشکیلات کلیمیان همدان بوده است. حال از آن تعداد کنیساها فقط یک باب کنیسا باقی مانده است و از چندین باب قصابی هیچ یک باقی نیست.

مقبره استر و مردخای در همدان نیز در اعیاد و روزهای جمعه محل تجمع کلیمیان همدان بوده و هست. کلیمیان همدان فراز و نشیب‌های بی شماری را در مدت اقامت خود در همدان تحمل کرده‌اند. در سال ۱۸۹۶ میلادی گروهی ضد یهودی به رهبری شخصی به نام آقا سید ریحان اله در همدان به آزار و اذیت کلیمیان مبادرت نمود و این حرکت را در سال ۱۸۹۷ میلادی به تهران نیز کشانید. شخص دیگری به نام میرزا عبدالله در همدان برای آزار کلیمیان همدان، دستوراتی درباره نحوه لباس پوشیدن و شکل در ورودی خانه‌های آنان صادر کرد.

کنیسای حگی نبی در ابتدای بازار همدان قرار دارد و به علت کم شدن جمعیت کلیمیان همدان، این کنیسا به برادران مسلمان واگذار گردید که بعدها به نام مسجد پیغمبر نامیده شد

چنانچه کسی این دستورات را اطاعت نمی‌کرد مورد مجازات قرار می‌گرفت. شاید یکی از علل بهائی شدن عده‌ای از کلیمیان همدان همین موضوع بوده باشد. یکی دیگر از مصایب وارده بر کلیمیان همدان، تبلیغات شدیدی بود که عوامل بهایی در همدان در میان کلیمیان انجام می‌دادند.

مدتی تبلیغات بهائی‌گری در میان کلیمیان صورت گرفت و تعدادی از کلیمیان همدان بهائی شدند ولی در همان ابتدای کار یکی از بزرگان جامعه کلیمیان همدان به نام مسیو منح که به ملا منح هم مشهور بود برای مسئول بهائیان همدان پیام شدید اللحنی فرستاد و آنان را از این کار منع نمود و آنان (مبلغان بهائیت) از این کار دست کشیدند.

ملا یحزقل (پدر مرحوم دکتر فاریاب معروف) یکی دیگر از چهره‌های سرشناس جامعه کلیمیان همدان بود که خود مدتی برای تحقیق درباره بهائیت به میان آنان رفت. او یکی از روزها در یکی از کنیساهای همدان برای کلیمیان سخنرانی کرد و با ارایه دلایل مستند کلیمیان را از گرایش به بهائیت بازداشت.

علم و هنر

کلیمیان همدان به شعر و موسیقی نیز علاقه‌مند بودند. از شعرای همدان باید از آقایان عبدالله طالع، سیاری و ظهوری نام برد. آقای طالع خود نیز دست طولانی در موسیقی دارد.

ار موسیقیدانان کلیمی همدان می‌توان از نوراله ونوسی، اسحق انجمنی، مهدی انجمنی و اسحق شیرازی نام برد که این سه نفر تار می‌نواختند و آقای ربیع عاشقیان نوازنده چگور یا شش تار، باباجان یوسفیان نوازنده سنتور و تنبک مشهور به باباجان شش انگشتی، شکراله خوش آهنگ نوازنده تنبک یحیی انور نوازنده تار بودند.

از پزشکان کلیمی همدان این افراد را می‌توان نام برد: دکتر ظهیرالحکما- دکتر دانیل صدیق الحکما- دکتر یعقوب خان ملقب به ناصرالحکما- دکتر بابا ملقب به ساعد الحکما- دکتر خداداد بنی شاهی- دکتر بصیر- حکیم سلیمان- حکیم بنیامین- حکیم یوسف- دکتر مستفیض- حکیم نبی- حکیم آقا- دکتر مهدی- دکتر محمود- دکتر عزیز سینایی- دکتر مراد سینایی- دکتر ابراهیم اخوت. این افراد دکترهای قدیم همدان بودند که هیچک از آنان در قید حیات نیستند. اما پزشکان دوره‌های اخیر: دکتر نورانی- دکتر مهدیان- دکتر شفا- دکتر ناصری- دکتر کرمانی- دکتر امینی- دکتر رفیع.

در مورد آداب و رسوم کلیمیان همدان سخن بسیار است که در فرصت دیگری به آن پرداخته خواهد شد.

گاهشمار شخصیت‌ها

و وقایع تاریخ یهود

به روایت تورات (بخش اول)

دکتر یونس حمامی لاله‌زار

آگاهی از تولد دقیق و عمر شخصیت‌های کتاب مقدس، از ضروری‌ترین موارد تحقیق فرهنگی و دینی است. به همین منظور جدولی با استفاده از تورات و کتب مقدس یهود (تنخ) تنظیم شده است که در چند شماره نشریه، اطلاعات اولیه را در این زمینه به دست خواهد داد.

جدول گاهشمار یهود

نسل	عنوان عبری	تلفظ (معادل فارسی)	طول عمر (سال)	تاریخ عبری	تاریخ میلادی
۱	آدام	آدام (حضرت آدم)	۹۳۰	۰-۹۳۰	۲۸۳۰-۳۷۶۰ ق.م.
۲	شث	شث	۹۱۳	۱۳۰-۱۰۴۲	۲۷۱۸-۳۶۳۰ ق.م.
۳	آنوش	آنوش	۹۰۵	۲۳۵-۱۱۴۰	۲۶۲۰-۳۵۲۵ ق.م.
۴	قین	قین	۹۱۰	۳۲۵-۱۲۳۵	۲۵۲۵-۳۴۳۵ ق.م.
۵	مه‌ل‌ل‌ل‌ل	مه‌ل‌ل‌ل‌ل	۸۹۵	۳۹۵-۱۲۹۰	۲۴۷۰-۳۳۶۵ ق.م.
۶	یر	یر	۹۶۲	۴۶۰-۱۴۲۲	۲۳۳۸-۳۳۰۰ ق.م.
۷	حنو	حنو	۳۶۵	۶۲۲-۹۸۷	۲۷۷۳-۳۱۳۸ ق.م.
۸	متوشلح	متوشلح	۹۶۹	۶۸۷-۱۶۵۶	۲۱۰۴-۳۰۷۳ ق.م.
۹	ل‌م‌ر	ل‌م‌ر	۷۷۷	۸۷۴-۱۶۵۱	۲۱۰۹-۲۸۸۶ ق.م.
۱۰	نوح	نوح (حضرت نوح)	۹۵۰	۱۰۵۶-۲۰۰۶	۱۷۵۴-۲۷۰۴ ق.م.
	مبول	طوفان نوح (۱)		۱۷ حشوان ۱۶۵۶	۲۱۰۴ ق.م.
۱۱	شم	شم	۶۰۰	۱۵۵۸-۲۱۵۸	۱۶۰۲-۲۲۰۲ ق.م.
۱۲	آرفکشد	آرفکشد	۴۳۸	۱۶۵۸-۲۰۹۶	۱۶۶۴-۲۱۰۲ ق.م.
۱۳	شلح	شلح	۴۳۳	۱۶۹۳-۲۱۲۶	۱۶۳۴-۲۰۶۷ ق.م.
۱۴	عبر	عبر	۴۶۴	۱۷۲۳-۲۱۷۹	۱۵۸۱-۲۰۳۷ ق.م.
۱۵	فل‌گ	فل‌گ	۲۳۹	۱۷۵۷-۱۹۹۶	۱۷۶۴-۲۰۰۳ ق.م.
	سال الف‌ل‌گ	احداث برج بابل		۱۹۹۶	۱۷۶۴ ق.م.
۱۶	رع	رع	۲۳۹	۱۷۸۷-۲۰۲۶	۱۷۳۴-۱۹۷۳ ق.م.
۱۷	شروگ	شروگ	۲۳۰	۱۸۱۹-۲۰۴۹	۱۷۱۱-۱۹۴۱ ق.م.
۱۸	ن‌حور	ن‌حور	۱۴۸	۱۸۴۹-۱۹۹۷	۱۷۶۳-۱۹۱۱ ق.م.
۱۹	تر‌ح	تر‌ح	۲۰۵	۱۸۷۸-۲۰۸۳	۱۶۷۷-۱۸۸۲ ق.م.
۲۰	آبر‌ه‌م	آبر‌ه‌م (ابراهیم)	۱۷۵	۱۹۴۸-۲۱۲۳	۱۶۳۷-۱۸۱۲ ق.م.
	آور ک‌ش‌د‌م	انداخته شدن ابراهیم به کوره آتش	۵۰ سالگی	۱۹۹۸	۱۷۶۲ ق.م.
	مهاجرت ابراهیم به سرزمین «حاران»		۵۲ سالگی	۲۰۰۰	۱۷۶۰ ق.م.

جدول گاهشمار یهود

نسل	عنوان عبری	تلفظ (معادل فارسی)	طول عمر (سال)	تاریخ عبری	تاریخ میلادی
	مهاجرت ابراهیم به سرزمین مقدس (بار اول)		۵۵ سالگی	۲۰۰۳	۱۷۵۷ ق.م.
	بریت בין הבתרים	عهد بین شقه‌ها	۷۰ سالگی	۲۰۱۸	۱۷۴۲ ق.م.
	بازگشت به حاران و مهاجرت دوباره به سرزمین مقدس		۷۵ سالگی	۲۰۲۳	۱۷۳۷ ق.م.
	یشמעاع-ل	یشماعیل (اسماعیل)	۱۳۷	۲۰۳۴-۲۱۷۱	۱۷۲۶-۱۵۸۹ ق.م.
	ویرانی شهر سدوم			۲۰۴۷	۱۷۱۳ ق.م.
۲۱	יצחק	یصحاق (اسحق)	۱۸۰	۲۰۴۸-۲۲۲۸ (۱۵ نisan)	۱۷۱۲-۱۵۳۲ ق.م.
	עקרת יצחק	قربانی نمودن یصحاق	۳۷ سالگی	۲۰۴۸	۱۷۱۲ ق.م.
۲۲	יעקב	یعقوب (يعقوب)	۱۴۷	۲۱۰۸-۲۲۵۵	۱۶۵۲-۱۵۰۵ ق.م.
	برکت گرفتن یعقوب از پدر		۶۳ سالگی	۲۱۷۱	۱۵۸۹ ق.م.
	مهاجرت به «حاران»			۲۱۸۵	۱۵۷۵ ق.م.
	ازدواج با لئا و راحیل			۲۱۹۲	۱۵۶۸ ق.م.
	ראובן	رئوون (۲)	۱۲۵	۲۱۹۳-۲۳۱۸ (۱۴ کیسلو)	۱۵۶۷-۱۴۴۲ ق.م.
	שמעון	شیمنون	۱۲۰	۲۱۹۴-۲۳۱۴ (۲۸ طوت)	۱۵۶۶-۱۴۴۶ ق.م.
۲۳	לוי	لوی	۱۳۷	۲۱۹۵-۲۳۳۲ (۱۶ نisan)	۱۵۶۵-۱۴۲۸ ق.م.
	יהודה	یهودا	۱۱۹	۲۱۹۶-۲۳۱۵ (۱۵ سیوان)	۱۵۶۴-۱۴۴۵ ق.م.
	דן	دان	۱۲۵	۲۱۹۶-۲۳۲۱ (۹ الול)	۱۵۶۴-۱۴۳۹ ق.م.
	נפתלי	نفتالی	۱۳۳	۲۱۹۸-۲۳۳۱ (۵ تیشری)	۱۵۶۲-۱۴۲۹ ق.م.
	גד	گاد	۱۲۵	۲۱۹۸-۲۳۲۳ (۱۰ حشوان)	۱۵۶۲-۱۴۳۷ ق.م.
	אשר	آشیر	۱۲۳	۲۱۹۹-۲۳۲۲ (۲۰ شواط)	۱۵۶۱-۱۴۳۸ ق.م.
	יששכר	یساخار	۱۲۲	۲۱۹۸-۲۳۲۰ (۱۰ آو)	۱۵۶۲-۱۴۴۰ ق.م.
	זبولون	زبولون	۱۱۴	۲۲۰۰-۲۳۱۴ (۷ تیشری)	۱۵۶۰-۱۴۴۶ ق.م.
	יוסף	یوسف	۱۱۰	۲۱۹۹-۲۳۰۹ (۱ تموز)	۱۵۶۱-۱۴۵۱ ق.م.
	בנימין	بنیامین	۱۰۹	۲۲۰۸-۲۳۱۷ (۱۱ حشوان)	۱۵۵۲-۱۴۴۳ ق.م.
	فروخته شدن یوسف		۱۷ سالگی	۲۲۱۶	۱۵۴۴ ق.م.
	آزادی از زندان و صدارت یوسف		۳۰ سالگی	۲۲۲۹	۱۵۳۱ ق.م.
	شروع قحطی در مصر			۲۲۳۶	۱۵۲۴ ق.م.
۲۴	קהת	قیهات	۱۳۳	۲۲۳۵-۲۳۶۸ یا (۲۳۳۶-۲۳۶۹)	۱۵۲۵-۱۳۹۲ ق.م.
	ورود یعقوب و فرزندان به مصر (۳)			۲۲۳۸	۱۵۲۲ ق.م.
۲۵	עמרם	عمرام (عمران)	۱۳۷	۲۲۵۵-۲۳۹۲	۱۵۰۵-۱۳۶۸ ق.م.
	מרیم	میریام (مریم)	۱۲۷	۲۳۶۱-۲۴۸۸	۱۳۹۹-۱۲۷۲ ق.م.
	אהרן	آهرون (حضرت هارون)	۱۲۳	۲۳۶۵-۲۴۸۸	۱۳۹۵-۱۲۷۲ ق.م.
۲۶	משה	مُشیه (حضرت موسی)	۱۲۰	تولد: چهارشنبه ۱۷ آدار ۲۳۶۸ وفات: شنبه ۱۷ آدار ۲۴۸۸	۱۳۹۲-۱۲۷۲ ق.م.
	אחיה השלונגי	آخیا هشیلونگی	۵۳۷	۲۳۸۷-۲۹۲۴	۱۳۷۳-۸۳۶ ق.م.
	خروج بنی اسرائیل از مصر			پنجشنبه ۱۵ نisan ۲۴۴۸	۱۳۱۲ ق.م.

جدول گاهشمار یهود

نسل	عنوان عبری	تلفظ (معادل فارسی)	طول عمر (سال)	تاریخ عبری	تاریخ میلادی
	شروع باریدن «مان» (مانده آسمانی)			یکشنبه ۱۶ ایار ۲۴۴۸	۱۳۱۲ ق.م.
	نزول ده فرمان			شنبه ۶ سیوان ۲۴۴۸	۱۳۱۲ ق.م.
	افتتاح میسکان (قربانگاه و معبد سیار)			یکشنبه ۱ نisan ۲۴۴۹	۱۳۱۱ ق.م.
	فرستادن מִלְאָכִים (بازدید از سرزمین مقدس)			چهارشنبه ۲۹ سیوان ۲۴۴۹	۱۳۱۱ ق.م.
	ورود بنی اسرائیل به אֶרֶץ (سرزمین مقدس)			۱۰ نisan ۲۴۴۸ عبور از יַרְדֵּן (رود اردن)	۱۳۱۱ ق.م.

زیرنویس:

۱- خروج از کشتی ۲۷ حشران ۱۶۵۷ - ۲- در مورد تاریخ تولد ۱۲ اسباط بنی اسرائیل نظرات دیگری نیز وجود دارد. - ۳- سال تولد ۲۴۴۸ (یوخیرد) مادر موسی

گزیده‌ای از منابع تحقیق در فرهنگ یهود

نشده اما ترجمه انگلیسی آن برای مطالعه در کتابخانه مرکزی انجمن موجود است. علاوه بر آن، دایره المعارف عظیم جودائیکا (فرهنگنامه یهود که در شماره ۱۴ بینا معرفی شد) نیز به زبان انگلیسی برای پژوهشگران در این کتابخانه در دسترس است. کتاب‌های فرهنگ و بینش یهود دوره دبیرستان نیز گزیده‌ای از مباحث دینی را در بر دارد که از انتشارات این انجمن است.

خوشبختانه، در بازار نشر، کتب متعددی دربارهٔ ادیان و از جمله تاریخ و فرهنگ یهود منتشر شده است که فهرست گزیده‌ای از آنها در ادامه خواهد آمد. لازم به توضیح است که معرفی این کتاب‌ها، به معنای تایید و موافقت با کلیه مندرجات آنها از سوی انجمن یا جامعه کلیمیان نخواهد بود.

از مهمترین فعالیت‌های کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان، پاسخگویی به مراجعین محقق درباره فرهنگ و آیین یهود است، علیرغم تلاش این کمیته، تاکنون انتشار کتابی دربارهٔ کلیات دین و فرهنگ و احکام یهود از سوی انجمن کلیمیان که متناسب با نیازهای جامعه امروزی ایران باشد، میسر نگشته است و پاسخ‌های شفاهی و موردی، زحمت پژوهشگران این عرصه را دو چندان کرده است.

دو مرجع اصلی یهود، اول تورات و مجموعه کتب انبیای یهود است که در ایران به نام عهد عتیق در بخش اول کتاب مقدس توسط هموطنان مسیحی به فارسی ترجمه و اکنون در بازار نشر موجود است.

دوم، تلمود است که هیچگاه به طور کامل به فارسی ترجمه

جدول منابع تحقیق فرهنگ یهود

عنوان	مؤلف - مترجم	ناشر	سال انتشار
۱ نردبانی به آسمان - نیاشگاه در تاریخ و فلسفه یهود	شیرین دخت دقیقیان	ویدا	۱۳۷۹
۲ آشنایی با ادیان بزرگ	حسین توفیقی	سمت	۱۳۷۹
۳ اخلاق در شش دین جهان	کلایولتون - محمد حسین وقار	اطلاعات	۱۳۷۸
۴ تاریخ جامع ادیان	جان ناس - علی اصغر حکمت	آموزش انقلاب اسلامی	۱۳۷۲
۵ رساله در تاریخ ادیان	میرچا الیاده - جلال ستاری	سروش	۱۳۷۲
۶ دین شناسی تطبیقی	کنارنات تیواری - سیدابوطالب فنایی	محسن	۱۳۷۸
۷ انتظار مسیحا در آیین یهود	جولیوس کریستون - حسین توفیقی	مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان قم	۱۳۷۷
۸ آیین قبلا (عرفان یهود)	شیوا (منصوره) کاویانی	فرا روان	۱۳۷۲
۹ سفر مشترک	عهدیه شیرازی	معانی	۱۳۷۸
۱۰ اراده خداوند	ژیل کیل - عباس آگاهی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	۱۳۷۵
۱۱ انسان و ادیان	میشل مالرب - مهران توکلی	نی	۱۳۷۹
۱۲ داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن	محمد حمید یزدان پرست لاریجانی	اطلاعات	۱۳۸۰
۱۳ فصلنامه هفت آسمان	مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب - قم	-	-



پیشگامان نقاشی قرن بیستم: حییم سوتین

علی اصغر قره‌باغی
تلخیص: مارینا ماهگرفته

برایش غذایی بخرد، کنار رستوران می‌ایستاد. با این همه رفتن به «موزه لوور» و تمرین نقاشی و طراحی کردن کاری بود که در انجام آن کوتاهی نمی‌کرد.

«حییم» با هر مصیبتی که بود به مطالعه و آموختن نقاشی ادامه داد. او به سبب شیوه نقاشی خود که با نوعی هیجان جنون‌آمیز همراه بود، شهرت یافت و شهرت او در زمان حیاتش بیش از نقاش هم دوره و همسایه‌اش (آمادئو مودیلیانی) بود که او نیز مشکلات سوتین را داشت. در سال ۱۹۳۷ چندین اثر او در نمایشگاه نقاشان مستقل به نمایش گذاشته شد و این افتخاری بود که کمتر نصیب نقاشان خارجی مقیم پاریس می‌شد. آغاز جنگ جهانی دوم برای «حییم» با مصیبت‌های مضاعف همراه بود و زندگی او را بار دیگر دگرگون کرد. در این روزها با نامزد آلمانی خود در دهکده‌ای در حومه پاریس زندگی می‌کرد. از آنجا که هر دو یهودی و خارجی بودند اجازه بازگشت به پاریس را نیافتند ولی سرانجام «حییم» به علت بیماری و دلایل پزشکی اجازه یافت که برای معالجه به پاریس باز گردد. اما هنگامی که نامزدش خواست پنهانی به او بپیوندد از سوی نازی‌ها دستگیر شد و همراه گروهی از یهودیان دیگر روانه بازداشتگاه شد و دیگر کسی خبری از او نشنید. امریکایی‌ها از «حییم» دعوت کردند به آمریکا سفر کند اما او تمام اوراق هویت خود را گم کرده بود و نتوانست از این دعوت استفاده کند. زندگی در پاریس، آن هم در روزهایی که

که چند دقیقه‌ای مدل او شود و اجازه بدهد چهره او را نقاشی کند، اما حاخام به پسرش که همراه او بود دستور داد تا «حییم» را چنان کتکی بزنند که تا عمر دارد خیال طراحی کردن را از سر بیرون کند و از آنجا که او از این کتک خوردن سخت آسیب دیده بود، حاخام مبلغی به عنوان غرامت به مادرش پرداخت و مادر هم این پول را در اختیار فرزندش گذاشت تا هر طور که صلاح می‌داند به آموختن نقاشی بپردازد. «حییم» در سال ۱۹۰۹ در شانزده سالگی همراه دوست نزدیکش «میشل کیکوین» که او هم آرزوی نقاش شدن را داشت راهی «مینسک» شدند. آن دو برای گذراندن معاش و برای آن که دست کم یک بار در روز شکم خود را سیر کنند، به هر کاری از برابری تا عملگی تن می‌دادند، اما حضور یافتن در کلاس‌های هنرکده خصوصی که در آن نام نویسی کرده بودند بر همه چیز ارجح بود. بعد از مدتی «حییم» وارد مدرسه هنرهای زیبا شد و در سال ۱۹۱۳ بعد از تمام کردن مدرسه هنرهای زیبا، همراه دوستش وارد پاریس شدند. «حییم» در پاریس هم وضع مالی خوبی نداشت و برای این که زندگی را بگذراند از انجام هیچ کاری روی گردان نبود، شب‌ها در ایستگاه قطار باربری می‌کرد و اگر شغل ثابتی می‌یافت، روز بعد او را به علت شلختگی بیرون می‌انداختند. آن طور که بعدها خودش گفت، همیشه گرسنه بود. بارها از سر ناچاری و به این امید واهی که کسی به حال و روزش دلسوزی کند و

«حییم سوتین» نمونه کامل و تمام عیار هنرمند تبعیدی بود. در آرزوی آن که نقاش بشود از شهری کوچک و یهودی‌نشین به پایتخت نقاشی جهان (پاریس) کوچ کرده بود، اما چه از نظر جسمانی و چه از لحاظ معنوی و فرهنگی در تبعید به سر می‌برد. «سوتین» در سال ۱۸۹۳ (یا ۱۸۹۴) در شهر کوچک و یهودی‌نشین «اسمیلوویچ» در لیتوانی به دنیا آمد، دهمین فرزند خانواده بود، پدرش خیاط تهیدستی بود و جایگاه این حرفه از نظر موقعیت اجتماعی در پله اول نردبان رده‌بندی‌های طبقاتی قرار می‌گرفت. «حییم» خیلی زود اشتیاقی را که به هنر داشت بروز داد و بلافاصله با مخالفت پدرش روبه‌رو شد. در جامعه کوچک و بسته‌ای که «حییم» در آن می‌زیست، سنت‌ها و باورهای دیرینه یهودی معیارهای زندگی را تعیین می‌کرد و بر اساس همین معیارها، طراحی و نقاشی کردن گناه شمرده می‌شد.

بارها از سر ناچاری و به این امید واهی که کسی به حال و روزش دلسوزی کند و برایش غذایی بخرد، کنار رستوران می‌ایستاد. با این همه رفتن به «موزه لوور» و تمرین نقاشی و طراحی کردن کاری بود که در انجام آن کوتاهی نمی‌کرد

نخستین تجربه هنرنمایی «حییم» در بیرون از خانه به فاجعه انجامید، او از سر سادگی از حاخام محل که او را انسانی مهربان و پاک دل انگاشته بود خواهش کرد

ده فرمان

فیلمی که دنیا را تکان داد

ساختن چنین فیلمی در حال حاضر از عهده هیچ کارگردانی بر نمی آید و شاید ساخت مشابه آن فقط از طریق امکانات کامپیوتری امکان پذیر باشد



در اشغال نازی‌ها بود بسیار خطرناک بود، نام «حییم» جزء یهودیان مقیم پاریس ثبت شده بود و جانش هر لحظه در خطر بود. «حییم» ناگزیر با اوراق هویت جعلی پاریس را ترک کرد و به دهکده کوچکی پناه برد، اما در دهکده هم از شر کنجکاوی مردم در امان نبود و حضور ناگهانی او شک مردم را برانگیخته بود. هیجان و اضطراب مداوم، درد معده مزمن او را شدت داده بود تا این که در سال ۱۹۴۳ زخم معده او را از پای درآورد.

نقاشی‌هایش تجسم یک فریاد و بازتاب بیگانگی‌ها و طرد شدن‌ها بود

«حییم» در پایان قرن به دنیا آمد که در آغاز آن، بیانیه‌هایی در باب آزادی هنرمندان صادر شده بود. در سراسر قرن نوزدهم، واژه هنرمند یا معادل «یاغی» بود و یا «خیال‌باف» و در هر دو حالت تمام مسئولیت‌ها به گردن خودش بود، یا خودش را تافته جدا بافته می‌انگاشت و یا دیگران او را به چشم بیگانه نگاه می‌کردند. «حییم» تمام عمر در جامعه‌ای زیست و نقاشی کرد که به آن تعلق نداشت. در شهر و دیار خود، چون نقاشی می‌کرد، مطرود همگان بود. در پاریس هم از نظر مسیحیان از قبیله آنانی بود که مسیح را کشته بودند و از دیدگاه یهودیان، نقاشی کردن، دلیل بی‌ایمانی او به آیین‌های مذهبی شمرده می‌شد. به همین سبب‌ها بود که یکسره هر چه نقاشی می‌کرد، به درد و رنج و اندوه وصل بود و در هر نقاشی، تلخ‌کامی‌های خود را نمایش می‌داد. نقاشی‌هایش تجسم یک فریاد و بازتاب بیگانگی‌ها و طرد شدن‌ها بود و به گفته برخی منتقدان هنری بعد از «ون گوگ» باید او را بزرگترین نقاشان اکسپرسیونیست تاریخ هنر به شمار آورد.

چهره‌ای اسطوره‌ای در تاریخ سینما بر جای گذاشت.

با حضور چنین بازیگرانی، به همراه «آن باکستر»، دومیل همچنین توانست بخش ملودرام فیلم را در نیمه اول آن، بسیار جذاب از کار درآورد. گفته می‌شود «چارلتون هستون» تاکنون بهترین موسای سینماست. همچنان که ده فرمان به عنوان بهترین فیلم مذهبی جهان یاد شده است. فیلمی که به عقیده برخی از منتقدان استحقاق این را دارد که هر ساله روز «عید پاک» از تلویزیون پخش شود!

«سیسیل ب. دومیل» فیلمی ساخته است که عنوان سرگرمی معنوی را به آن می‌توان داد. روایت فیلم نوعی روایت سینمایی است که به روایت توراتی معروف شده است. جدا از این نکته، چهره چارلتون هستون، چه زمانی که شکوه و افتخار از آن خوانده می‌شود و چه زمانی که می‌توان چهره سردی را از آن خواند که خدا را دیده است، معنویت مثال زدنی دارد.

در مقایسه دو نسخه سال ۱۹۲۳ و ۱۹۵۶ ده فرمان، می‌توان گفت اگرچه هر دو فیلم کودکی پیامبر تا پیروزی او و فتح مصر را روایت می‌کنند، فاصله دو فیلم به حدی است که فیلم اول به درد کتاب‌های درسی مصور می‌خورد و فیلم دوم برای نمایش در سالن‌های سینما ساخته شده است.

نکته آخر این که فیلم در کنار شخصیت‌هایش، یک قهرمان پشت صحنه هم دارد که همان «سیسیل ب. دومیل» است. قهرمانی که با امکانات غیر استودیویی، با هزاران نفر در صحرای مصر ساخت و دکورهای عظیمی برای آن خلق کرد.

(این فیلم در ماه‌های اخیر در حوزه هنری، کانون نمایش فیلم دانشگاه تهران و فرهنگسرای جوان به نمایش درآمده است.)

«سیسیل دومیل» که یک بار در سال ۱۹۲۳ فیلم ده فرمان را ساخته بود، به عنوان یک فیلمساز کهنه کار سینمای هالیوود، در سال ۱۹۵۶ تصمیم به بازسازی فیلم خود گرفت.

به همین منظور او بازیگران و سیاهی‌لشکرهای متعددی را به کار گرفت و برای فیلمبرداری صحنه‌های عظیم فیلمش، از چهار فیلمبردار استفاده کرد. بلندپروازی «سیسیل ب. دومیل» این بار پایانی نداشت و پس از نمایش معجزه عصایی که تبدیل به مار می‌شود، تصمیم به ارایه تصویر معجزه پیچیده‌تری گرفت که تا آن زمان در تاریخ سینما نیز یک معجزه تصور می‌شد، در صحنه‌ای که سپاه فرعون قوم موسی را تعقیب می‌کند، پیامبر برای گذشتن افرادش از رود نیل، با معجزه‌ای در میان رود مبری خشک باز می‌کند و پس از گذر خود و همراهانش، بار دیگر معبر را از بین می‌برد. به این ترتیب سپاهیان تعقیب کننده که تا میان رود به پیش آمده‌اند در کام امواج خروشان نیل فرو می‌روند. چنین صحنه پیچیده‌ای را «دومیل» با استفاده از حقه‌های سینمایی چنان به تصویر کشید که حتی هم اکنون نیز اثری از مصنوعی بودن در آن دیده نمی‌شود و درست حس همان معجزه را به تماشاگر منتقل می‌کند.

برای بازی در نقش‌های موسی و رامسس، از دو بازیگر به نام‌های «چارلتون هستون» و «یول براینر» استفاده شد که تاکنون چنین نقش‌هایی را تجربه نکرده بودند اما با هدایت فیلمساز پر تجربه، «چارلتون هستون» یکی از ماندگارترین بازی‌هایش را در نقش پیامبر ارائه کرد و از خود



یهودیان عراق

ترجمه: مریم عربزاده

تنظیم: لیورا سعید

جمعیت یهودیان عراق سال ۱۹۴۸: ۱۵۰۰۰۰ نفر
جمعیت یهودیان سال ۲۰۰۰: حدوداً ۱۰۰ نفر

و بی کسی می‌کند اما می‌گفت نمی‌تواند خودش را متقاعد کند که به همسر و شش فرزندش در لندن ملحق شود. او توضیح داد: «من می‌خواهم که در سرزمین اجدادم به خاک سپرده شوم».

وی می‌گوید که از یهودیان عراقی باقیمانده بیش از ۵۰ نفر بیشتر از ۶۰ سال سن دارند. ۱۰ نفر در دهه چهارم زندگی خود هستند و ازدواج نکرده‌اند. بقیه ۱۳ تا ۳۵ ساله هستند. همه آنها قصد مهاجرت دارند. او می‌ترسد که کنیسه‌های باقیمانده آنها در «بتاوین» Bataween (که زمانی محله اصلی یهودیان بغدادی بود) به ۳۰ کنیسه‌ای دیگر می‌پیوندد که اکنون متروکه‌اند یا به خرابه‌ای تبدیل شده‌اند.

او می‌گوید: «آخرین مراسم عروسی در اینجا در سال ۱۹۸۰ (۱۸ سال پیش از زمان این گفتگو) اتفاق افتاد و من می‌ترسم که هیچ عروسی دیگری انجام نشود».

ربای (حاخام) آنها دو سال پیش فوت شد و هیچ یک از یهودیان باقیمانده نمی‌توانند مراسم مذهبی گروهی را برگزار کنند. «صالح»، «عزرا هارون» و «درویش» ۶۶ ساله تنها یهودیانی هستند که مقداری عبری می‌دانند. بقیه اگر چه به طور منظم برای مراسم حاضر می‌شوند اما فقط می‌توانند مفهوم کلی نمازها را درک کنند.

اسرائیل بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر هستند (سومین ملیت از نظر تعداد بعد از روس‌ها و مراکشی‌ها) و بعضی از آنها به درجات بالای دولتی رسیده‌اند.

۵۰۰۰۰ یهودی که بعد از سال ۱۹۵۰ در عراق به جای ماندند از مسافرت به آن سوی آب‌ها منع شدند. زمانی که حزب بعث در سال ۱۹۶۸ به قدرت رسید این قوانین را لغو کرد و تعداد بیشتری از یهودیان به اروپا و آمریکا مهاجرت کردند.

«ابراهیم یوسف صالح» ۷۶ ساله، رهبر جامعه یهودیان عراق در حالی که با قدم‌های لرزان راه می‌رود طوماری از سرودهای مذهبی را که روی پوست نوشته شده باز می‌کند و می‌خواند و به همراهان سالخورده‌اش اشاره می‌کند تا پس از او تکرار کنند.

هنگام اجرای مراسم نماز حدود دو عسارا (۲۰ نفر) مرد به او ملحق می‌شوند، باقیمانده‌هایی از جامعه یهودیانی که زمانی در خاورمیانه با نفوذترین و موفق‌ترین‌ها بودند.

صالح می‌گفت: «چهار قرن پیش حداقل ۵۰۰ یهودی برای نماز شب‌ها (شنبه) در این کنیسه جمع می‌شدند. حالا او در کل کشور فقط ۷۶ یهودی می‌شناسد».

صالح قبول داشت که احساس تنهایی

یهودیان اولین بار در قرن هفتم پیش از میلاد در زمانی که بخت النصر اورشلیم را تصرف کرد و هزاران نفر از ساکنین آن را به بابل آورد، به عراق بین‌النهرین آن روز قدم گذاشتند. زمانی که انگلیسی‌ها در سال ۱۹۲۰ عراق را از قانون ottoman turkish آزاد کردند، بعد از یک سرشماری مشخص شد که ۸۷۰۰۰ یهودی در جمعیت حدوداً سه میلیونی عراق ساکنند. این رقم با توجه به سرشماری دولتی در ۱۹۴۷ به ۱۱۷۰۰۰ نفر افزایش یافت.

مدارک اتاق بازرگانی بغداد نشان می‌دهد که از ۱۹ نفر عضو آن در سال ۱۹۴۷، ۱۰ نفر یهودی بودند. بیشتر اعضا اولین گروه موسیقی که برای رادیویی اولیه بغداد در دهه ۳۰ تشکیل شد یهودی بوده‌اند. «شامل عبدالقادر» استاد تاریخ دانشگاه بغداد می‌گوید: «یهودیان بغداد ۳۰ مدرسه خصوصی داشتند و با خروج آنها، عراق قسمت اعظم مهندسين، پزشکان، موسیقی‌دانان و هنرمندان خود را از دست داد». او ادامه می‌دهد: «دیدن چنین پایان غم‌انگیزی برای یکی از قدیمی‌ترین جوامع عراق بسیار ناراحت‌کننده است. آیا شما می‌دانید تلمود، (مجموعه عظیم مباحثات فقهی یهود) اینجا در بابل نوشته شده است؟»

هم اکنون یهودیان مهاجر عراقی در

در دفتر آژانس اطلاعاتی امریکا در بغداد، در برابر انظار عمومی به دار آویخت.

با افزایش رقابت و قدرت اقلیت بعث در ۱۹۶۳، محدودیت‌های بیشتری بر یهودیان باقیمانده اعمال شد. یهودیان ممنوع معامله شدند و برای همه آنها حمل کارت‌های شناسایی زرد رنگی اجباری شد. بعد از جنگ ۶ روزه (اعراب و اسرائیل)، فشارها و محدودیت‌های بیشتری به آنان وارد آمد. دارایی‌های یهودیان مصادره شد، حساب‌های بانکی آنها مسدود، از خدمات پستی عمومی محروم شدند، تجارت برایشان ممنوع شد و مجوزهای بازرگانی باطل گردید. تلفن‌ها قطع شد و یهودیان برای مدت‌های طولانی تحت بازداشت خانگی قرار گرفتند یا به شهرها محدود شدند.

آزارها در اواخر سال ۱۹۶۸ به بدترین وضعیت رسید. پس از کشف یک حلقه جاسوسی که از بازرگانان یهودی تشکیل شده بود، ده‌ها نفر زندانی شدند. ۱۴ مرد (که ۱۱ نفر از آنها یهودی بودند) در دادگاه‌ها به اعدام محکوم شدند و در میدان عمومی بغداد به دار آویخته شدند. این وضع، یک اعتراض شدید عمومی جهانی را برانگیخت به گونه‌ای که رادیو بغداد این اظهارات را پخش کرد: «اگر ما جاسوسان را به دار آویختیم، یهودیان نیز مسیح را به صلیب کشیدند».

یهودیان تحت نظر دائم دولت عراق باقی ماندند. یک یهودی عراقی (که بعداً گریخت) در یادداشت‌های روزانه خود در فوریه ۱۹۷۰ چنین نوشته بود:

«شیوع زخم‌ها، حمله‌های قلبی و سکنه‌های مغزی در میان یهودیان افزایش می‌یابد، تحقیر شخصیت یهودی که از



جامعه ۲۷۰۰ ساله یهودیان عراق، در روزگار جدید تبعیض‌های وحشتناکی را تحمل کرده است. در ژوئن ۱۹۴۱ یک هوادار نازیسم به نام رشید علی که توسط مفتی حمایت می‌شد، آتش آشوب و بلوا در بغداد شعله‌ور ساخت. آشوب طلبان مسلح عراقی با همدستی پلیس و ارتش، ۱۸۰ یهودی را به قتل رساندند و قریب ۱۰۰۰ نفر را مجروح کردند. حس یهودی ستیزی در عراق یکبار دیگر بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ قوت گرفت.

در سال ۱۹۵۰ به یهودیان عراق اجازه داده شد تا کشور را ترک کنند. سپس طی یک ضرب الاجل یک ساله حق شهروندی از آنها سلب گردید. یک سال بعد، دارایی یهودیانی که مهاجرت کرده بودند توقیف و بر یهودیانی که ماندن در کشور را انتخاب کرده بودند محدودیت اقتصادی تحمیل شد.

جامعه ۲۷۰۰ ساله یهودیان عراق، در روزگار جدید تبعیض‌های وحشتناکی را تحمل کرده است

از سال ۱۹۴۹، ۱۰۴۰۰۰ یهودی با کمک سازمان‌های بین‌المللی از عراق خارج شدند و ۲۰۰۰ نفر از آنها به سمت ایران گریختند. در ۱۹۵۲، دولت عراق، یهودیان را از مهاجرت منع کرد و دو یهودی را بعد از اتهام دروغ بمب‌گذاری

صالح می‌گوید: «قبل از مهاجرت تعداد بی شماری از یهودیان به اسرائیل در سال ۱۹۵۰، بیش از ۱۰۰۰۰۰ یهودی در عراق زندگی می‌کردند. قبل از مهاجرت آنها یهودیان صرافان، طلاسازان و بازرگانان اصلی عراق بودند و قسمت بزرگی از مشاغل دولتی را به عهده داشتند. دو سال بعد از تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸، دولت عراق حق شهروندی یهودیان را از آنها سلب کرد و دارایی‌های آنها را مصادره نمود و آنها را مجبور به تخلیه شهرهایشان به سمت دولت یهودی کرد. صالح می‌گوید: «همه دارایی‌های مصادره شده بعداً به جامعه یهودیان بازگردانده شد».

در اتفاقی که تا سقفش کاغذ چیده شده، «سیحون» ۷۵ ساله، اسناد اموال یهودیان را نگهداری می‌کند. صالح می‌گوید: «اجاره بهای این اموال شامل مغازه‌ها، آپارتمان‌ها و ساختمان‌های چند طبقه، سالانه بین یهودیان عراق تقسیم می‌شود. اما برای خیلی‌ها هیچ مبلغی مادی نمی‌تواند احساس خلا و اندوهی را که با دیدن محو شدن جامعه‌شان به آنها دست می‌دهد جبران کند».

«توفیق سفیر» مسئول ۷۸ ساله کنیسا می‌گوید: «همه بستگان من در لندن هستند. من تصمیم گرفتم که بمانم و ازدواج کنم و از ۳۵ سالگی مشغول به خدمت در خانه خدا هستم».

«ویکتوریا سلاما، ۹۰ ساله جایی برای ماندن ندارد و به همین دلیل صالح اتفاقی را در کنیسا به او داده است. او می‌گوید: «من با کمک میز خطابه کنیسا (توا) زندگی می‌کنم. من اینجا هیچ فامیلی ندارم!»

همچون تیراندازی به مرکز جامعه یهودیان بغداد، در عراق مانده‌اند.

اگرچه فشارهای بین‌المللی، دولت عراق را مجبور کرده که به این یهودیان اجازه دهد به زندگیشان در عراق ادامه دهند، اما آنها تحت تبعیض و ترس دائمی زندگی می‌کنند. فیلم‌های «آلیس هج» آنها را در حین اجرای نماز در یک کنیسای ابتدایی نشان می‌دهد که طومار تورات را روی نیمکتی می‌پیچانند و عید پسح (آزادی) را با مصایب (نان فطیری) که در اجاقی در کنیسا پخته شده جشن می‌گیرند و دستجمعی نماز می‌خوانند.

یکی از همراهان کلیمی «هج» می‌گوید: برای آن عده از ما که این مراسم را در جوامع امن و گرم خود امری بدیهی تصور می‌کنیم، و تنها زمانی که «مجبور» هستیم یا به چیزی نیاز داریم، خدا را شکر می‌کنیم، فعالیت‌های ساده یهودیان عراق، همگی به ما معنای واقعی «یهودی بودن» را می‌آموزند و آن روبرو شدن با عذاب و ترس با قدرتی است که با کمک خانواده، جامعه و مهمتر از همه پروردگار بدست می‌آید. وقتی با چندین مدرسه عبری منحل شده و چندین جوان یهودی سر خورده آشنا شدم، احساس تأثیری توأم با افتخار ناشی از اخلاص و مقاومت این ۶۱ یهودی عراقی به من دست داد.

فورا تشخیص دادم که دلیلی برای تأثر و تأسف از تبعید موقت یهودیان از عراق، خانه تلمود بابلی و مهد بخش مهم تاریخ یهود، وجود ندارد، بلکه باید دوام حس سربلندی مردم یهودی و قدرت پروردگار را جشن بگیریم. ■

توضیح سردبیر: اختلاف‌های جزئی آماری درباره جمعیت یهودیان عراق، ناشی از اختلاف منابع آماری دولتی و برآوردهای دانشگاهی است.

محدود می‌کند». اخیراً یک گزارش از جروشالم پست (۱۳ دسامبر ۱۹۹۷) عنوان کرد که ۷۵ یهودی، عراق را در ۵ سال گذشته ترک کرده‌اند که بیشتر آنها در انگلستان و هلند اقامت گزیده‌اند و حدود ۲۰ نفر هم به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند. زمانی ه/۱ بغدادی‌ها، یهودی بودند و بقیه جوامع اولیه بار ۲۵۰۰ سال پیش تشکیل شدند. امروز، حدود ۶۱ یهودی در بغداد مانده‌اند و حدود ۲۰۰ نفر دیگر در مناطق تحت تسلط کردها در شمال ساکن هستند. ***

«آلیس هج» رییس اصلی کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد در امر خلع سلاح عراق، سفرهای متعددی به عراق داشته است. طی این سفرها، بارها از تنها کنیسای موجود در بغداد دیدار و از مراسم برگزاری نماز توسط یهودیان باقیمانده در عراق فیلمبرداری کرده است. با وجود این که این زنان و مردان یهودی با تهدیدها و خطرات دائمی مواجهند، هنوز هم خود را وقف ایمانشان کرده‌اند. ۶۱ یهودی عراقی بدون هیچگونه تماسی با خانواده‌هایشان در بقیه نقاط دنیا، بدون هیچ روزنامه یا رسانه اختصاصی و مهمتر از همه بدون رهبری روحانی، پیرو دین یهود باقی مانده‌اند.

یهودیان در عراق زندگی را به دور از آرامش می‌گذرانند. برنامه‌های وسیع دهه ۱۹۴۰ به مهاجرت بیشتر یهودیان عراقی انجامید و عده کم باقیمانندگان نیز عراق را بصورت غیر قانونی از طریق کوهستان‌های کردستان در دهه ۱۹۷۰ ترک کردند. در جنگ خلیج فارس که خطر «یهودی بودن» در عراق را افزایش می‌داد، خروج از عراق بیشتر ادامه یافت. هنوز تعداد کمی از افراد شجاع با وجود هراس‌هایی

سرکوب‌ها و شکنجه‌ها ناشی می‌شود، ما را به پایین‌ترین سطح توانایی جسمی و ذهنی کشانده است. برای ما نیرویی جهت یهودی باقی نمانده است.»

در پاسخ به فشار بین‌المللی، دولت بغداد، بی‌سر و صدا به بیشتر یهودیان باقیمانده اجازه داد که در اوایل دهه ۷۰ از عراق مهاجرت کنند، با این حال در آن موقع نیز بقیه محدودیت‌ها به شدت باقی بود. بیشتر یهودیان باقیمانده عراقی آنقدر پیر بودند که قادر به ترک آن جا نبودند. آنها توسط دولت تحت فشار قرار گرفتند و اسناد املاک جامعه یهودیان به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیون دلار بدون جبران خسارت (بلا عوض) حراج شد.

اگرچه فشارهای بین‌المللی، دولت عراق را مجبور کرده که به این یهودیان اجازه دهد به زندگیشان در عراق ادامه دهند، اما آنها تحت تبعیض و ترس دائمی زندگی می‌کنند

اکنون فقط یک کنیسا در عراق برقرار است، یک ساختمان زرد رنگ فرسوده که در کوچه‌ای پرت در بغداد قرار گرفته است. با توجه به گفته‌های مسئول کنیسا، «تعداد بسیار کمی کودک که به سن تکلیف (برمیخوا) رسیده‌اند یا زوج‌هایی که در آستانه ازدواج هستند در عراق باقی مانده‌اند. یهودیان می‌توانند دستورات دینی خود را اجرا کنند اما اجازه ندارند مشاغل دولتی داشته باشند یا به ارتش ملحق شوند».

در سال ۱۹۹۱ پیش از جنگ خلیج فارس، دولت بغداد اعلام کرد: «شواهدی دال بر آزار و تهدید آشکار یهودیان وجود ندارد، اما حکومت، مسافرت و تماس با گروه‌های یهودی خارج از کشور را

انتفاب من

نوشته: آو هنری

ترجمه: سارا طوطیان

در یکی از میدان‌های نیویورک روی نیمکتی نشسته بودم و به آسمان نگاه می‌کردم. یک برگ خشک روی دستم افتاد. پاییز داشت می‌رسید و من باید جایی برای ماندن دست و پا می‌کردم. هوس کردم سه ماه را در یک زندان گرم و راحت با غذا و دوستان خوب بگذرانم. اغلب ماه‌های سرد را اینطوری سپری می‌کردم و حالا دوباره وقتش رسیده بود، چون شب‌ها سه تا روزنامه هم مرا گرم نمی‌کرد.

پس تصمیم گرفتم به هر ترتیبی که شده به زندان بروم و با خودم گفتم در اولین فرصت نقشه‌ام را عملی می‌کنم. حتما کار آسانی خواهد بود. مثلا شام را در یک رستوران شیک می‌خورم و بعد به گارسون می‌گویم که پول ندارم. سپس آنها پلیس را خبر می‌کنند و نتیجه هم معلوم است! راحت و خوب! بدون دردسر.

از جایم بلند شدم و به آرامی قدم زدم. خیلی زود به یک رستوران معروف و گرانقیمت رسیدم. همه‌چیز مرتب به نظر می‌رسید. فقط باید سر یک میز می‌نشستم. نباید مشکلی پیش می‌آمد. چون وقتی می‌نشستم مردم فقط می‌توانستند کت و پیراهنم را که خیلی هم کهنه نبود ببینند.

ولی وقتی وارد رستوران شدم، گارسون

با دیدن شلوار و کفش کثیف و کهنه من، دو دست قوی‌اش را به دور بازوهایم پیچید و مرا به خیابان انداخت.

حیف شد! حالا باید به کار دیگری فکر می‌کردم. همینطور که قدم می‌زدم به مغازه‌ای رسیدم. جلوی ویرین آن ایستادم که خیلی قشنگ و روشن بود. همه می‌توانستند مرا ببینند. فکری به سرم زد. آهسته و با دقت سنگی را برداشتم و به ویرین مغازه پرتاب کردم. شیشه با صدای بلندی شکست. مردم فرار کردند و من با



خوشحالی همچنان ایستادم. چون روبروی من یک پلیس ایستاده بود. حرکتی نکردم. دست در جیب خندیدم. با خود فکر کردم:

«به زودی در زندان خواهم بود!»

پلیس از من پرسید: «کی این کار را کردی؟»

جواب دادم: «خوب معلومه، من بودم!» ولی پلیس می‌دانست کسی که شیشه را می‌شکند نمی‌ایستد تا با پلیس صحبت کند، بلکه فرار می‌کند. در همین موقع پلیس مردی را دید که می‌دوید تا به اتوبوس برسد، برای همین دنبالش دوید. برای یک دقیقه مات و مبهوت بودم. بعد به راه افتادم. آه دوباره شکست خورده بودم!

داشتم ناامید می‌شدم که ناگهان در طرف دیگر خیابان یک رستوران کوچک دیدم. فکر کردم همه‌چیز رو به راه است و داخل شدم. این بار کسی به کفش‌ها و شلوارم نگاه نکرد. غذای خوبی خوردم و در آخر با لبخندی به گارسون گفتم: «می‌دونی چیه؟ من اصلا پول ندارم. سریعا پلیس را خبر کن، من خسته‌ام!»

ولی گارسون جواب داد: «پلیس لازم نیست» و بعد با کمک گارسون دیگری مرا به کف خیابان پرت کردند. روی زمین افتادم و به سختی بلند شدم. رسیدن به زندان کار خیلی سختی بود. خیلی مایوس شدم. چون پلیسی هم که در آن حال از کنارم می‌گذشت، با بی‌اعتنایی خندید و رفت.

دوباره راه افتادم تا سوژه دیگری یافتم. این بار خیلی راحت به نظر می‌رسید.

یک خانم جوان و زیبا جلوی ویرین یک مغازه ایستاده بود. یک پلیس هم از دور مرا می‌دید. لبخند بر لب به آن زن گفتم:

«سلام! می‌شه با هم قدم بزنیم؟»

آن زن کمی عقب رفت و دقیقتر به

ویرترین مغازه نگاه کرد. نگاهی به پلیس انداختم. هنوز داشت مرا می دید. دوباره با او کمی صحبت کردم. و پیش خود گفتم: «الان پلیس را خبر می کند!» کم کم می توانستم درهای زندان را ببینم!

ناگهان آن خانم جوان دستم را گرفت و با شادی گفت: «خوب، اگر برایم نوشیدنی بخری با تو می آیم، عجله کن، تا پلیس ما را ندیده برویم.»

با هم راه افتادیم، احساس بدی داشتم. سر چهارراه بعدی از دستش فرار کردم. کاملاً ناامید بودم. گفتم دیگر هرگز روی زندان را نخواهم دید.

بعد از مدتی پیاده روی به خیابانی رسیدم که چندین سالن تئاتر در آن بود. خیابان پر بود از مردم ثروتمند با لباس های زیبا. باید کاری می کردم تا به زندان بروم. نمی خواستم شبی دیگر را در خیابان سپری کنم. در همین فکر بودم که یک پلیس را در آنجا دیدم، ناگهان شروع کردم به سر و صدا کردن و آواز خواندن با صدای بلند وسط خیابان. این بار باید موفق می شدم. ولی پلیس پشش را به من کرد و به یک مرد که در کنارش بود گفت: «او حتماً مست است. ولی خطرناک نیست. امشب کاری باهاش نداریم.»

پلیس ها مثل همیشه نبودند، گویا آنها هم با من لجبازی می کردند کلافه شدم. چطور می توانستم به زندان بروم؟ خیلی سرد بود. کتم را محکم به خودم پیچیدم.

کمی آن طرف تر مردی را در یک مغازه دیدم که چتری گرانقیمت داشت. چترش را کنار درب گذاشته بود و داشت سیگارش را روشن می کرد. داخل مغازه شدم و چتر را برداشتم و آهسته فرار کردم. آن مرد به سرعت به دنبالم آمد. و داد زد: «آن چتر مال من است.»

من هم گفتم: «اوه، مال شماست؟ پس چرا پلیس را خبر نمی کنید؟ من چتر را برداشته ام و شما می گوئید که مال شماست. خوب بچنید، پلیس آنجاست.»

اما او انگار ناراحت شد و گفت:

«خوب می دانسی؟

البته من یک اشتباه

کردم. امروز صبح

آن را از یک

رستوران برداشتم.

اگر مال شماست،

خوب متاسفم ...!»

گفتم: «البته که

چتر من است!»

پلیس ما را نگاه

کرد و آن مرد هم

رفت.

آن موقع واقعا

عصبانی بودم. چتر

را به کناری پرت

کردم و کلی فحش به پلیس دادم. چون من می خواستم به زندان بروم، ولی آنها نمی خواستند مرا زندانی کنند. کار خلاف دیگری هم از دستم بر نمی آمد!

داشتم به طرف نیمکت همیشگی ام در

میدان - یعنی منزلم - حرکت می کردم که در

یک چهارراه خلوت، متوجه یک کلیسای

قشنگ و باشکوه شدم. از یک پنجره بنفش،

نور ضعیفی دیده می شد و نوای موسیقی

روحانی از داخل کلیسا به گوش می رسید.

ماه در آسمان می درخشید و همه جا ساکت

بود. یاد کلیسای ده مان افتادم، آن روزهای

قشنگ. یاد ایامی افتادم که مادر و تعدادی

دوست داشتم و چیزهایی زیبای دیگری که

زندگی ام را پر می کرد. به زندگی کنونی ام

فکر کردم. روزهای پوچ و نقشه های بر باد

رفته ...

تصمیم خودم را گرفتم، روش زندگی ام را عوض می کنم و آدم جدیدی خواهم شد. فردا به شهر دیگری می روم و کار شرافتمندانه ای پیدا می کنم. زندگی ام دوباره خوب می شود. حتی شاید آدم مهمی بشوم.



همه چیز عوض می شود و ...

در این خیالات بودم که ناگهان سنگینی دستی را روی شانم حس کردم. برگشتم، دست یک پلیس بود.

گفت: «اینجا چه کار می کنی؟»

گفتم: «هیچی!»

گفت: «آره! هیچی، یعنی ولگردی! با

من بیا!»

با او رفتم. نمی دانم اگر زودتر به این

فکر می افتادم شاید اینقدر بدبختی برای

رفتن به زندان نمی کشیدم، ولی حالا یک

ولگرد خوانده شده بودم و هیچ توضیحی

برای آنها قابل قبول نبود. جریمه ام سه ماه

زندان شد! چاره ای نداشتم، ولی لااقل این

اطمینان را داشتم که تا سه ماه دیگر سقفی

را بالای سر خود می بینم! ■



لیورا سعید

- اجازه بدید آقای نادری. منظور من از این که می‌گم خودش در عذاب باشه اینه که ممکن است او قادر نباشه کنترلی روی رفتارش داشته باشه. من چهار سال در دبیرستان با او سر یک میز و نیمکت می‌نشستم و او را خوب می‌شناختم. او به قول شما نه اهل آرایش و این کارهاست و نه اهل دزدی و کش رفتن از مغازه‌ها. او در آن مدت تحصیل، به جز درس و کتاب به چیز دیگری فکر نمی‌کرد و با پشتکاری که داشت وارد دانشگاه هم شد و در رشته مورد علاقه‌اش مشغول شد؛ اما چیزی که او را همیشه عذاب می‌داد رفتار پدرش در مورد استفاده او از لوازم آرایش بود. او مثل هر دختر دیگری که وارد سن بلوغ و نوجوانی می‌شه و خود را می‌شناسه، دوست داشت این اسباب و وسایل را بخره و مصرف کنه. مثلاً لاک به ناخن‌هایش بزنه، ریمل به مژه‌هایش بزنه یا بدلیجات به خود بپاویزه و از این قبیل، اما پدرش نه تنها شرایط سنی او را درک نمی‌کرد و اجازه نمی‌داد او بحران نوجوانی و شرایطی که این دوران می‌طلبه را به خوبی بگذرانند، بلکه او را از خرید آنها محروم می‌کرد و اگر موردی از این لوازم در خانه، کیف یا کمد او می‌دید با خشونت آنها را می‌شکست یا از بین می‌برد و او را به خاطر

زبون و رفتاری باید با او کنار بیام؟ زن که تا به حال با خونسردی به صحبت‌های مرد گوش داده بود، به آرامی در صندلی خود جابه‌جا و نظرش به ادامه گفته‌های مرد جلب شد:

- ما چهار ساله که ازدواج کردیم. او زن خوبی بود. زن زندگی بود. البته الان هم هست. الان هم من اوتو دوست دارم و نمی‌خوام از دستش بدم. اما چند ماهی است هر شب که به خانه برمی‌گردم، در گوشه و کنار خانه، توی کشوها یا توی کمد لباس‌ها، لوازم کوچک و جدیدی می‌بینم که آن روز از مغازه‌ای یا فروشگاه‌ای دزدیده و به خانه آورده. خانم کامیاب! آخه او اصلاً آرایش نمی‌کنه، اصلاً اهل این کارها نیست. شما دوست چندین ساله او هستید. شاید بتوانید به من کمک کنید.

خانم کامیاب احساس همدردی خود را در نگاهش ریخت و با کلمات به مخاطب خود عرضه کرد:

- آقای نادری من خوب شما را درک می‌کنم. زندگی با او و روشی که در پیش گرفته خیلی مشکل است. اما فکر می‌کنم شما دارید یک طرفه قضاوت می‌کنید. شما فکر نمی‌کنید شاید او خودش هم از این کار در عذاب باشد و ...

- آخه خانم کامیاب، اگر خودش

مرد نگاه خود را از روی فنجان چایی که در مقابلش بود برداشت و به زن دوخت و در حالی که بسیار عصبی به نظر می‌رسید گفت:

- آخه خانم کامیاب، من دیگه خسته شدم، نمی‌دونم دیگه چکار باید بکنم تا او دست از این کارش برداره، من اونو از مال دنیا بی‌نیاز کرده‌ام. او هیچی تو زندگی کم نداره. آخه چرا باید دست به این کار بزنه؟ من روزانه پول زیادی در اختیارش می‌گذارم و یادآوری می‌کنم بره و هر چی دلش می‌خواهد از لوازم آرایشی ارزان قیمت گرفته تا آن لوازم گران قیمت که هر زنی توانایی خرید اونا را نداره بخره، اما اون با پولی که در اختیارش می‌گذارم، به جای خرید این لوازم، آنها را از مغازه‌ها و فروشگاه‌ها می‌دزده و به خانه می‌آره و توی کیف یا کمدش پنهان می‌کنه. آخه این چه مرضی است که او داره؟ با وجودی که من او را در استفاده از این لوازم آرایشی و بهداشتی آزاد می‌گذارم اما او آنها را مصرف نمی‌کنه. او ایشل من خیال می‌کردم او زن متعهد و مقیدی است که احتیاجی به این اسباب نداره و آراستگی و زیبایی زن را در استفاده از این گونه مواد نمی‌بینه. اما اون با این کاراش، با این دزدی‌هاش، حسابی مرا داغون و پریشان کرده. دیگه نمی‌دونم با چه

نگهداری از آنها تویخ می‌کرد.

- خوب خانم کامیاب، من حرف‌های شما را قبول دارم اما دیگر سنین نوجوانی مینا گذشته، حالا که او سدی برای استفاده از لوازم آرایشی و بهداشتی ندارد و تازه پول کافی هم برای خرید اونا در اختیار داره، چرا مثل زن‌های دیگه به مغازه نمی‌ره و درخواست نمی‌کنه؟ چرا اونا رو کش می‌ره و دور از چشم من و خودش پنهان می‌کنه؟ چرا اونا رو مصرف نمی‌کنه؟

- جواب شما هم دقیقاً در همون حرف‌هایی است که من چند لحظه پیش در مورد مینا و پدرش زدم. حول و حوش ۱۲، ۱۳ سالگی نوجوانی شروع می‌شه و فرد وارد یک بحران می‌شه که اگر اطرافیان از جمله خانواده، مدرسه و ... با او مدارا نکنند و اجازه ندهند این بحران به خوبی طی شود، فرد در آن مرحله تثبیت می‌شه و آن عامل بخصوص برای او به شکل عقده‌ای می‌شه که تا بزرگسالی همراه او می‌ماند و تازه در بزرگسالی به شکل دیگری که مثلاً در مورد مینا، دزدیدن لوازم آرایش است، جلوه می‌کند.

بینم آقای نادری تا به حال شده که شما از او پرسید چرا اشیاء را می‌دزده یا اینکه خواهش کنید دست از این رفتارش برداره؟

- چرا، تا به حال چندین بار از او در مورد این کارش پرسیده‌ام ولی در جواب یا سر خود را پایین می‌اندازه و مانند شاگردی که نمی‌توانه به سوال‌های معلم جواب دهد شرمسار می‌شه یا این که می‌گه: «نمی‌دانم، باور کن نمی‌دانم چرا؟ دست خودم نیست.» یا این که قول می‌ده دیگه این کار رو انجام نده، اما باز شب بعد، یکی از این لوازم را که در جایی از خانه پنهان کرده پیدا می‌کنم. نمی‌دانم چکار باید بکنم؟ زندگی‌م داره نابود می‌شه. هر روز و شب در خانه ما دعواست، به خاطر این کارش، به خاطر دزدیدن اشیاء از مغازه‌ها و به خاطر

پنهان کاری‌اش. می‌دانید چیه؟ تازگی‌ها به فکر طلاق افتاده‌ام. آخه گذشته از این حرف‌ها آبروریزی هم می‌شه. متأسفانه آقای نادری من در آن حد نیستم که بتوانم برای معالجه او به شما کمک کنم. فقط همین که او را درک کنید و به او به چشم یک بیماری که کترلی روی رفتار خرد ندارد، نگاه کنید کمک زیادی به او کرده‌اید. اما برای معالجه و درمان او، توصیه می‌کنم با یک روانکاو و یا یک روانشناس مشورت کنید. من مطمئنم که او می‌تواند به شما و شناخت این بیماری و درمان آن کمک کند...

نگاه روانشناسانه

ویژگی اساسی جنون دزدی یا کلپتومانی (kleptomania)، ناتوانی مکرری است که فرد برای مقاومت در مقابل دزدیدن اشیاء دارد. جالب است بدانیم که این اشیاء برای مصرف شخصی نیست و فرد نیازی به آنها ندارد. اشیاء دزدیده شده یا به طور پنهانی بازگردانده می‌شوند یا به دور انداخته شده و یا در خفا نگهداری می‌شوند.

مبتلایان به جنون دزدی معمولاً توانایی خرید آنچه را که می‌دزدند دارند. بلافاصله قبل از ارتکاب دزدی، احساس تنش زیادی به فرد دست می‌دهد و به هنگام ارتکاب این عمل، فرد احساس لذت، رضایت یا رهایی از تنش می‌کند. اما گاه ممکن است این عمل با احساس گناه، پشیمانی یا افسردگی همراه باشد.

باید دانست که این گونه دزدی از قبل طرح ریزی شده نیست و دست دیگر افراد در آن دخیل نمی‌باشد. این مبتلایان همیشه به احتمال گرفتار شدن خود نمی‌اندیشند، هر چند ممکن است پس از ارتکاب عمل، احساس اضطراب و یا گناه نمایند، احساس خشم یا کینه به آنها دست نمی‌دهد. اکثر بیماران از خرده‌فروشی‌ها دزدی می‌کنند، اما ممکن است از اشیاء و لوازم اعضای خانواده

خود نیز بدزدند.

شدت و شکل شیوع این جنون معلوم نیست. به نظر می‌رسد که جنون دزدی بین زنان شایع‌تر از مردان است. طبق تحقیقات کمتر از ۵ درصد دستگیر شدگان به جرم دزدی از فروشگاه‌ها، مبتلا به این بیماری هستند.

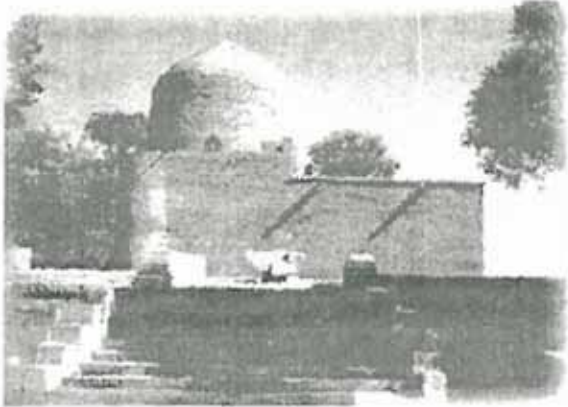
طبق تحقیقات کمتر از ۵ درصد دستگیر شدگان به جرم دزدی از فروشگاه‌ها، مبتلا به این بیماری هستند

برای تشخیص بیماری سرقت، همیشه باید دزدی در پی ناتوانی برای مقاومت در مقابل عمل دزدی روی داده، به علاوه اشیاء دزدی شده فاقد نفع و ارزش مادی مهم باشند. این جنون ممکن است در دوران کودکی شروع شود، هر چند کودکانی که دست به دزدی می‌زنند لزوماً به بالغین مبتلا به جنون دزدی تبدیل نمی‌گردند.

تعداد کسانی که خود در پی درمان برمی‌آیند محدود است. غالباً این بیماری بر شغل و فعالیت اجتماعی شخص تأثیری نداشته و اختلال ایجاد نمی‌کند.

به علت نادر بودن این بیماری، گزارش‌های درمان محدود به موارد انفرادی یا سری کوچکی از موارد است. روان درمانی و روانکاو در مورد این بیماران، مفید گزارش شده‌اند. اما موفقیت این اشخاص بستگی به انگیزه آنها دارد. کسانی که بعد از عمل دزدی احساس گناه و شرم می‌کنند احتمال بیشتری دارد که با روان درمانی همراه با پیش، درمان گردند.

رفتار درمانی درمان زناشویی (حتی در مواردی که انگیزه‌ای وجود نداشته باشد) و ترکیبی از این روش‌ها مفید گزارش شده‌اند. دارو درمانی نیز با موفقیت روی آورده است. داروهایی از جمله فلوکزتین به نظر می‌رسد در برخی از بیماران به جنون دزدی موثر واقع گردند. ■



به یاد جوانی و زادگاهم

اکباتان (همدان)

عبداله طالع همدانی

نداسته خزان کردم بهار زندگانی را
مگر در خواب بینم بار دیگر نوجوانی را
مگر در خواب بینم بار دیگر نوجوانی را
چنان دلبسته دارم که عاشق یار جانی را
به خاطر آورم چون خاطرات آشیانی را
چه چاره می‌توان کردن بلای آسمانی را
ز بعد این دو دانستم کنون قدر شبانی را
برد زشتی پایم جلوه پر گسترانی را
خدایا با که گویم درد بی درمان جانی را؟
که چون تو بی زبان داند، زبان بی زبانی را

به غفلت دادم از کف رایگان نقد جوانی را
ز بام زندگی آوخ! پرید آن مرغ زرین پر
کُشد اینک مرا درد پشیمانی که از غفلت
هوای شهر اکباتان نسیم دامن الوند
به یاد آشیانم بردم از دیده فشانم خون
مرا ترکِ دیار خود بلای آسمانی بود
به طفلی سایه مهر پدر مادر شبانم بود
منم طاووس رنگین پر که در حین خود آرایشی
به جانم آتشی افکنده درد بی کسی فریاد
کسی آگه شود از شور و سوز این غزل «طالع»

گفته

حکیمان

- ❖ اگر بر خود مسلط باشیم، فرمانروای سرنوشت خود هستیم. (کلینگر)
- ❖ کسی که بدون فکر، حرف می‌زند، صیادی را می‌ماند که بدون نشانه‌گیری تیر خالی کند. (فلسکیو)
- ❖ دانش بی اندیشه دام است و اندیشه بی دانش، بلا. (حکمت هندو)
- ❖ برای این که بزرگ و پر ارزش شوید، باید هنگامی که اشک‌های شما می‌خواهد بریزد، تبسم کنید. (بونارلو)

خواب

آ. پرویز نی داوود

«بیدار نمی‌شدم من ای کاش»
«آن شب که تو را به خواب دیدم»
دو نرگس پاک نیمه خفته
اندر قدح شراب دیدم
ابرو، زده طارم به سر چشم
در نیمه شب، شباب دیدم
اندام چو شیرینی، همه مرمز
فرهاد شدم، عذاب دیدم
چرخ زدی و موی پریشان
چون روز سیه، بر آب دیدم
چونان «نی داوود» سرودم
وقتی که تو را به خواب دیدم
«بیدار نمی‌شدم من ای کاش»
«آن شب که تو را به خواب دیدم»



شعبان شهری شاعر معاصر کلیمی

فریبا صوفزاده

شادروان شعبان شهری در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در شهرستان بابل، یکی از شهرهای سرسبز مازندران در یک خانواده متدین کلیمی به دنیا آمد. او دوران تحصیل خود را در بابل و سپس در تهران سپری کرد. در ۱۲ سالگی پدر خود را از دست داد و مسئولیت مادر و برادر و دو خواهر کوچکتر را به عهده گرفت. او روزها کار می‌کرد و شب‌ها نیز به تحصیل و آموختن می‌پرداخت.

دوران خدمت را در نیروی هوایی طی کرد. در ۲۷ سالگی ازدواج کرد. و به تجارت در شهرستان ساری مشغول شد. ۴۰ ساله بود که با خانواده، مجدداً به تهران برگشت و زندگی دوباره‌ای را در این شهر شروع کرد. او اخلاق بسیار لطیف و خوشی داشت، در دوستی پیش قدم می‌شد، مهمان‌نواز و درویش بود نسبت به دردمندان و بی‌بضاعت‌ها احساس خاصی داشت و از هیچگونه حمایتی از آنان دریغ نمی‌کرد. شعبان شهری بر این گفته تلمود تاکید داشت که دنیا را بر سه چیز استوار می‌داند: دانش، الهی تورات، عبادت خداوند یکتا و اعمال نیک و خیر و احسان مردم نسبت به یکدیگر. بدین مناسبت این قطعه را نوشت:

شب و روز خیر خواه و درویش باش	نه در فکر آسایش خویش باش
چو خواهی بکامت بگردد سپهر	نگهدار بیمار دل ریش باش
همیشه بکامت نگردد سپهر	به فکر ره آخرت خویش باش
نگهدار طفلان درمانده شو	بشو نوش، نه پی در پی نیش باش
چو امروز بازوی خدمت تراست	به نیکو عمل از همه پیش باش
چو «شهری» تن و جان به خدمت سپار	به فرمان حق باش و درویش باش

شهری از خصوصیات والای انسانی خاصی برخوردار و فروتن و متواضع بود. نقش بسیار فعال در امور اجتماعی و فرهنگی و همچنین امور خیریه داشت. کلامش با غرور و نفوذ بود و به دل می‌نشست. با شنیدن بیانش در خود شور و شوقی احساس می‌نمود و خیره به کلامش می‌ماند. کلامش خالص، صادقانه و با صفا بود. از این رو از محبوبیت و احترام خاصی در میان همکیشان و جامعه خود برخوردار بود. همیشه بیقرار بود، بیان را کافی نمی‌دانست و تا آنچه که بر کلام آورده بود بر کاغذ نمی‌آورد، آرام نمی‌گشت. رباعی، دوبیتی، مثنوی و قطعه و غزل را به خوبی می‌شناخت. مطالعات بسیار درباره شعرا، بخصوص مولانا داشت و برای این شخصیت ارزش بسیار، قایل بود. با ایمان و توکل به خداوند، ترجمه و تنظیم قسمت‌هایی از نوشته‌های مذهبی را شروع کرد و مناجات را به اشعار درآورد.

«پاتج الیاهو» و «تغیلت حنا» را با صدای یعقوب بنفشه به روی نوار کاست درآورد و درآمد حاصل از آن را صرف خانه سالمندان کرد. این نوار سال‌هاست که تکثیر می‌شود.

شعبان شهری در سال ۱۳۷۰ در تهران بدرود حیات گفت. همسرش خانم آغا کهن و فرزندان فرزام، فرزین، فرزاد، فرزانه و هرصل هستند. یادش گرامی ...

گل هوس

و جام توبه

ثریا صالح

در انتظار شقایق

گل هوس روئید

در امتداد دقایق

دل هوس پوسید

بنفشه نجواکنان

به گوش نرگس گفت

به زیر پای هوس بین

که چون علف روئید

هوس ز طعنه گل‌های دیگر باغ

برون شد و از شرم جامه‌ای پوشید

برفت هرچه هوی بود

از سرش بیرون

بگفت پیش همه از ندانم گوئید

مرا برید به جایگاه متقیان

حلال کنید و به آب زمزم شوئید

گرفت گوشه عزلت

درون یک مسجد

سرش نهاد به محراب و

درگهش بوسید

نظاره کرد «ثریا»

از آسمان و بدید

به دست گرفته جام توبه

و نوشید

حضرت داوود

(ادامه از صفحه ۱۳)

او سرزمین مقدس را به ۱۲ منطقه سیاسی-اداری که لزوماً منطبق بر تقسیمات قبیله‌ای نبود، تقسیم کرد. او همچنین دادگاه دولتی و مدیریت مالی شهرها، ارتش و امور دینی را تشکیل داد و یک سیستم جمع‌آوری مالیات را بنا نهاد.

داوید، صندوق عهد را به اورشلیم منتقل کرد (شموئل ۲ فصل ۳). او مقدمات ساخت معبد بیت‌المقدس را آماده کرد و حتی شرایط انجام مراسم آن را نیز تدارک دید و کاهن بزرگ (کهن گادول) را برای نظارت بر کار سایر کاهنین و لایوان منصوب کرد.

«صادوق» و «احی ملخ» از کاهنان اعظم بودند. تا آن زمان لوی‌ها که در تمام سرزمین متفرق بودند در خدمت اجرای آیین دینی بودند.

داوید، اولین بار پس از دوران رهبری حضرت موسی، به سرشماری رسمی قوم به منظور محاسبات تامین سرباز و اخذ مالیات پرداخت.

کتاب مقدس بیش از سایر پادشاهان بنی‌اسرائیل، به شرح و تفصیل زندگی حضرت داوید از زوایای مختلف پرداخته است. داوید از یک سو به عنوان حاکم مقتدر-که گاه دچار ضعف نیز می‌شود- یک سیاستمدار، سردار جنگی و یک مدیر موفق مطرح می‌شود، و از سوی دیگر به عنوان سمبل یک عشق و ایمان مذهبی که در صورتهای مختلف زندگی، از شاعر و سراینده دعاها گرفته تا یک رهبر و قاضی، نمایانگر می‌شود.

شرح حال و حوادث زندگی حضرت داوود از جلد اول کتاب شموئل شروع می‌شود و در جلد اول پادشاهان

فصل دوم پایان می‌یابد. علاوه بر این جزئیات حوادث زندگی او در نوشته‌های محافل مختلف انبیا و کاهن‌ها تشریح شده است.



تهیلیم (مزامیر یا زبور داوود)

حضرت داوود در میان یهودیان و غیریهودیان، با کتاب تهیلیم شناخته می‌شود. این کتاب دارای ۱۵۰ فصل و بیشتر آنها از نبوتهای داوید (حضرت داوود) است. وی در این کتاب، دلبستگی خود را به خدا، ای یکتا نشان می‌دهد. مضامین «تهیلیم» بهترین وسیله ایجاد ارتباط معنوی بین انسان و خداست. به همین سبب در نمازها و دعاها یهودیان، فصولی از مزامیر داوید یا تهیلیم گنجانده شده که در میان کتابهای مقدس یهود پس از تورات، بیشتر از کتب دیگر مورد مطالعه و علاقه مردم است.

«خدا را همیشه در مقابل خود قرار می‌دهم»، این یکی از گفتارهای داوید است که به نخستین اصل ایمانی یهودیت مبنی بر حضور و نظارت خدا، اووند متعال در هر زمان و مکان اشاره دارد. تهیلیم تفاوت بارزی با دیگر کتب نبوی یهودیان دارد. در نوشتار انبیا، این خدا، اووند است که به وساطت پیامبرانش با انسانها سخن می‌گوید؛ ولی در مزامیر، این انسانها هستند که به صورت فردی یا جمعی با

خدا، سخن می‌گویند. گاه با نماز و استغاثه و گاهی با شکرانه و ستایش. یکی از اندیشمندان می‌گوید: «مزامیر، آینه‌هایی هستند که حتی کوچکترین تأثیرات وارد آمده بر نفس را همچون نگرانی، شادمانی، ترس، شک، امید، یاس، رنج و سرگردانی منعکس می‌سازند».

مزامیر حضرت داوید از چنان تنوع بیانی برخوردار است که هر نیاز و خواسته‌ای را برآورده می‌سازد.

شاید به سبب همین ویژگی است که در ایام قدیم، «لاویان» که از نسل «لوی» یکی از فرزندان حضرت یعقوب بودند و خداوند مسوولیت تشریفات معبد مقدس را به آنان محول نموده بود، بسیاری از مزامیر را همراه مراسم قربانی در خانه خدا، با آهنگ و نواهای متنوع موسیقی می‌سراییدند. نحوه سرودها تعیین‌کننده نوع سازهای موسیقی و آهنگ مناسب آن سرود ویژه بود. زیرا یک شعر نیایشی، با سرود تسبیحی یا شعر مرثیه‌ای متفاوت است. البته با وجود پژوهش‌های بسیار، ماهیت ابزار موسیقی یا آهنگ‌هایی که در آغاز مزامیر آمده‌اند، به گونه‌ای درست، روشن نشده است.

هارامبام (موسی بن میمون) در شرح مراتب نبوت به درجه‌ای اشاره می‌کند که انسان در بیداری احساس می‌کند حالتی در او پدید آمده و نیرویی وی را به گفتن و می‌دارد تا سخنان لطیف، حکمت‌آمیز، ستایشگرانه، نصایح مفید و حتی مطالب اجتماعی یا الهیات و عرفانی بر زبان راند. او این فیض عقلانی را که خدا، اووند نازل کرده است، «روح هقودش» (روح قدسی) نامیده و می‌گوید که «تهیلیم» حضرت داوید از جمله کتابهایی است که با درجه «روح هقودش» نوشته شده‌اند و به همین دلیل، این کتاب جزو «کتوبیم»؛

شجره نامه
حضرت داوود



(لقب سام فرزند حضرت نوح) - حضرت ابراهیم - حضرت موسی - هیمان - یدوتون - آصاف و فرزندان قُورح (قارون).

نیز گفته شده است که حضرت داوود تا نیمه شب تورات تحصیل می کرد و بعد از آن مزامیر می نوشت و استناد آنها به این آیه است که می گوید: «هرگز مرا در نیمه شب خفته نیافت».

بعضی از مشاهیر و از جمله ولتر داستان کشمکش های شائول و داوود را نوشته اند. هانری هن و لاورنس نیز کتاب هایی درباره حضرت داوود منتشر نموده اند.

علاوه بر آن نمایشنامه هایی در مورد حضرت داوود تدوین شده است.

موضوع پیروز شدن حضرت داوود بر «گلیات» نقاشی های متعددی را به هنرمندان دنیا الهام نموده است. از آن جمله می توان به «تیتیان» و «پوسن» و «رامبراند» و «شاگال» اشاره نمود. تعدادی از موسیقی دان ها نیز از زندگی حضرت داوود الهام گرفته و قطعاتی ساخته اند.

مقبره داوید

طبق آیات کتاب مقدس، «داوود، در شهر داوید، دفن شده» که مقبره او در اورشلیم قرار دارد، اما محل دقیق آن پس از دوران نجمیای نبی، به علت ویرانی های متعدد، فراموش شد. از میان نقل قول های گوناگون، «کوه صیون»، به عنوان مقبره داوید بنا بر سستی هزار ساله، مورد قبول یهودیان، مسیحیان و مسلمانان قرار دارد.

یهودیان شرقی، در سه عید بزرگ، به ویژه شاوووعوت که سالروز رحلت آن حضرت است، مراسمی را در این مکان برگزار می کنند.

یعنی، «مکتوبات با الهام نوشته شده» و در مجموعه سه گانه تنخ (کتب مقدس یهود) جای گرفته است. درباره همین نوع الهام است که حضرت داوید می فرماید: «کلام او بر زبانم جاری است».

مزامیر حضرت داوید، همچون هر اثر نبوی که سرچشمه از دریای بی کران وحی دارد به یک زمان، مکان و موضوع خاصی محدود نمی شود، بلکه برای همه زمان ها و نسل هاست. هر میزموری می تواند همراه با پیام آموزنده، ابعاد گوناگون و رموزی نهفته در خود داشته و به موضوع های مختلف در زمانهای متفاوت اشاره کند. چنانکه حضرت داوید، مزامیری به نام «هلیل بزرگ» را در وصف و ستایش خداوند و به سبب معجزات زمان خروج بنی اسرائیل از مصر در زمان قدیم و مددهای الهی به موحدان در دوران خود می سراید. بعدها «حزقیّا» یکی از پادشاهان یهودا به دلیل عظمت شکست سپاهیان «سنخریو» (آشور) و رهایی قومش، همین مزامیر نبوی را با نگاه و برداشتی دیگر درباره شگفتیهای زمان خودش سروده و بازگو می کند.

در نوشتار انبیا، این

خداوند است که به

وساطت پیامبرانش با

انسانها سخن می گوید؛

ولی در مزامیر، این

انسانها هستند که به

صورت فردی یا جمعی

با خدا سخن می گویند

عده ای از دانشمندان یهود گفته اند که حضرت داوود در کتاب مزامیر، اشعاری که ده نفر از بزرگان قوم سروده بودند را نیز در آن گنجانید. این بزرگان را چنین نام برده اند: حضرت آدم - ملکی صلیق

آمدهایم...

مأمیار کهن باش



نوعی با
سرنوشت
جامعه، کشور
و با
هموطنانش در
ارتباط هستند،
نمی‌گذرد.
وقایع
۱۶ آذر ۱۳۳۲

۱- واژه «دانشجو» در فرهنگ عامه به شخصی اطلاق می‌گردد که در یکی از مراکز آموزش عالی مشغول به تحصیل باشد. اما فارغ از معانی که برای لفظ «دانشجو» در لغتنامه‌ها نگارش شده، استنباط و ادراک افکار عمومی از این واژه، فراتر از یک صفت فاعلی است. «دانشجو» -علی‌الخصوص در جهان امروز- و بخصوص در محافل سیاسی و فرهنگی، گستره معنایی وسیعی پیدا کرده و در حد یک «روش» و «طرز تفکر» خود را ارتقا داده است. «دانشجو» در فرهنگ واژگان سیاسی و فرهنگی، نماینده اندیشه‌ای پویا و نوگراست که بر پایه‌های منطق و تعقل بنا شده؛ تفکر، پویندگی، نشاط، تحرک، منطق، روحیه تسلیم ناپذیری، و مهمتر از همه، اصرار بر تأثیرگذاری در محیط، ساختار و پایه‌های تفکر دانشجویی را شکل داده‌اند و هویت دانشجویان و تشکلهای دانشجویی وابسته به میزان تعهد و پابندی آنان به این آرمان‌هاست. همین ویژگی‌ها هستند که قشر دانشجویان را از غیر آنها متمایز کرده و افکار عمومی را بر آن داشته که دانشجویان را از زاویه‌ای خاص بنگرند و توقعات و انتظارات ویژه‌ای از آنان داشته باشند. این نوع طرز تفکر دانشجویان (و البته عملکرد آنها) سبب گشته که سران و تصمیم‌گیرندگان جوامع روی قشر دانشجو و جنبش‌های دانشجویی حساب ویژه‌ای باز کنند و آنان را به عنوان وزنه‌ای تأثیرگذار بر سرنوشت اجتماع در تصمیم‌گیری‌های خود به حساب آورند. (و یا حداقل تظاهر به این امر کنند).

۲- «انفعال ستیزی» دانشجویان را شاید بتوان مهم‌ترین و مثبت‌ترین ویژگی دانشجویان نامید. قشر دانشجو، هیچ‌گاه در قبال رخدادها و حوادث اجتماع خود- و حتی مسائل بین‌المللی- سکوت اختیار نکرده و نمی‌کند؛ و بی‌تفاوت از کنار مسائلی که به

است و همین امر هم باعث گشته که دانشجویان کلیمی، خصوصاً پس از شروع انقلاب اسلامی، به یک استراتژی مشخص در رویکرد با تحولات اجتماعی دست یابند؛ استراتژی و مواضع دانشجوی کلیمی بر دو اصل استوار است: ۱- همراه و همگام شدن با فعالیت دانشجویی ایران ۲- تلاش جهت ایفای نقش تعیین‌کننده و موثر در جامعه کلیمی. شرکت فعال دانشجویان کلیمی - دوشادوش فعالیت‌های دانشجویان هموطن خود - در صحنه‌های انقلاب، حضور شجاعانه آنان در عرصه‌های مختلف هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران و تقدیم چندین شهید در این راه، کسب رتبه‌های متعدد علمی در سطح کشور توسط دانشجویان کلیمی و چند مورد حضور آنان در المپیادهای جهانی و همچنین نقش انکارناپذیری که آنان در روشنگری و پیشرفت مادی و معنوی جامعه کلیمی داشته‌اند، همگی برگ‌هایی از کتاب افتخارات دانشجویان کلیمی ایران هستند.

۴- همراه ما شوید ... ذکر این مقدمه بدین جهت بود که دلیل و اهمیت راه‌اندازی بخش دانشجو را در نشریه «بینا» روشن کرده باشیم. قبول داریم که جای «دانشجو» در ۱۴ شماره گذشته خالی بود، ولی ردپا و نقش تأثیرگذار دانشجویان کلیمی

در دانشگاه تهران، حوادث خونین میدان «تیان‌آن‌من» چین، تجمعات و اعتراضات پی‌درپی دانشجویی در کره جنوبی و ... همگی خود گواهی محکم بر این ادعایند که دانشجو نسبت به تحولات اطراف خویش، بیش از هر قشری حساس است و در مقابل جریاناتی که بیان می‌دارند: «سر دانشجو یا به درسش باشد و یا مثل کبک زیر برف ...» ایستادگی کرده و می‌کند.

استراتژی و مواضع دانشجوی کلیمی بر دو اصل استوار است: ۱- همراه و همگام شدن با فعالیت‌های دانشجویی ایران ۲- تلاش جهت ایفای نقش تعیین‌کننده و موثر در جامعه کلیمی

۳- دانشجویان کلیمی ایرانی نیز از این روند مستثنی نبوده، و حتی مسؤولیت سنگین‌تری نسبت به سایر دانشجویان ایران بر دوش خود احساس کرده‌اند. قشر دانشجویان کلیمی ایرانی، علاوه بر وظیفه و تعهدی که به عنوان یک دانشجوی ایرانی در قبال هموطنان و سرزمین آبا و اجدادیشان دارند، خود را در قبال جامعه کلیمی ایران نیز به عنوان یک دانشجوی کلیمی مسئول می‌دانند؛ البته دانشجوی کلیمی معتقد است جامعه کلیمی ایران بخشی لاینفک و جدا ناپذیر از ملت بزرگ ایران است و منافع و مصالح جامعه کلیمی ایران، همان منافع و مصالح ملت ایران

مصاحبه با یک دانشجوی موفق کلمی

تلاش برای هدف بزرگ

مصاحبه: دالیا دانیالی - نغمه عربزاده



موفقیت این است که کسی این توفیق را داشته باشد

که همیشه به دنبال کسب موفقیت حرکت کند

خود شدم، چون در ایران فقط ورود به دانشگاه مهم است و گرفتن مدرک، و چندان کتتری بر میزان دانش و سطح علمی دانشجو وجود ندارد.

□ آیا موفقیت را در قبولی کنکور

می بینید؟

نه، موفقیت در زندگی خیلی فراتر از موفقیت در کنکور است. به نظر من موفقیت این است که کسی این توفیق را داشته باشد که همیشه به دنبال کسب موفقیت حرکت کند و این موضوع می تواند باعث ایجاد خوشبختی در انسان شود. فکر نمی کنم کسی وجود داشته باشد که بتواند بگوید من واقعا موفق هستم، چون همیشه یک هدف بزرگتری وجود دارد که خواهان رسیدن به آن است.

□ آیا اجتماع و خانواده تاثیری بر

موفقیت فرد دارد؟

مسلما تاثیر دارد. اینکه آیا مکانی مناسب برای درس خواندن در خانه وجود دارد یا نه، شرایط و جو حاکم بر خانواده چگونه باشد، آیا محیط آرام است و یا که در آن درگیری وجود دارد، این موارد بر روحیات فرد تاثیر دارد. بعلاوه شرایط جامعه از نظر سیاسی و اقتصادی تاثیر بسزایی دارد و همین طور آینده شغلی مناسب. چون اگر فرد بپند بعد از پایان مدت تحصیل موقعیت شغلی مناسبی نخواهد داشت برای ادامه تحصیل دلسرد می شود.

اگر قبول نمی شدم امکان داشت یک سال دیگر درس بخوانم و یا سعی می کردم در خارج از کشور ادامه تحصیل بدهم.

□ انگیزه شما از رفتن به دانشگاه چه بود؟

کسی که وارد دانشگاه می شود با فضای بزرگتری نسبت به مدرسه روبرو است و همین امر تاثیر مثبتی بر روحیات و اخلاق فرد می گذارد. در دانشگاه دید بازتری را می توان نسبت به اجتماع به دست آورد و این موضوع باعث رشد شخصیت انسان خواهد شد. به علاوه داشتن آینده شغلی شفاف تر نیز یکی دیگر از دلایل من برای ورود به دانشگاه بوده است.

□ به ادامه تحصیل در مقاطع

بالتر فکر می کنید؟

بستگی به شرایط دارد. شاید کمی برای تصمیم گرفتن در این باره زود باشد. ولی اگر فرصت شغلی مناسبی برایم فراهم شود، شغل را بر ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر ترجیح می دهم.

□ حالا که وارد دانشگاه شده اید،

آیا محیط دانشگاه را همان طور که انتظار داشتید، یافتید؟

محیط دانشگاه با آنچه من انتظار داشتم فاصله زیادی داشت. در دوره پیش دانشگاهی، تمام ایده آل های زندگی ام را در ورود به دانشگاه خلاصه کرده بودم ولی بعد از ورود به دانشگاه و دیدن جو حاکم بر محیط و کلاس ها و اساتید، متوجه اشتباه

اشاره: یوشا رادپرور یکی از دانشجویان موفق کلمی است که در کنکور ۱۳۷۹ موفق به کسب رتبه دو رقیمی شده و در حال حاضر در رشته مورد علاقه اش در یکی از بهترین دانشگاه های تهران در حال تحصیل است.

□ لطفا خود را معرفی کنید.

یوشا رادپرور هستم، متولد سال ۱۳۶۱ در شیراز که به خاطر کار پدرم به اصفهان منتقل شدیم. در حال حاضر در ترم سوم رشته مکانیک دانشگاه امیرکبیر تحصیل می کنم و در کنکور رتبه ۹۸ را کسب کردم.

□ آیا قبل از قبولی به چنین

رتبه ای فکر می کردید؟

من همیشه سعی می کنم در زندگی هدف بزرگی برای خود انتخاب کنم و دوست داشتم رتبه ام یک رقیمی یا دو رقیمی شود و برای رسیدن به این آرزو تلاش کردم.

□ قبل از ورود به دانشگاه رشته

مورد علاقه شما چه بود؟

به سه رشته مهندسی برق، کامپیوتر و مکانیک علاقه داشتم که با توجه به جو کاری و آینده شغلی، مهندسی مکانیک را انتخاب کردم.

□ زمانی که برای کنکور درس

می خواندید، به قبول نشدن هم فکر کرده بودید؟

تلاش من این بود که حتما قبول شوم، البته

تعداد تحصیل کرده‌ها بسیار درخشان بوده است ولی در حال حاضر این گونه نیست. پس باید سعی کنیم از لحاظ علمی سطح جامعه را بالا ببریم چون در آن صورت با مشکلاتمان عاقلانه‌تر و با دید بازتری می‌توانیم برخورد کنیم. ■

آمده‌ایم...

(ادامه از صفحه ۴۶)

در همین ۱۴ شماره واضح و مشهود است، به طوری که اکثر دست‌اندرکاران و اعضای هیئت تحریریه «بینا» را دانشجویان تشکیل می‌دهند، دانشجویانی که از این شماره «بخش دانشجوی» را راه‌اندازی کرده‌اند تا تریونی برای بیان نظرات، عقاید، چالش‌ها و مشکلات دانشجویان کلیمی باشد. «دانشجو» نه به گردانندگان آن- که همین دو صفحه، حاصل تلاش شبانه‌روزی آنان است- تعلق دارد و نه به نشریه «بینا». «دانشجو» متعلق به یکایک دانشجویان کلیمی ایرانی در سرتاسر جهان است.

به همین دلیل، بیش از آن که بر ارسال مطلب برای این دو صفحه ناقابل که به ما اختصاص یافته اصرار داشته باشیم، تاکید و پافشاریمان بر بیان نظرات و عقایدتان است. «دانشجو» را از خودتان بدانید و شرایطی را فراهم کنید تا مطالب این صفحه بیش از آن که دیدگاه گردانندگان آن باشد، دیدگاه و نظرات تمام دانشجویان کلیمی باشد. اکنون در آغاز راهی هستیم که اعتقادات و تعهداتمان ما را ملزم به پیمودن آن کرده است.

همراه ما شوید...

از تمام خوانندگان ارجمند نشریه تقاضا می‌کنیم برای صفحه دانشجوی و متناسب با آن نامی انتخاب کنند. به بهترین اسامی پیشنهادی که همراه با دلیل انتخاب آن برای صفحه دانشجوی باشند، جوایزی تعلق خواهد گرفت.

□ هیچ وقت مذهب را مانع پیشرفت خودتان دیده‌اید؟

اصلا، به شرط آن که به حالت متعصبانه با مسایل برخورد نکنیم. ما در کشور، جزء اقلیت‌ها هستیم و گاهی مجبور هستیم ارای بعضی فرائض را نادیده بگیریم، ولی هیچ وقت مذهب با کسب علم و دانش مخالف نبوده است و حتی راهکارهایی را هم در این رابطه در اختیار بشر قرار داده است که سلامت این راه را تضمین می‌کند.

□ فعالیت غیردرسی نیز دارید؟

از امکانات ورزشی دانشگاه استفاده می‌کنم و زمانی بسکتبال بازی می‌کردم و سعی می‌کنم با بیشتر نرم‌افزارهای کامپیوتری نیز آشنا شوم.

□ به عنوان یک جوان اصفهانی، لطفا در مورد محیط‌های فرهنگی و اجتماعی اصفهان توضیح دهید.

با توجه به جمعیت کم جوانان اصفهانی تا آنجا که من خبر دارم گروه منسجمی برای هدایت فعالیت‌های جوانان وجود ندارد، البته فکر می‌کنم قصد ایجاد چنین نهادهایی را دارند.

□ نظر شما در مورد چنین نهادهایی چیست؟ آیا این نهادها در جهت اعتلای فرهنگی جامعه موثر هستند؟

موفقیت یک جوان به تنهایی بسیار کم است ولی وقتی در جمع قرار می‌گیرد به تبادل نظرات و اعتقادات می‌پردازد و مسیر درست را راحت‌تر انتخاب می‌کند و از لحاظ شخصیتی و علمی نیز پیشرفت خواهد کرد.

□ با شنیدن نام دانشجوی اولین چیزی که به ذهنتان می‌رسد چیست؟

چون در حال حاضر کنکور همانند یک سد است که فقط تعداد معدودی موفق به عبور از آن می‌شوند و دانشجو توانسته است این سد را بشکند، پس فرد بلندهمتی بوده است.

□ سخن آخر؟
در گذشته، جامعه ما مخصوصا از نظر

□ در موفقیت، فرد موثرتر است یا جامعه؟

فکر می‌کنم ۷۰٪ به خود فرد بستگی داشته باشد. تا خود شخص چیزی را نخواهد، برای بدست آوردنش تلاش نخواهد کرد و می‌توان با تحمل سختی و صبر با شرایط جامعه به یک تعادل رسید و حداکثر بهره را از شرایط جامعه برد. به قول معروف: از تو حرکت از خدا برکت.

□ به عنوان یک دانشجوی کلیمی، مشکلی در دانشگاه ندارید؟

خوشبختانه تا به امروز با مشکل خاصی مواجه نشده‌ام. البته محدودیت‌هایی هم وجود دارد، مثل عضویت در شوراهای صنفی و بعضی از ارگان‌های مربوط به دانشجویان.

□ به عنوان یک دانشجوی شهرستانی، در کلان شهر تهران مشکلی ندارید؟

محیط تهران نسبت به اصفهان خیلی بازتر است. ماه اول خیلی مشکل بود. دوری از خانواده مشکلات عاطفی را به دنبال داشت. به علاوه اولین بار بود که به طور کامل از خانواده جدا می‌شدم. این موضوع آسان نبود ولی بعد از مدتی به شرایط عادت کردم.

□ با توجه به روند فعلی کاهش دانشجویان کلیمی، شما علت را در چه می‌بینید؟

فکر می‌کنم بزرگترین علت، مهاجرت و کاهش جمعیت کلیمیان در ایران باشد و شاید علت دیگر این باشد که بعد از فارغ‌التحصیلی، برای استخدام، مسئله گزینش وجود دارد. به همین خاطر جوان‌ها ترجیح می‌دهند وقت و هزینه خود را در طرق دیگری بکار گیرند.

هیچ وقت مذهب با کسب علم و دانش مخالف نبوده است و حتی راهکارهایی را هم در این رابطه در اختیار بشر قرار داده است که سلامت این راه را تضمین می‌کند

خاطرات یک کشیش از مدرسه یهودی

ترجمه: عزیز تاجفام



یک کشیش نیروی هوایی که اخیراً به مقام ریاست نیروی هوایی انگلیس نایل شده است، در مدرسه یهودی King David (حضرت داوود پادشاه) در شهر لیورپول انگلیس آموزش دیده است.

پدری رن هسکیت Padre Ron Hasketh، ۵۴ ساله یکی از معدود دانش آموزان غیر یهودی این مدرسه در آن زمان بود. او می‌گوید علت ثبت نام من در این مدرسه نزدیکی آن به محل سکونت ما و سطح آموزش در این مدرسه بود.

یکی دیگر از ویژگی‌های این مدرسه بوجود آمدن قدرت تحمل دیگران در من است.

او اضافه می‌کند، متولد شهر گلاستر Gloucester انگلیس است، در آلمان، قبرس و هلند خدمت کرده و مدرسه کینگ دیوید بینش وسیعی را نسبت به یهودیان در وی ایجاد کرده است.

وی ضمن یادآوری قوانین پرهیز غذایی یهودیان طی ساعات حضور در مدرسه، اشاره می‌کند: «مدتی طول کشید تا بتوانم مانند یهودیان عادت کنم شیرینی که در آن شیر پکارت رفته را بلافاصله بعد از خوردن گوشت، استفاده نکنم.» نکته جالب دیگر این که او هم از تعطیلات یهودیان و هم از تعطیلات مسیحیان برخوردار بود. پدری هسکیت به هنگام مرور وقایع گذشته، بر این نکته تأکید دارد که تحصیل او در این مدرسه بر موفقیت او در این مقام تأثیر داشته است.

او اظهار می‌دارد که تمایلی شدیدی در بین یهودیان رواج داشت مبنی بر این که حتماً بهتر از پدرانشان باشند و این نکته‌ای بود که باعث فعالیت بیشتر من می‌شد.

(مقتله نامه Jewish Chronicle، اکتبر ۲۰۰۱)

روزنامه کیهان نمی‌تواند این واقعیت را بپذیرد که در هر حال یک ایرانی غیر مسلمان نیز می‌تواند نماینده ایران باشد و انتخاب یک غیر مسلمان نه تنها توهین به خیل عظیم دانشجویان کشورمان اعم از مسلمان و مسیحی و زرتشتی و یهودی نیست، بلکه از جهاتی نیز قابل ستایش است و نشان از دارا بودن حقوق یکسان دارد، که ای کاش این مورد را می‌توانست کیهان بپذیرد.

در هر حال آنچه را «کیهان» به عنوان «خبر» در شماره ۱۹ مهرماه خود آورده بود، سلیقه‌ای فردی محسوب کرده از آن گذشتیم. اما جواب گفتن به جوابیه وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری از سوی «کیهان» متأسفانه به ما نشان داد که ما در خطا بوده‌ایم. لذا باید بگوییم آنچه کیهان در هر دو شماره خود به آنها پرداخته در خور جایگاه آن نیست و ای کاش روزنامه وزین کیهان لااقل بعد از چاپ جوابیه وزارت علوم، سکوت اختیار می‌کرد، که خطایش نیز از سوی اقلیت‌های مذهبی به فراموشی سپرده شود.

امید آن که از این پس چنین مسایلی تکرار نشود. چرا که یک ایرانی، جدای از وابستگی دینی و قومی، ایرانی است و خواهان عظمت و اعتلای ایران.

کیهان در شماره ۱۹ مهرماه خود می‌نویسد: «گویا برجستگی ویژه‌ای که موجب انتخاب این دانشجوی به عنوان نماینده جوانان ایران شده، آشنایی وی با برخی آلات موسیقی است.»

و اما در پاسخ کیهان به جوابیه وزارت علوم چنین آمده است: «ضمن تأکید مجدد بر احترام به شخصیت این دانشجوی هموطن، پرسش ما این است که آیا انتخاب یک دانشجوی اقلیت مذهبی به نمایندگی از میلیون‌ها دانشجوی مسلمان ایرانی نوعی اهانت به اکثریت مسلمانان نیست؟»

همکاران محترم روزنامه کیهان، از برخوردهای این چنینی بر حذر باشیم، که جز ترویج عدم اعتماد چیزی در آن نیست. به یاد داشته باشیم دوران پرتلاطم انقلاب و دفاع مقدس را که چه‌سان همه ایرانیان به دور از تعلقات دینی و قومی، هم دل و هم صدا دست در دست در راه سرافرازی کشور تلاش کردند و چه بسیار عزیزانی که در این راه جان باختند و خون خویش را به پای درختی عظیم ریختند که ایران نام داشت. و از خاطر نبریم که آن درخت عزیز برای بارور شدن خویش، همه جانبازانش را به یکسان پذیرفت و شهید نامید.

پس حرمت ایران و ایرانی را پاس داریم که جز این سزاوار نیست.

ما فرزندان ایرانیما

ماهنامه آراکس - دیماه ۱۳۸۰

آیا انتخاب یک دانشجوی ارمنی ایرانی به عنوان نماینده دانشجویان ایران توهین به دیگر دانشجویان کشور است؟

روزنامه کثیرالانتشار «کیهان» در شماره ۱۹ مهرماه خود طی خبری تحت عنوان «دانشجوی مسیحی، نماینده جوانان مسلمان ایران در اجلاس یونسکو شد!» خبر از انتخاب آقای «الیس مسیحی» دانشجوی ارمنی دوره دکترای مهندسی صنایع را به عنوان نماینده دانشجویان ایران برای حضور در گردهمایی جوانان یونسکو در پاریس داده و از این انتخاب ابراز شگفتی کرده آن را اقدامی غیر قابل توجیه می‌داند.

ده روز بعد روابط عمومی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری در پاسخ به خبر فوق‌الذکر به «کیهان» جوابیه‌ای را ارسال می‌نماید، که در آن ضمن تشریح سوابق دانشجویی ارمنی و از جمله کسب رتبه اول کنکور سراسری در رشته مهندسی صنایع در سال ۶۹، کسب معدل ۱۷/۷۰ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه علم و صنعت و معدل ۱۸ در دوره دکترای صنایع در دانشگاه تربیت مدرس، تدریس دروس تخصصی رشته مهندسی، تسلط کامل به زبان انگلیسی، سرپرستی ارکستر کلاسیک دانشجویان کشور، تدوین پرگزیده‌ترین سرودهای انقلابی و ... می‌نویسد به دلیل این سوابق ارزنده و ویژگی‌های بارز اخلاقی از سوی نهادهای دانشجویی به نمایندگی انتخاب گردیده است.

روابط عمومی وزارت علوم در جوابیه خود همچنین تأکید می‌کند: «جای تعجب دارد که چرا آن روزنامه می‌خواهد در شرایط حساس کنونی با طرح مسلمان و مسیحی به مسئله‌ای که خوشبختانه در جامعه ما وجود ندارد، دامن بزند.»

و سپس یادآور می‌شود که: «از دیدگاه این وزارت، همه دانشجویان مسلمان اعم از شیعه و سنی و اقلیت‌های مذهبی بر طبق نص صریح قانون اساسی از حقوق یکسان برخوردارند و در بررسی صلاحیت‌های علمی، آموزشی و فرهنگی افراد، تعلق آنان به اقلیت‌های دینی و قومی نباید مورد توجه قرار گیرد.»

اما علیرغم توضیحات داده شده از سوی وزارت علوم و صراحت و صداقت در کلام آن،

انفعال جوانان و علل آن

طرح از طاهر ستاره‌شناس



عوامل موثر بر انفعال:

۱- مهاجرت: با توجه به روند مهاجرت افراد به خارج از کشور در طی سال‌های گذشته، تمایل جوانان به حضور در فعالیت‌های اجتماعی کمتر شده و روحیه گوشه‌گیری و انسوا بر آنان غلبه کرده یا گرایش به حضور در جامعه اکثریت نسبت به جامعه خودی بیشتر گشته است. عده‌ای از جوانان که با دوستان خود در سازمان‌ها،

گروه گزارش سازمان دانشجویان یهود ایران

مقدمه: در سال‌های اخیر علاقه و گرایش جوانان جامعه ما به حضور در عرصه‌های اجتماعی تا حدود زیادی کاهش یافته است. عواملی که این انفعال را در نسل جوان بوجود آورده‌اند تا حدودی شناخته شده‌اند اما به نظر می‌رسد علل و انگیزه‌های افراد مختلف جهت شرکت یا عدم شرکت در فعالیت‌های اجتماعی بسیار متفاوت می‌باشد. جهت شناسایی این عوامل پای صحبت تعدادی از جوانان جامعه نشستیم. این گزارش چکیده موارد مطروحه در این مصاحبه‌ها و گفتگوهاست.

تعریف انفعال: آنچه که در این گزارش انفعال نامیده می‌شود عبارتست از عدم حضور اقشار جامعه بخصوص نسل جوان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی مرتبط با جامعه کلیمیان یا به تعبیر دیگر عدم مشارکت‌پذیری در این فعالیت‌ها و عدم دخالت در سیستم‌های تبادلی جامعه.

و آن را به عنوان راهی جهت نزدیکی افراد جامعه به یکدیگر، مثبت و ارزنده تلقی می‌نمایند.

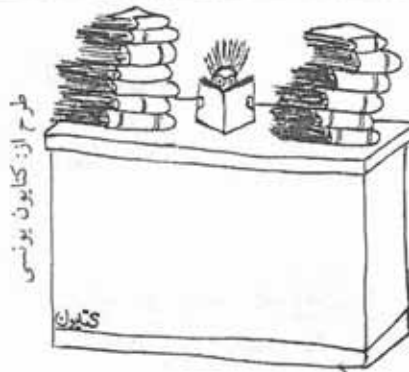
۳- نهادها و سازمانهای یهودی:

نقش این سازمان‌ها و نهادها در افزایش روحیه مشارکت‌پذیری با افزایش روحیه انفعال در جوانان بسیار با اهمیت است. سازمان‌هایی که با برگزاری برنامه‌های مختلف علمی، فرهنگی یا تفریحی علاوه بر ایجاد روابط مناسب بین جوانان، فضایی جهت رشد فکری و آگاهی جوانان فراهم می‌سازند، می‌توانند نقش مؤثری در جذب یا دفع آنان داشته باشند. تبلیغات گسترده‌تر در بین خانواده‌ها، آگاه ساختن آنان از مزایای حضور فرزندان‌شان در این سازمان‌ها، دعوت از جوانان توانا و شناسایی استعدادها و برگزاری برنامه‌های متنوع که طیف بیشتری از جوانان را جذب می‌نماید، مانند جلسات بحث و گفتگو که در آنها بتوانند نقطه‌نظرهای خود را پیرامون مسائل مختلف ارائه نمایند و با

کنیساها و دیگر اجتماعات شرکت می‌کردند پس از مهاجرت آنها خود انگیزه مشارکت را از دست داده‌اند. ضمن اینکه سرنوشت خود را نیز دیر یا زود مانند دوستان خود می‌بینند و با نوعی انزوا منتظر زمان مهاجرت خود می‌نشینند. در نهایت می‌توان گفت پدیده مهاجرت در جامعه کلیمی با دلایلی کم و بیش آشکار روحیه انفعال را در تعداد بسیار زیادی از جوانان بوجود آورده است.

۲- **تأثیر خانواده:** تشویق و ترغیب والدین جهت حضور فرزندان‌شان در اجتماعات یهودی و برنامه‌های جمعی سازمان‌ها، همچنین حضور فرزندان بزرگتر خانواده، تأثیر مثبتی در جذب جوانان دارد. این مسئله در مورد دختران بیشتر از پسران عینیت دارد. عده‌ای از جوانان می‌گویند والدینشان نظر مثبتی نسبت به حضور آنان در فعالیت‌های اجتماعی ندارند و این کارها را بی‌فایده و مانعی در جهت پیشرفت تحصیلی فرزندان خود می‌دانند. اما عده‌ای این حضور اجتماعی را راهی جهت آشنایی جوانان با یکدیگر و با فرهنگ و آداب یهودی می‌دانند

مسئولان مربوطه به تبادل نظر بپردازند، از جمله راه‌هایی است که موجب حضور بیشتر جوانان در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی خواهد شد. ضمن اینکه بروز برخی موارد از قبیل یکنواختی، رکود، و عدم مدیریت صحیح در این نهادها و بیان برخی صحبت‌های ناروا و بی‌پایه و اساس و بعضاً «شایعه‌سازی‌ها» پیرامون سازمان‌ها می‌تواند موجب رویگردانی جوانان از حضور در جمع همکیشان خود شده و آنها را به سمت جامعه اکثریت سوق دهد. علاوه بر موارد فوق گلایه برخی جوانان از سازمان‌ها (به‌خصوص آنهایی که مسئولیت اجرایی بیشتری دارند)، کم توجهی نسبت به نظرات دیگران، ایجاد محیط بسته و امثال این موارد است که موجب می‌شود افراد آگاهی چندانی از وضعیت درونی این نهادها نداشته باشند. بنابراین نتوانند یا مایل نباشند که در جمع آنها شرکت کرده و نظرات خود را بیان نمایند. در این زمینه آگاه ساختن جامعه از وضعیت، برنامه‌ها و سیاست‌های این نهادها توسط انجام سخنرانی یا تبلیغات می‌تواند باعث جلب مشارکت بیشتر افراد گردد. ■



پشت دیوار دانایی

باید اردو زد

(ما و صرف دل ما)

تنظیم: سارا حم

چند جلد کتاب قطور این طرف می‌زاش گذاشته بود و چند تا دفتر آن طرفش. کتاب‌های کمک آموزشی‌اش را هم دور خودش جمع کرده بود و با دلخوری یکی از کتاب‌های درسی‌اش را ورق می‌زد. کمی که گذشت اخم‌هایش را در هم کشید. آرام از خودش پرسید: «یعنی درست تصمیم گرفته‌ام؟ درست انتخاب کرده‌ام؟ نکنند شکست بخورم. نکنند اشتباه کرده باشم.» و بعد مثل همیشه به سراغ مادرش رفت و تندتند از اتفاقاتی که سر کلاس افتاده بود تعریف کرد، همان اتفاقاتی که او را در رفتن به مدرسه اختصاصی کلیمیان به شک انداخته بود و در آخر حرف‌هایش در حالی که غم سنگینی در صدایش بود گفت:

«می‌ترسم اشتباه کرده باشم. شاید اگر در آزمون ورودی مدرسه تیزهوشان قبول نشده بودم، این قدر تردید نمی‌کردم. می‌ترسم اگر به آن مدرسه نروم خوب درس نخوانم.»

این دل‌سردی و انفعالی که امروزه بر اثر مهاجرت و ... در جامعه وجود دارد کمابیش به مدارس نیز رسوخ کرده است

انگار صحبت‌ها، درد دل‌ها و اضطراب‌های ما نوجوان‌ها هیچ وقت تمامی ندارد. وقتی این درد دل‌ها را شنیدیم یکی از اعضای همدل و هم صحبتان گفت:

«چرا فکر می‌کنی حالا که به مدرسه اختصاصی می‌روی کمتر درس می‌خوانی؟»

و بحث از آنجا شروع شد که فهمیدیم نه تنها اکثر نوجوانان حاضر در بحث به مدارس اختصاصی کلیمیان نمی‌روند، بلکه آنها نیز چنین دل‌پره و طرز تفکری را دارند.

یکی از پسرهای فعال گروه دانش آموزان گفت: «من در مدرسه اختصاصی کلیمیان درس می‌خوانم. از این نظر خیلی هم راضی نیستم، من به اصرار پدر و مادرم در این مدرسه مانده‌ام چون فکر می‌کنم با گسترش سریع شهرها و مشکلات رفت و آمد بهتر است در مدرسه‌ای نزدیک خانه‌مان تحصیل کنم.»

یکی از تازه‌واردها گفت: «من فکر می‌کنم پدر و مادرهای ما هم به دلایل خاصی ما را در این مدارس ثبت نام کرده‌اند. آنها به بقای مدارس اختصاصی کلیمیان یعنی جوان‌ترین و مهمترین اجتماع یهودیان فکر می‌کنند. با این سیل عظیم مهاجرت، نیاز به چنین اجتماعی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. اما متأسفانه خیلی از ما دانش آموزان نسبت

آموزان جامعه‌مان که چه در مدارس اختصاصی و چه در مدارس عمومی تحصیل می‌کنند دل‌سرد هستند، این مشکل دلیل مهمی دارد. این دل‌سردی و انفعالی که امروزه بر اثر مهاجرت و ... در جامعه وجود دارد کمابیش به مدارس نیز رسوخ کرده است. برخی محصلین این نوع مدارس چون بیشتر با همکیشان خود در ارتباط هستند، بی‌انگیزه‌تر شده‌اند. برخی نیز مانند بسیاری از دانش آموزان هموطن خود تمایلی به ادامه تحصیل ندارند.»

ما دانش آموزان مدارس اختصاصی، نوعی آرامش روانی داریم که شاید در هیچ مدرسه دیگری وجود نداشته باشد

در این هنگام یکی از اعضا که تاکنون سکوت کرده بود گفت: «من فکر می‌کنم تعداد دانش آموزانی که از مدارس اختصاصی‌مان در المپیاد، و یا حتی کنکور قبول می‌شوند کم نیست اما برای جذب دانش آموزان برتر حتماً به امکانات بیشتری احتیاج هست. همچنین ما دانش آموزان مدارس اختصاصی، نوعی آرامش روانی داریم که شاید در هیچ مدرسه دیگری وجود نداشته باشد. ضمن این که نباید از یاد ببریم در همین مدارس است که فرهنگ یهودیت به ما منتقل می‌شود و تمدن یهودیان ایرانی زنده می‌ماند. هنگامی که اعیاد یهودیان در این مدارس تعطیل است، محصلان بیشتر به یهودی بودن خود پایبند می‌شوند و نباید از کنار این مزایای بی تفاوت عبور کرد.»

یکی دیگر از نوجوانان عضو گروه دانش آموزان ادامه داد: «من فکر می‌کنم تصورات منفی برخی خانواده‌ها دلیل دیگری هم دارد. بسیاری از همکیشان ما که ممکن است اصلاً هیچ دوست و آشنایی در این مدارس نداشته باشند، در هر جمعی که قرار می‌گیرند شروع به خرده‌گیری از این مدارس می‌کنند و در جامعه کوچک ما، این بدترین نوع تبلیغ منفی است. در صورتی که برای هر اظهارنظری باید معایب و مزایا را با هم در نظر گرفت. ما نباید فراموش کنیم که اگر چه محیط، مدرسه، نوع تدریس و ... مهم هستند اما شرط اول برای موفقیت، تلاش خود دانش آموز است.»

دوست دیگری گفت: «من به خاطر معلم مجبور هستم در هنرستان درس بخوانم اما قبل از آن به مدرسه اختصاصی کلیمیان می‌رفتم. آن موقع من می‌توانستم در میان عده‌ای همفکر در مورد موضوعات مشترکی چون کنیسا، اعیاد، مراسم مختلف و حتی مشکلات جامعه‌مان صحبت کنم اما حالا این ارتباط قطع شده و من از بسیاری از مسائل جامعه بی‌خبر هستم. ضمن این که کمی هم مشکل ارتباط برقرار کردن با دوستانم در مدارس عمومی را پیدا کرده‌ام.»

بحث ساعت‌ها ادامه داشت. از همه چیز صحبت شد. از مشکل رفت و آمد به مدارس، وقت گیر بودن کلاس‌های فوق‌العاده دینی جمعه‌ها و ... هنگامی که بحث خاتمه یافت همگی راه خانه را در پیش گرفتیم، در حالی که ذهنمان پر از آرزو و برنامه برای موفق و مطرح شدن بود.

گروه دانش آموزان یهود

یارگان فرهنگ یهود و تمدن

ایرانی

به آن بی توجه هستیم.» یکی از اعضای گروه که از مطرح شدن این بحث بسیار راضی به نظر می‌رسید حرف او را قطع کرد و گفت: «منی‌دانم اگر مقایسه‌ای بین دانش آموزانی که در مدارس ویژه کلیمیان درس می‌خوانند و همکلاسان آنها در دیگر مدارس انجام شود، بار علمی کدام دانش آموزان بیشتر خواهد بود، اما می‌دانم که یک احساس منفی که براساس شنیده‌هایمان به دست آمده ما را حتی از تحقیق و بررسی درباره این مدارس و این لطمه بزرگی است.»

نوجوان دیگری دستش را بالا برد و بعد از لحظه‌ای مکث گفت: «من تا پایان دوره راهنمایی در مدرسه اختصاصی بوده‌ام اما حالا که به این مدرسه نمی‌روم از نظر درسی تفاوت زیادی نکرده‌ام. فکر می‌کنم مدارس اختصاصی ما باید امکانات خاص و ویژه علمی حتی رفت و آمد رایگان و ... را در اختیار دانش آموز قرار بدهند که او جذب فلان مدرسه غیر انتفاعی یا فلان دبیرستان معروف نشود و نخبگان کلیمی برای مدارس اختصاصی خودشان، افتخار آفرین باشند.»

دوست خوبمان به نکته مهمی اشاره کرد. این روزها که بازار درس و مدرسه، کلاس درسی، معلم خصوصی و کنکور گرم است، جذب دانش آموز موفق و ممتاز به یک مدرسه دولتی عادی کمی مشکل به نظر می‌رسد. اما یکی از اعضای گروه که دانش آموز ممتازی هم هست گفت:

«شاید مدارس اختصاصی ما امکاناتی مشابه و یا گاهی کمتر از مدارس عادی داشته باشند، اما نباید از کلاس‌های کم جمعیت، شناخت دانش آموزان این مدارس و اطمینان به کادر مدارس به آسانی گذشت. گاهی کم بودن بار علمی بعضی از دانش آموزان این مدارس، به دلیل آشنایی دانش آموزان یک کلاس است. وقتی محصلین یک کلاس یا قوم و خویش هم هستند و یا رفت و آمد خانوادگی دارند، نوعی اتحاد کاذب به وجود می‌آید به طوری که گاهی مثل مدارس دیگر بی‌علاقگی این افراد بر دیگران تأثیر منفی می‌گذارد و این وظیفه دانش‌آموزان علاقمند است که انگیزه از دست رفته آنها را دوباره تقویت کنند.»

یکی از نوجوانانی که برای اولین بار در بحث‌های یارگان فرهنگ یهود و تمدن ایرانی شرکت می‌کرد گفت: «ما در صحبت‌هایمان برخی شرایط را در نظر نمی‌گیریم. اگر بعضی از دانش

جوانان افتخار آفرین ۸۰ معرفی شدند

اسامی پذیرفته شدگان
کلیمی دانشگاهها
در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰
تهران

- ۳۰- نسیم نفاس (عمران)
- ۳۱- سپیده خالپری (کامپیوتر)
- ۳۲- سپهر تابان (کشاورزی)
- ۳۳- نادر کی پور (نساجی)
- ۳۴- پونین خدادادی (هوافضا)
- ۳۵- یونا نوول (کشاورزی)
- ۳۶- پدرام مناشری (الکترونیک)
- ۳۷- دالیا گلپان مقدم (کامپیوتر)
- ۳۸- ابراهیم سروریان (عمران)
- ۳۹- مسعود آهوبیم (برق)
- ۴۰- لنا ماه گرفته (علوم آزمایشگاهی)
- ۴۱- کارولین یونسی (آمار)
- ۴۲- المیرا شمسین (زمین شناسی)
- ۴۳- سام بنیامین (کشاورزی)
- ۴۴- سپهر یعقوبزاده (معدن)
- ۴۵- فرناز هارونیان (شیمی کاربردی)
- ۴۶- الهام بنجون (علوم تجربی)
- ۴۷- سارینا بنایزدی (علوم تجربی)
- ۴۸- کارولین یادگار (کشاورزی)
- ۴۹- ربکا رخسار (کشاورزی)
- ۵۰- النا مهران نیا (زبان)
- ۵۱- بهادر میکائیل (آمار)
- ۵۲- پریسا حی (کامپیوتر)
- ۵۳- آلن عیسی خواریان (ادبیاری زبان)
- ۵۴- داوود واثق (برق)
- ۵۵- هژیر فرخی (کشاورزی)
- ۵۶- فرشید مرادیان (فوق لیسانس مدیریت)

شیراز

- ۵۷- بهاره سوری (کامپیوتر)
- ۵۸- نگین نورمند (کشاورزی)
- ۵۹- نگین کهنیم (معماری)
- ۶۰- رینا فرزین پور (آموزش زبان)
- ۶۱- ندا کهن صیون (کامپیوتر)
- ۶۲- امیر مره صدق (کامپیوتر)

اصفهان

- ۶۳- رحمت اله نهادران (بهداشت عمومی - طراحی فرش)
- ۶۴- داور نهادران (حسابداری)
- ۶۵- ایزاک صدیق پور (کشاورزی)
- ۶۶- فرزاد حکاکیان (عمران)
- ۶۷- مرجان حکاکیان (حسابداری)

- ۱- سپیده دیانیم (مدیریت بازرگانی)
- ۲- دیبا دیانی (مترجمی زبان)
- ۳- رونیتا سعید (پرستاری)
- ۴- سپیده کی پور (زیست دریا)
- ۵- ژوزف ریحانیان (مترجمی زبان)
- ۶- ژولیت یعقوبزاده (زیست-کشاورزی)
- ۷- امید شمیمان (مکانیک)
- ۸- رابین رفوا (معدن)
- ۹- کیارش باخاج (میکروبیولوژی)
- ۱۰- ایمان یادگاران (عمران)
- ۱۱- فرانک نجیبی (تغذیه-میکروبیولوژی)
- ۱۲- ویکتوریا شادی (صنایع)
- ۱۳- امید مسیح اسرائیلیان (عمران)
- ۱۴- کیوان ظهوری (الکترونیک)
- ۱۵- مهناز مرغزار (تربیت بدنی)
- ۱۶- امید محبتی مقدم (کشاورزی-سخت افزار)
- ۱۷- دالیا دانیالی (دندانپزشکی-میکروبیولوژی)
- ۱۸- دایان پرتوی (کشاورزی)
- ۱۹- دالیا شاولیان (زبان-فرانسه)
- ۲۰- بیتا ربیعزاده (علوم آزمایشگاهی)
- ۲۱- سامان کاهن (حسابداری)
- ۲۲- شراره نهورای (ریاضی کاربردی)
- ۲۳- نغمه عربزاده (شیمی)
- ۲۴- النا یعقوبیان (کامپیوتر)
- ۲۵- سارا طوطیان (کامپیوتر-زبان)
- ۲۶- شیوا میثانیل (مدیریت)
- ۲۷- نتن ال یوسیان (کامپیوتر)
- ۲۸- یورام هارونیان (کشاورزی-زمین شناسی)
- ۲۹- گلناز یروشلمی (پزشکی-دندانپزشکی)

به پاس یک سال تلاش و کوشش جوانان جامعه کلیمی که در کنکور سال ۸۰ به دانشگاه راه پیدا کرده اند، جشنی از طرف سازمان دانشجویان یهود ایران در تاریخ یکشنبه ۲۵ آذرماه برگزار شد و از آنها تقدیر به عمل آمد.

این برنامه با اجرای مراسم مذهبی جشن حنوکا توسط نتن ال یوسیان و آرزو یعقوبزاده شروع شد و در ادامه مرجان یشایایی از طرف هارون یشایایی رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان موفقیت جوانان را به آنها تبریک گفت.

سپس صنم داهی و پژمان پورفخر مجریان برنامه به معرفی افتخار آفرینان پرداختند. دانشجویان در گروه های مختلف معرفی شدند و آقایان آقاجان شادی، دکتر شاریم، دکتر عربزاده، اسحق کهن صدق، یحیی طالع، مهندس موریس معتمد نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و خانم ها حق نظیر و فرنگیس حصیدیم تقدیرنامه هایی را به رسم یادبود به آنان اهدا کردند.

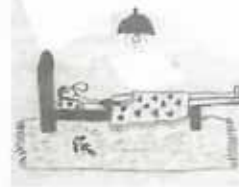
در قسمت اول برنامه گروه موسیقی سستی سازمان دانشجویان به اجرای موسیقی پرداخت و در قسمت دوم، پیمان درخشان و نیلوفر درخشان موسیقی کلاسیک را به عنوان حسن ختام برنامه اجرا کردند. در پایان، هیئت مدیره سازمان دانشجویان (امید ماخانی، نوید یمنی، ندا ماخانی، آیدا الیاسی و آنا طلاسان) از تمامی عزیزانی که ایشان را در برپایی برنامه یاری نمودند، تشکر و قدردانی کردند.

نوجوان

حرف چهارم ما :

مرفا . مرفا ماست

تنظیم از : سارا حی



بدون هیچ ترس و واژه‌ای می‌نویسم که دیگر حرف، حرف ماست. اصلا سرذیر و هیئت تفریریه چه کاره‌اند. ما مستقل هستیم، برنامه و هدف داریم. ما اصلا خودمان تصمیم می‌گیریم و عمل می‌کنیم. حتما می‌دانی چرا دیگر از قیچی بزرگ سرذیر و این حرف‌ها نمی‌ترسم. حتما تو هم خبر شورای دانش آموزی، مشاوران جوان و مجلس دانش آموزی را شنیده‌ای. (البته فکر نمی‌کنم) دانش آموزی که خودش مجلس دارد، می‌تواند فکر کند و تصمیم بگیرد که نباید از یک سرذیر و قیچی‌اش بترسد. نوجوانی که خودش می‌تواند در مدرسه همه معلم‌ها را افراج و مدرسه را برای همیشه تعطیل کند که از چاپ شدن چهار پنج تا جمله ناقابل نمی‌ترسد. دانش آموزی که خودش رای می‌دهد و خودش انتقاد می‌کند شاید اصلا بتواند یک پینای نوجوان راه بیندازد چه کسی می‌تواند جلوی او را بگیرد. (خدا رحم کند، صدای به هم خوردن قیچی می‌آید)

البته ما نوجوان‌ها خودمان بهتر می‌دانیم که کوچک‌تر از آن هستیم که بتوانیم پیشنهادی بدهیم. (مبادا فکر کنی که دست من دارد از ترس می‌لرزد، اصلا...) در مدرسه هم اگر شورای دانش آموزی پیشنهادی می‌دهد حتما باید از هم فکری‌های اولیای مضموم مدرسه کمک گرفته باشد. (برای حفظ نمره انضباط) در مجله وزین پینا هم به همین صورت است، اگر نوجوان‌ها پیشنهادی می‌دهند خودشان بهتر می‌دانند که سرذیر مضموم به علت کمبود جا، کمبود وقت، کمبود بودجه، کمبود نیروی کار و کمبود فیلی چیزهای دیگر نمی‌توانند آن را عملی کنند. (برای حفظ بخش نوجوانان)

دین ما

مهسا فرمندپور

دین ما دین حقیقت، همه کاراش روی معنا دین ما دینی که رهبرش هم کلامه با کلام‌های خدا. دین ما همش محبت همه کاراش روی نوبت همه چیزش داده حرمت، خوبی‌هاش تا بی نهایت دین ما قانون عشقه، عشق به بنده عاشق دینی که بوده اصولش روی هستی و حقایق تو که هستی یک کلیمی، یادته اون روز توی دریا ما برای عشق مشه رد شدیم از پای آب‌ها یادته اون روزی رو که همه بودیم روی سینا همه گفتیم می‌پرستیم ما خدا رو دادیم امضا یادته تو اون زمونا، برای بی‌غیر تورا میون گرما و سرما، چی کشیدن مردم ما ده تا فرمان که بیشتر نیست حرف‌های مشه و فرمان خدا را بخشش خطاهات، اون‌ها رو بکن تو اجرا دین ما از عاشقی از دانایی حرف می‌زنه از عشق مشه و علم ابراهیم حرف می‌زنه واسه قریونی اون به تک پسر یا که نابودی اون هفتا پسر فکر نکن که مردم ما نکشیدن سختی یا که دردسر اگه تو آخر کاری یا که درموندۀ راهی یا که رنج دیده‌ای و از خدات چاره می‌خواهی به خدا راحت همینه بکن توبه که خدا دلش رحیمه برو نزدیک بشو عاشق که خدا عشقش شیرینه بگو ای یار غریبون ببین هستم من بشیمون تو ببین حلقه چشمم که به عشقت شدن گریون دیگه من حرفا تو تک تک کنم اجرا زندگی رو می‌گذارم روی فرمانای تورا اگه تو اینجوری درد و دل کنی واسه خاطر به فرمون همه چیتو ول کنی اگه از روی ندامت داشته باشی تو صدراقت تو بدون با به کم همت می‌رسی تا بی نهایت دیگه اون وقت راه تو می‌شه مشخص تیرت هم خورده به هدف هدفست آسمونیه و قلبت هم به رنگ صدف

خودشان بهتر می‌دانند که اگر پشتیبانی‌های بزرگ‌ترها نباشد آنها هرگز قادر به ادامه فعالیت‌های خود نیستند و با دارد که از همه مسئولان آموزش و پرورش که طرح موفق شورای مربیان- دانش آموز را اجرا کرده‌اند کمال تشکر را داشته باشیم. همچنین از مجله وزین پینا نیز سپاسگزاریم که با وجود تمامی مشکلات ما را هدایت و حمایت می‌کنند و ... (اگر زیری سال آینده که شماره بعدی مجله پینا چاپ شد در بخش خودمان حرف بچارم ما، نداشتیم بدان که ما استقلال داریم و از سرذیر و قیچی‌اش، افراج و این چیزها اصلا نمی‌ترسیم.) ■

مقدمه‌ای بر فواید

گیاه‌خواری

ژیل کهن کبریت

بشر همواره در تلاش است که راه بهتر در سلامت زیستن را بیابد.

بحثی که آغاز خواهیم کرد تاکید یا تکذیبی بر گوشت‌خواری یا گیاه‌خواری نیست، بلکه تنها شناسایی وضع موجود می‌باشد. در حالی که تا سالیان نه چندان دور مصرف گوشت تنها جنبه تشریفاتی داشته و برای اغلب مردم در اعیاد، مناسبت‌ها، جشن‌ها (در مورد یهودیان در شب‌های شبات) تهیه طعام، با ذبح و طبخ گوشت همراه بوده است، و در روزهای عادی هفته از سبزیجات، غلات و میوه‌ها در برنامه غذایی خود بهره می‌برده‌اند.

امروزه خانواده‌ها تمایل بیشتری برای استفاده غذاهای گوشتی از خود نشان می‌دهند و متأسفانه مصرف بیش از اندازه سرانه پروتئین حیوانی برای هر نفر از حد مجاز استاندارد بین‌المللی فراتر رفته است.

در دنیای ماشینی امروز که تهیه و بدست آوردن غذا با زمان پارینه سنگی و رفتن به شکار و بدست آوردن آن تفاوت‌های عمده‌ای کرده است و پرورش دام و طیور یک حرفه و شغل و صنعت برای هر کشور قلمداد می‌شود، مصرف‌کنندگان به راحتی و به آسانی با رفتن به سوپرمارکت و محل خرید مخصوص می‌توانند مایحتاج فرآورده‌های گوشتی خود را تهیه کنند.

دانشمندان و محققان، نظرات مختلفی درباره تغذیه اولیه انسان ارایه داده‌اند. برخی بر این باورند که انسان صرفاً یک موجود گیاه‌خوار بوده و اساس و پایه را بر این اصل گذاشته‌اند که دندان‌های انسان از نظر فرم و شکل و فک، مناسب گیاه‌خواری

است. گروهی نیز این فرض را با اثبات این که گیاه‌خواری به تنهایی نمی‌تواند تمامی احتیاجات فردی یک شخص را اعم از رشد و نمو، ترمیم و ایجاد حرارت فراهم نماید، رد کرده‌اند.

این عقاید ریشه دیرینه و قدیمی دارد، به عنوان مثال در معابد بودائیان و برهمنیان یک روحانی واقعی می‌بایست از چشیدن اطعمه‌ای که از گوشت طیور و چهارپایان تهیه شده در تمام عمر دوری جوید تا به حد اعلائی تزکیه روح و نفس نائل آید و جسم و روان او از هر گونه بدی و آلودگی مبرا شود. در هند باستان افراد از خوردن گوشت چهارپایان به ویژه گاو منع شده بودند و امروزه نیز گاو برایشان یک سمبل مقدس است و گاه مرتاض‌ها تنها با غلات و بقولات خام سدجوع می‌کرده‌اند. طی این دوران، مردم به عادت‌های غذایی مختلف روی آورده‌اند که عبارتند از:

- ۱- خام‌خواری ۲- گیاه‌خواری ۳- گیاهی- لبنی‌خواری ۴- همه‌جورخواری

انسان ناگزیر از خوردن گوشت حیوانات می‌باشد، چون میوه‌ها از لحاظ اسید آمینه مخصوص (لیزین) فقیر هستند و برای این که بتوان این مقدار اسید آمینه را فقط از طریق میوه‌جات بدست آورد، مصرف روزانه ۲۵ کیلوگرم سیب یا گلابی توصیه شده است که این کاری است بس مشکل!!

یک غذای کامل، غذایی است که رفع احتیاج روزانه بدن انسان را بنماید. متخصصین علم تغذیه غذا را به هفت دسته اصلی تقسیم کرده‌اند:

۱- آب: در تمام غذاها خصوصاً سبزی‌ها، میوه‌ها وجود داشته و برای اعمال حیاتی بدن لازم و واجب است.

۲- پروتئین‌ها: در گوشت‌های مختلف (گوسفند، گاو، مرغ، ماهی) و پروتئین گیاهی (آجیل‌ها، حبوبات، غلات) یافت می‌شود. پروتئین‌ها مجموعی از دو یا چند اسیدآمینه هستند که در جای خود بطور جداگانه بررسی خواهد شد.

۳- چربی‌ها: چربی حیوانی (کره، دنبه)، چربی گیاهی (بادام، گردو، دانه‌های روغنی)



برای ایجاد حرارت و نگهداری اعضا.

۴- هیدروکربنات‌ها: یا نشاسته که در نان سیب‌زمینی، میوه‌ها و بالاخره در تمام غذاها به مقدار متفاوت وجود دارد و احتیاجات کالری و غذایی را برآورده می‌کند.

۵- ویتامین‌ها: در تمامی غذاها در انواع مختلف و به مقدار متفاوت برای کنترل و کارکرد اعمال حیاتی بدن وجود دارد.

۶- مواد معدنی: کلسیم، آهن، فسفات، پتاسیم، و ... در میوه، سبزی، شیر، ... یافت می‌شود که هرکدام نقش کلیدی خاص خود را بدن ایفا می‌کند.

۷- مواد غیر قابل هضم (سلولز): قسمت مهمی از میوه‌ها و سبزی‌ها را تشکیل داده و به دفع مزاج و در فرایند گوارش کمک می‌کند.

غذای کامل غذایی است که دارای مواد هفتگانه فوق باشد و حذف یک قسمت یا زیاد کردن آن سبب اختلالاتی در بدن می‌گردد. بطور نمونه خوردن گوشت زیاد و خودداری از مصرف میوه‌ها و سبزیجات، علاوه بر چاقی، باعث به وجود آمدن فشار خون، پیوست و نقرس می‌گردد و پیری زودرس را به همراه دارد.

انسان ناگزیر از خوردن گوشت حیوانات می‌باشد، چون میوه‌ها از لحاظ اسید آمینه مخصوص (لیزین) فقیر هستند و برای این که بتوان این مقدار اسید آمینه را فقط از طریق میوه‌جات بدست آورد، مصرف روزانه ۲۵ کیلوگرم سیب یا گلابی توصیه شده است که این کاری است بس مشکل!!

* استرس، بیماری، آسیب‌بدنی و مدت طولانی در گرما بودن، مصرف پروتئین را افزایش می‌دهد.

* پروتئین اضافی بصورت چربی در بدن ذخیره و باعث چاقی می‌شود ■

فواید چای

رویا یعقوبزاده



چای یک نوشیدنی معمولاً گرم است که سالانه میلیون‌ها تن از برگ آن به مصرف می‌رسد. برگ چای دارای ماده‌ای به نام Fle-Vonid است که از سرطان و سکته قلبی جلوگیری می‌کند. این ماده در سیب، پیاز و سیر نیز وجود دارد، با این تفاوت که چای برطرف کننده خستگی انسان و نشاط بخش نیز هست. در چای ماده دیگری به نام تئین نیز وجود دارد که ضد باکتری و ضد ویروس است. این نوشیدنی گرم هنگام سرماخوردگی، آنفولانزا، تبخال و اسهال نیز مفید است. البته نوشیدن آن زیادهایی نیز دارد مانند: ترشح اسید معده، تپش قلب، زرد شدن دندان‌ها و اگر بسیار داغ نوشیده شود به مری و حلق آسیب می‌رساند. ولی اگر به حد اعتدال نوشیده شود سیستم ایمنی و دفاعی بدن را تقویت می‌کند. چای در روده، ویتامین B تولید می‌کند که در فعالیت قلب مؤثر است. البته چای، جذب آهن بدن را کم می‌کند بنابراین توصیه می‌شود که یک ساعت قبل از غذا و دو ساعت بعد از آن هرگز چای ننوشید. زیرا در این صورت آهن موجود در غذا از بدن دفع می‌شود و فرد دچار عارضه کم‌خونی و کمبود هموگلوبین می‌شود. در تحقیقات اخیر ثابت شده است که چای سبز در جلوگیری از سرطان پروستات نیز مؤثر است. افرادی که مبتلا به زخم معده هستند هرگز نباید چای را با شکم خالی مصرف کنند و باید آن را شیرین کنند و بنوشند. باید توجه کرد که چای هنگام مصرف، تازه دم باشد و از نوشیدن چای جوشیده، کهنه و غلیظ خودداری کرد. امروزه در بسیاری از کشورها چای را با طعم‌های گوارا مانند طعم میوه‌ها و حتی همراه با یخ تهیه کرده و در اختیار دوستداران چای قرار می‌دهند ■



بدر و مایرت را احترام کن

پیری را باید در میانسالی شروع نمود. حدود ۷۵ درصد حوادث برای سالمندان در منزل و یا اطراف آن اتفاق می‌افتد. شایع‌ترین حوادث زندگی سالمندان، زمین خوردن ساده است که در وضعیت‌های زیر صورت می‌گیرد.

- خارج شدن از بستر
 - عبور از آستانه در
 - سر خوردن روی فرش
 - سر خوردن روی کف حمام یا هر سطح خیس
 - استفاده از پله‌ها، بخصوص موقع پایین آمدن
 - کم نور بودن اتاق‌ها
- پیام‌های اساسی زیر باید در مورد همه سالمندان مورد توجه قرار گیرد:
- زندگی فعال بدنی باید حفظ شود.
 - قدم زدن بهترین نوع ورزش برای سالمندان است.
 - رژیم غذایی و پرهیز از غذاهای چرب و پر نمک حائز اهمیت است.

پیری، بیماری نیست بلکه یک فرایند زیستی است که کسی نمی‌تواند از آن جلوگیری کند. با اندکی مراقبت و مواظبت می‌توان از معلولیت‌های ناشی از آن جلوگیری کرد و یا آنها را به تعویق انداخت

- خواب خوب در شب بدون استفاده از داروهای آرام بخش اهمیت دارد.
- نظافت شخصی بسیار مهم است.
- حفظ اجابت منظم مزاج و پیشگیری از یبوست.
- اجتناب از تنهایی و گوشه‌گیری.
- استفاده از مایعات بخصوص آب به مقدار کافی.
- در صورت نیاز به استفاده از دارو حتماً با پزشک مشورت شود ■

سالمندی و سلامت

دفتر آموزش و مطالعات سرای سالمندان
یهودی وابسته به انجمن کلیمیان تهران

بالا رفتن سن بیماری نیست، بلکه یک پدیده حیاتی است که همگان را شامل می‌شود

اگرچه کشور ما دارای یکی از جوانترین ساختار جمعیتی جهان است، ولی با ارتقاء سلامت، امید به زندگی در بدو تولد افزایش یافته است. لذا توجه به امور سالمندان، خصوصاً به کارگیری روش‌های علمی، از اهمیت بالایی برخوردار است. بالا رفتن سن بیماری نیست، بلکه یک پدیده حیاتی است که همگان را شامل می‌شود.

سالمندان نیازهای ویژه بهداشتی دارند ولی بهداشت سالمندان نمی‌تواند و نباید به عنوان یک برنامه عمومی جداگانه توصیه شود. بلکه باید جز ادغام شده‌ای از نظام مراقبت‌های بهداشتی که مسئولیت حفظ و ارتقای سلامت عموم را عهده‌دار می‌باشد، قرار گیرد.

کارهایی که باید برای ارایه خدمات به سالمندان در نظر داشت به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شوند:

- ۱- بالا رفتن سن
- ۲- شناخت سالمندان در جامعه
- ۳- آگاهی از حفظ سلامت سالمندان
- ۴- شناخت نیازهای تغذیه‌ای سالمندان
- ۵- تشخیص اختلال‌های سلامتی در سالمندان
- ۶- ایجاد آگاهی در جامعه در جهت منافع سالمندان

پیری، بیماری نیست بلکه یک فرایند زیستی است که کسی نمی‌تواند از آن جلوگیری کند. با اندکی مراقبت و مواظبت می‌توان از معلولیت‌های ناشی از آن جلوگیری کرد و یا آنها را به تعویق انداخت.

مراقبت‌های فردی سالمندان فوق العاده مهم است. آموزش مراقبت فردی برای سلامت

مسئولیت بازماندگان مشاهیر

سیما مقتدر

شاید کمتر کسی در حوزه علوم انسانی با نام زیگموند فروید و خدمات ارزنده وی به علم روانشناسی آشنایی نداشته باشد. وی که به پایه‌گذار علم روانکاوی شهرت دارد در سال ۱۸۵۶ در یکی از شهرهای آلمان به نام فرایسبورگ در خانواده‌ای یهودی الاصل پا به عرصه وجود نهاد. در سن چهار سالگی به وین رفت و در سال ۱۹۰۲ پس از سال‌ها تلاش و فعالیت در علم روانکاوی به عنوان پرفیسور در دانشگاه وین انتخاب شد. او در سال ۱۹۳۸ به لندن مهاجرت نمود و یکسال بعد بر اثر بیماری سرطان در آنجا دار قانی را وداع گفت.

مطالعه دقیق‌تر در زندگی نامه این نابغه علم فلسفه خبر از وجود استعدادی خداداد برای کسب علم و تحقیق می‌دهد که حتی در نسل‌های بعد به وضوح خود را نشان می‌دهد.

دختر فروید به نام «آنا» در سال ۱۸۹۵ در وین دیده به جهان گشود، در مکتب پدرش تعلیم یافت و از روانکاوان به نام دوره خود شمرده می‌شد. فعالیت‌های وی تاثیر زیادی در حوزه علوم تربیتی و روانکاوی به صورت تنوری و عملی داشته است. وی با کمک موسسه درمانی و آموزشی «هامپستد» که توسط پدرش تاسیس یافته بود موفق به پایه‌گذاری مرکزی شد که در آن سه مبحث شامل روانکاوی عملی کودک، تحقیقات روانکاوی و آموزش روانکاوان کودک همزمان در ارتباط با یکدیگر به کار گرفته می‌شد. وی موفق شد مجموعه آثار پدر خود را در سال ۱۹۷۲ طی مجموعه‌ای هجده



جلدی به چاپ برساند. مجموعه آثار «آنا فروید» دو سال قبل از فوتش یعنی در سال ۱۹۸۰ انتشار یافت.

یکی دیگر از نوادگان زیگموند فروید خانم استر فروید است که به شغل نویسندگی اشتغال دارد. خانم استر به عنوان نوه فرزند فروید (نتیجه) مسئولیت سنگینی احساس می‌کند و با داشتن این نسبت خانوادگی شخصیت دیگری را در خود می‌بیند. او در رمان‌های خود اکثرا داستان‌هایی را به رشته تحریر در آورده است که بسی شباهت با وضعیت خانوادگی شخصی وی در گذشته نیست. او سعی دارد با بهره‌گیری از این سبک ادبی عملاً گذشتگان خود را بیشتر بشناساند. او نه تنها در آثار خود به زندگی پدرانش اشاره نموده بلکه سعی دارد در آثار بعدی خود از شخصیت عمه بزرگ خود یا به عبارتی آنا فروید به عنوان روانکاو کودکان یاد نماید.

خانم استر فروید معتقد است زحمات و خلاقیت یک نویسنده محدود به آخرین اثر مکتوب وی نمی‌شود. بدین ترتیب او سعی دارد وقت خود را در کنار انجام وظیفه مادری‌اش به درستی تنظیم نماید. همسر وی داوید موریس، بازیگر سینماست. وی در لندن سکونت دارد، شهری که هنوز در قسمتی از آن آثاری از وابستگی خانوادگی او با یکی از نوابغ علم فلسفه

وجود دارد: ساختمان مسکونی بزرگی در محله‌ای به نام «مارس فیلدگاردن» نزدیکی جاده «فینچلی» که محل سکونت زیگموند فروید در سال‌های تبعید او در لندن بوده است. در حال حاضر منزل فروید به عنوان ارثیه او و دخترش آنا به صورت یک موزه حفظ می‌شود. نسخ دستنویس، کتب و مجموعه‌های آثار باستانی دکتر فروید و نیز تختی که بیماران او تحت مداوا قرار می‌گرفتند و کلیه وسایل دیگری که وی در زمان سکونت خود در شهر وین داشته به محل تبعید وی در انگلستان انتقال داده شده است.

اولین اثر استر فروید به نام «بسیار زشت» (Hideous Kinky) که در سال ۱۹۹۱ منتشر شد. در این اثر نگارنده سعی نموده با بهره‌گیری از ذهنیات دوران کودکی‌اش، مسافرت خود را به همراه مادر و خواهرش به مراکش به رشته تحریر درآورد. این اثر پس از ترجمه به زبان آلمانی عنوان «مراکش» را به خود گرفت. از این کتاب فیلمی نیز ساخته شده است. استفاده از نکات و مسایل زندگی شخصی استر فروید در رمان دیگر او به نام «خانه بی نظیر» (Peerless Flats) و به ویژه سومین رمان وی بنام «گاگلو» (Gaglow) که آن هم نام محلی است در شرق آلمان متعلق به خانواده فروید محسوس است. استر فروید در اثر دیگری به نام «وحشی» (The Wild) که جدیداً ترجمه آن به زبان آلمانی منتشر شده است زندگی خواهر و برادر نوجوانی را در کنار والدین و دوستان خود شرح می‌دهد. قرار است همسر خانم استر از این کتاب نیز فیلمی بسازد.

اثر بعدی این نویسنده ۳۸ ساله با بهره‌گیری از فن ترکیب گذشته و حال داستان خانوادگی دیگری را شرح خواهد داد ■

با مخاطبان آشنا

تنظیم: ماهیار کهن باش

دوست عزیز، آقای بهمن مستوفی:

از ابراز لطف و محبتی که نسبت به نشریه خودتان دارید سپاسگزاریم. اگر هم به قول شما «تلاش شبانه‌روزی» برای «پربارتر کردن نشریه» می‌شود، به خاطر احساس وظیفه و علاقه‌ای است که نسبت به شما و سایر خوانندگان عزیز «بینا» در وجود خود احساس می‌کنیم.

اما در مورد پیشنهادتان برای چاپ اماکن مقدس یهود و کنیساهای معروف جهان در نشریه، این نکته لازم به ذکر است که بنا به فراخور حال و همچنین با توجه محدودیتی که صفحات «بینا» نسبت به مطالب هر شماره دارد، این کار صورت پذیرفته است. (هر چند کم و ناکافی). در هر صورت سعی می‌کنیم تا حد امکان پیشنهاد کارساز شما را عملی کنیم. باز هم از حسن ظن شما تشکر می‌کنیم، ما هم امیدواریم که «روزی شما را از نزدیک زیارت کنیم» و با شما «دوستی نزدیک‌تری داشته باشیم».

دوست گرامی و با وفا، آقای فرزین شادپور:

خوشحالیم که هزاران کیلومتر بعد مسافت باعث آن نشد که نسبت به هم احساس دوری کنیم، دوستان شما در «بینا» هنوز هم چون زمانی که در وطن حضور داشتید شما را در میان خود حس می‌کنند و این احساس نزدیکی به سبب نامه‌های محبت آمیزی است که برای نشریه خودتان ارسال می‌کنید. بخشی از مطالبی را که در آخرین نامه نگارش کرده بودید برای اطلاع سایر

خوانندگان ذکر می‌کنیم که خواندن آن خالی از لطف نیست:

«منطقه کلان شهر «لوس آنجلس» میزبان بیش از چند هزار یهودی ایرانی مهاجر است. تعداد قابل توجهی روزنامه، هفته نامه، ماهنامه، فصل نامه و سالنامه در اینجا منتشر می‌شود. ولی متأسفانه اکثر حجم این نشریات (بیش از ۵۰-۶۰ درصد) را از آگهی و بقیه اخباری که خیلی هم معتبر و به روز نیست پر می‌کنند. لذا من فکر می‌کنم مجله بینا در این آشفته بازار می‌تواند به عنوان یک مجله پر محتوا، تعداد قابل توجهی مخاطب را به خود جلب کند».

باعث خشنودی ماست که «بینا» علیرغم این که تنها ۳ سال از انتشار نخستین شماره‌اش می‌گذرد و با توجه به امکانات محدودی که دارد، توانسته است خود را به عنوان یکی از موفق‌ترین نشریات فارسی زبان جامعه کلیمی، در داخل و خارج، مطرح کند که این امر افتخاری مهم و درخور توجه برای جامعه کلیمیان است.

از پیشنهاد همکاری شما سپاسگزاریم. امید است که با عملی شدن پیشنهاد شما بتوانیم گامی در جهت شناساندن «بینا» به جوامع ایرانی مقیم خارج از کشور برداریم.

توضیح دکتر ندوشن

در پی درج جوابیه‌ای که رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان نسبت به چاپ مطلبی در روزنامه اطلاعات که در آن مقاله بن لادن را شبیه یا پیامبران بنی اسرائیل دانسته بود، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن برای رفع ابهام و برطرف شدن سوء تفاهم‌هایی که آن مقاله ایجاد نموده بود به توضیحات خود را طی نامه‌ای به انجمن کلیمیان ارسال داشت که متن نامه به شرح زیر می‌باشد.

جناب آقای یشایایی

با تقدیم سلام، مضمون نامه گرامی را از طریق روزنامه «اطلاعات» پشت تلفن برای من خواندند. از لطف شما متشکرم، و در عین حال متأسف که در مقاله «هشدار روزگار» عبارتی موجب سوء تفاهم شده است.

باید بگویم که به هیچ وجه قصد اهانتی در کار نبود. منظور آن بود که بن لادن با ظاهر حق به جانب و اصلاح‌گر، نیت سو در دل می‌پروراند. خواسته بودم تناقض و تفاوت را بنمایم، نه تشابه را. اگر عبارت به قدر کافی رسا نبوده، موجب تأسف من است.

با آرزوی توفیق و سلامت

نامه‌ها و مقالات این عزیزان دریافت شد:

احسان اشکان نژاد- امیر بلسوری (همدان)- کانون فرهنگی انصار المهدی (روستای تندران اصفهان)- فرهاد روحانی (مقاله)- لثا دانیالی (معرفی هنرمندان)- کیوان هارونیان (مقاله)- الیشا شمسین (مطلب کوتاه)- بهاره خاکشوی (شعر)- الیزابت عارونیان (داستان)- آلبرت شادپور (مقاله و خبر) و فرشاد یوسفی (کرامناهای).

جناب آقای مهندس موریس معتمد نماینده محترم ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی

درگذشت مرحوم «دانیال معتمد» عموی گرامیتان را تسلیت گفته و برای بازماندگان آرزوی صبر داریم.

هیئت مدیره، کارکنان و مسئولین نهادهای انجمن کلیمیان تهران

آقایان ریموند و ادموند معلمی

کمیته جوانان انجمن کلیمیان و هیئت تحریریه نشریه افق بینا، درگذشت پدر گرانقدرتان را تسلیت می‌گویند.

آقای دانیال داودیان مقدم

ضایعه درگذشت خادم جامعه، مرحوم ابراهیم داودیان مقدم را به شما و سایر بازماندگان تسلیت می‌گوییم.

کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران

הפגשה בתחנה המרכזית מلاقات در ایستگاه مرکزی

(44:4)

عبری پیام‌نویس

התחנה המרכזית בטהראן. בתחנה רעש גדול. מכונית באה מכונית יוצאת. איستگاه مرکزی در تهران قرار دارد. در این ایستگاه، سر و صدای زیادی است. خودرویی می‌آید و خودرویی می‌رود. אנשים רבים. נשים וילדים הולכים ורצים. הולכים ממקרים. بسیاری از مردان، زنان و کودکان راه می‌روند و می‌دوند! حرکت و تعجیل می‌کنند. זה יורד מן המכונית ממחר הביתה. וזה ממחר ורץ מן הקפה אל התור למכונית. یکی از خودرو پیاده می‌شود و با سرعت به خانه می‌رود؛ و دیگری عجله می‌کند و از باجه به صف خودرو می‌دود. אביגדור ועזרא בא אל התחנה. אביגדור הלך אל הקפה לקנות פרטים. ועזרה הלך לקנות עתון. אויגדור ועזרא به ایستگاه آمدند، اویگدور برای خرید بلیط به باجه رفت، و عزرا رفت که روزنامه بخرد. עזרא קנה עתון והלך אל הקפה. והנה ראה את אבנר גדעוני עומד משוחח עם חברים. عزرا روزنامه‌ای خرید و به سمت باجه رفت. او دید که اوטר گیدعونی ایستاده است و با دوستان (دختر و پسر) در حال صحبت است. - שלום. אבנר. קרא עזרא. - בוא אל הקפה. שם עומד אביגדור בתור. בוא מהר! عزرا صدا زد: سلام اوטר، بیا به طرف باجه. آنجا اویگدور در صف ایستاده است. سریع بیا! - שלום אביגדור. - אמר אבנר בשמחה. - מה שלומך؟ כמה זמן לא ראיתי אותך! اوטר با شادی گفت: سلام اویگدور، حالت چطور است؟ چند وقت است که تو را ندیده‌ام! - הו. זמן רב. זמן רב. - אמר אביגדור. - اویگدور گفت: اوه، مدت زیادی است، بله مدت زیادی است. - לפני שנתיים וחצי גמרתי את הلمודים באולפן ונסעתי לשיראז. پیش از دو سال و نیم قبل، درس را در آموزشگاه ابتدایی زبان تمام کردم و به شیراز رفتم (سفر کردم). עכשו אתה בחור גדול. מה שלום אבא. מה שלום אמא ושולמית הקטנה؟ حالا تو جوان بزرگی شده‌ای. حال پدر چطور است و احوال مادر و شولمیت کوچک چطور است؟ - תודה רבה. לכולם שלום. לאן אתם נוסעים؟ - خیلی ممنون! همه سلامتند. شما به کجا سفر می‌کنید؟ - אנחנו רוצים לנסוע לאספהן אל דודו של עזרא. אני רוצה לראות את העיר. - ما می‌خواهیم به اصفهان برویم، نزد عموی عزرا. من می‌خواهم آن شهر را ببینم. עוד לא ראיתי שם. לאן אתה נוסע؟ هنوز آنجا را ندیده‌ام. و تو به کجا سفر می‌کنی؟ אני נוסע עם החברים שלי ליזר. משם לברמאן. - من با دوستانم به یزد و از آنجا به کرمان سفر می‌کنم. - אבנר! - קראו החברים. - בוא מהר! עוד מעט ואנחנו נוסעים. دوستان صدا زدند: اوטר! سریع بیا! چیزی نمانده که ما حرکت کنیم. - שלום! - אמר אבנר לעזרא ולאביגדור. - להתראות! اوטר به عزرا و اویگدور گفت: خدا! احافظ! به امید دیدار!

• تمرین: به صورت های مختلف حرف اضافه «את» و صرف فعل «ראה» - دید» توجه کنید:

יוסף וחנה הלכו ברחוב. ראיתי את יוסף וראיתי גם את חנה.

یوسف و حنا به خیابان رفتند. یوسف را دیدم و حنا را هم دیدم.

ראיתי אותם. אבל הם לא ראו אותי.

آنها را دیدم، اما آنها مرا ندیدند.

אמרתי להם: ראיתי אותך. יוסף. וגם אותך. חנה. ראיתי. ראיתי אתכם. אמרו לי:

به آنها گفتم: من تو را دیدم، یوسف، و نیز تو را حنا، دیدم. شما را دیدم. به من گفتند:

אתה ראית אותנו. ואנחנו לא ראינו אותך.

تو ما را دیدی، ولی ما تو را ندیدیم.

• احوال پرسی: מה שלום؟

- מה שלומך. יוסף. מה שלומך חנה؟ מה שלומכם؟

حالت چطور است یوسف، و حال تو چطور است حنا؟ حال شما چطور است؟

- שלומי טוב. שלומה טוב. שלומנו טוב! - ומה שלום آبא ושלום אמא؟

- حالم خوب است، حال او (مؤنث) خوب است، حالمان خوب است. و حال پدر و احوال مادر چطور است؟

- שלומو טוב وשלומה טוב! שלומם טוב!

حال او (مرد) خوب است و حال او (زن) خوب است. حالشان خوب است!

کلمات جدید

فارسی	تلفظ	عبری
ایستگاه	תחנה	תחנה
اتومبیل - خودرو	מיخونیت	מכונית
صدا - همپه	רעש	רעש
باجه - گیشه - صندوق	קופא	קופה
کارت - بلیت	קרטיס	כרטיס
نوبت - صف	תור	תור
وسط - میان	אמצע	אמצע
آخر	סוף	סוף
ملاقات - تماس - برخورد	פגישה	פגישה
جوان	בחור	בחור
مرکزی	מרכזי	מרכזי
زیاد	רב	רב
خارج شد	יצא	יצא
پایین رفت (پایاده شد)	יכד	יכד
دوید	רצ	רץ
خندید	צחק	צחק
مسافرت کرد - حرکت کرد	נסע	נסע
دید	ראה	ראה
زود - با عجله	מהר	מהر
قبل از	קדם	קדם
همیشه	תמיד	תמיד
مرا	אותי	אותי
حالت چطور است؟	מה שלומך؟	מה - שלומך؟

صرف زمانی افعال		
هوية زمان حال (עכשו) اکنون	עבר زمان گذشته (קדם) (قبل)	
	הוא او (مذكر)	הם آنها (مذكر)
ישב	ישב	ישבו
עומד	עמד	עמדו
גומר	גמר	גמרו
יורד	יכד	יכדו
אוכל	אכל	אכלו
אומר	אמר	אמרו
כותב	כתב	כתבו
לומד	למד	למדו
קורא	קרא	קראו
יוצא	יצא	יצאו
יודע	ידע	ידעו
נוסע	נסע	נסעו
שואל	שאל	שאלו
אוהב	אהב	אהבו
צוחק	צחק	צחקו

بچه ها همیشه

به نام خدا.
بچه ها سلام
שלום ילדים

آدم برفی

اورا محلی

آدم برفی قشنگه

شالش پتدر رنگارنگه

پتدرش ببین چه زیباست

نگاه او به دریاست

آدم برفی می‌خنده

با لب‌های پر خنده

هویج روی دماغش

سطح هم جای کلاهش



کاریکاتورهای صفحات از: کتابون یونی

Heg!



شمع‌های آرزو

حنوکا همیشه از همان اولش که با ۲ تا شمع شروع می‌شود تا آخرش که با ۹ تا شمع تمام می‌شود، دوست داشتنی است. من و حنا و مامان و بابا هر سال حنوکا، بعد از روشن کردن شمع‌ها، براخا گفتن و شادی کردن دور هم می‌نشینیم و با دیدن هر شمع، یک آرزو می‌کنیم. یک آرزوی خوب و مهم و این طوری هر شب که یک شمع اضافه می‌شود آرزوهای ما هم یکی بیشتر می‌شود.

پارسال نزدیک حنوکا اتفاق بدی افتاد. من در مدرسه از ربکا خواستم که ساعت قشنگش را که هم چراغ داشت و هم آهنگ می‌زد و هدیه مادر بزرگش بود را به من قرض بدهد اما او چون می‌ترسید یادگاری مادر بزرگش که حالا دیگر در بین ما نیست خراب بشود این کار را نکرد. من هم خیلی ناراحت شدم و نفهمیدم که زنگ تفریح چه طوری رفتم سر کیفش و یواشکی ساعتش را برداشتم.

بعد هم آن را محکم به زمین زدم، طوری که دیگر نه زنگ می‌زد و نه چراغ داشت و نه اصلا ساعت بود. ربکا با دیدن ساعت شکسته خیلی ناراحت شد و ساعت‌ها گریه کرد. من هم پشیمان شدم خیلی هم زیاد. به همین خاطر از اولین روز حنوکا یک آرزوی بزرگ کردم. آرزو کردم ربکا مرا ببخشد. تا آخرین روز حنوکا، من هر شب با شمع‌ها حرف می‌زدم، به آنها خیره می‌شدم و از خدا می‌خواستم که کمک کند. تا این که آخرین روز حنوکا به آرزویم رسیدم.

ما همدیگر را بغل کردیم و بوسیدیم و او گفت که از این به بعد یاد مادر بزرگش را در دلش و نه در ساعت زنده نگه می‌دارد.

امروز هم اولین روز حنوکاست. یک حنوکای خوب و دوست داشتنی همراه با دوست‌های صمیمی و مهربان. امسال فقط من و حنا و مامان و بابا دور شمع جمع نمی‌شویم، امسال ربکا هم مثل ما به شمع‌ها خیره می‌شود و هر شب یک آرزوی بزرگ می‌کند. یک آرزوی بزرگ برای مادر بزرگش. گرچه امسال حنوکا، او ساعت چراغ و زنگ‌دارش را دیگر ندارد اما دوستی دارد که حاضر است هر هشت روز حنوکا را برای او دعا و آرزو کند.



کدو

سبا گرامی

یک روز آدم ساده‌ای به مغازه میوه فروشی رفت. چشمش به کدویی افتاد و گفت: لطفا آن گلایی خانواده را بدهید!



لبخند
ملینا میرزاده
- بچه‌جون چقدر بگم میوه را پوست بکن بعد بخور!
- مامان جون هوا سرده پوستش را بکنم سرما می‌خوره.

خرس پلیس

رایان احدوت

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا هیچکس نبود. یک خرس پلیسی بود که توی یک شهر زندگی می‌کرد. او با ماشینش پلیس رفت و رفت تا با یک آقای تصادف کرد. آن آقا، خسارت ماشین خرس پلیس را داد. خرس پلیس، رفت و رفت و رفت تا دید که یک آقای، از ماشینش پیاده شد و رفت شیرینی بخرد در آن وقت مرد دیگری آمد توی ماشین نشست و با ماشین رفت. و خرس پلیس هم از پس باهوش بود فهمید که آن آقا دزدی کرده است و خرس پلیس، ماشینش را سوار شد و رفت دنبال آقا دزده. و او را گرفت و به او دستبند زد. بعد آوردش توی ماشین پلیس، و رفت و رفت و رفت تا به دادگاه پلیس رسید. و رفت توی دادگاه، و دستبندش را باز کرد و دزد را انداخت توی زندان پیش دزدهای دیگر. بعد ساعت کاری خرس پلیس تمام شد و رفت چیزی بخورد. بچه‌ها، پلیس‌ها خوب هستند و همیشه به ما کمک می‌کنند.

ماهی خجالتی

بهاره هایگانی

یک روز یک ماهی می‌افتد توی ماهی تابه و از خجالت سرخ می‌شود.



فراموشی

سارا سنیلان

یک نفر نزد دکتر می‌رود و به دکتر می‌گوید من فراموشی دارم. دکتر می‌پرسد چند روز است؟ هریش می‌گوید هشت روز است؟



ماهی دودی

طناز لقمانا

مشتری: آقا چرا ماهی دودی نمی‌آورید؟
فروشنده: برای این که مغازه‌مان دودکش ندارد.



سن و سال خانم‌ها !؟؟

آیدا مصری

مسئول دفترخانه اسناد رسمی از سرکار خانم پرسید:
- ازدواج کردین؟
- بله، دو دفعه.
- چند دفعه بچه‌دار شدین؟
- دو دفعه.
- چند سال دارین؟
- بیست و پنج سال
- دختردار نگاهی متفکرانه به خانم انداخت و گفت:
- حتما اونهم دو دفعه!

جیستان (۱)

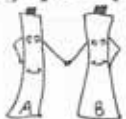


کدام شهر است که سه حرف اول نامش باعث ویرانی و دو حرف آخر نامش باعث آبادانی شهر می‌شود؟

چسب دوقلو

آنزلا کامن

دیوانه اولی: تو هر وقت اعصاب خرد می‌شود چه می‌کنی؟
دیوانه دومی: خب معلومه جونم، با چسب دو قلو اونارو به هم می‌چسبونم.



نصیحت پدر به پسر

اوریل و دلارام الیاس‌زاده



پدر: پسر جان من وقتی به سن تو بودم اصلا دروغ نمی‌گفتم.
پسر: پدر جان ممکن است بفرمایید شما دروغگوی را از چه سنی شروع کرده‌اید؟

سلمانی رفتن

تهیلا گیدانیان

یوسف گفت: من هیچ وقت به سلمانی نمی‌روم.
دوستش گفت: پس چه طوری موهایت را کوتاه می‌کنی؟
یوسف گفت: خیلی ساده هر وقت که موهایم بلند می‌شود با خواهرم دعوا می‌کنم و بعد خواهرم موهایم را می‌کند.

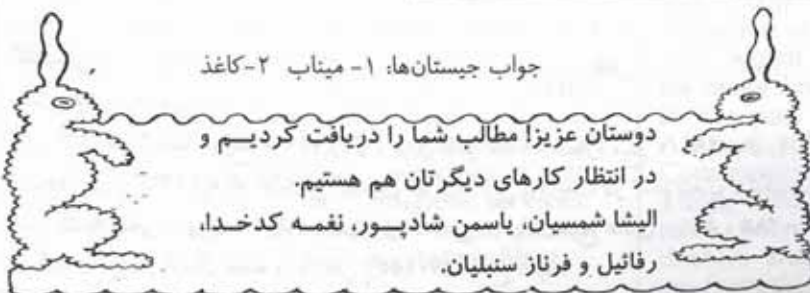


جیستان (۲)



آن چیست که اگر از بام خانه به پایین بیندازیم نمی‌شکند اما اگر در آب بیندازیم می‌شکند؟

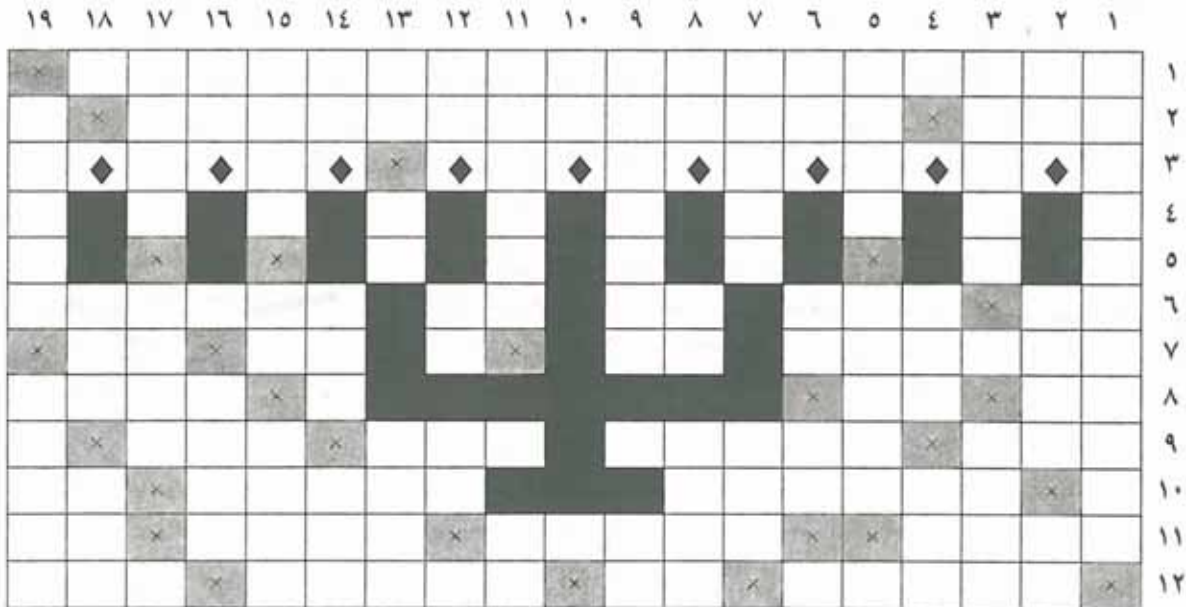
جواب جیستان‌ها: ۱- میناب ۲- کاغذ



دوستان عزیز! مطالب شما را دریافت کردیم و در انتظار کارهای دیگران هم هستیم.
الیشا شمسین، یاسمن شادپور، نغمه کدخدای، رفائیل و فرناز سنیلان.

ج د و ل

شیرین
آذری



پاسخ جدول شماره قبل

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ن	و	ش	ا	ک	ن	ا	ش	و	ش	و	ن
ا	ن	و	ر	ی	ا	ن	ا	م	ا	م	و
ز	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و
ف	ع	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
ر	ا	و	ا	ر	د	ی	ک	م	و	د	ب
خ	س	ت	ن	ی	ل	ا	و	ا	و	ا	ا
ت	و	س	ی	ل	ا	و	ا	و	ا	و	ا
و	ز	ا	م	ا	ر	م	و	م	ا	م	ا
ا	و	ا	ن	ی	س	ن	م	ا	و	ا	ا
ک	م	د	ت	ا	ت	ا	ر	ا	ی	ا	م
ی	ا	س	ب	ف	د	ا	ن	ا	ش	ا	ش
پ	ن	ی	ی	ر	م	ر	ر	س	ر	و	و
و	ا	ح	ت	ی	ا	ج	د	ا	و	ر	س
ر	ا	س	ت	ی	م	د	د	ب	و	ر	م

افقی

۱- سه جد قوم یهود. ۲- آب گل آلود و گندیده - یکی از بزرگترین سرداران واقعه خنوکا. ۳- حرف تعجب خانمها- خوشحال و مسرور- پسوند شباهت - مونث- مرشد و رهبر. ۴- مادام و همیشه- آرام آن را شولوخوف نوشت- راست و عمودی- این نه. ۵- از جداییها شکایت می کند- می دهند تا رسوا کنند- مقصود و هدف. ۶- تربیت و نزاکت- درخت انار- سرما- عشق انگلیسی. ۷- جنون مردم آزاری- عارضه ای موقت که گویند با ترساندن رفع می شود- قیمت بازاری. ۸- چفت و بست- از شهرهای ایتالیا- رام- ضمیر فرنگی. ۹- شرح و تفصیل خبر- سه من تبریز- فیلمی به نقش آفرینی مرحوم هادی اسلامی- مخالف جزیی.

عمودی

۱- از انبیای یهود که گویند با ارايه آتشین به آسمان رفت. ۲- موج بی سر- آرزو و آرمان- جوی خون. ۳- تکیده- سازگار. ۴- نوعی پوشاک زمستانی- سید و سرور. ۵- در انتخابش دقت لازم است- امتحان و آزمایش. ۶- گوشت ترکی- عدد روستا- حرف ندا. ۷- هدیه عبری- کشیدن طرح. ۸- حرف پنجم الفبای انگلیسی- آب بند- امر به مردن. ۹- بنا- قدم یک پا. ۱۰- نقش فرو رفته در سنگ ۱۱- به جنبش در آوردن- پسوند شباهت. ۱۲- آشیانه عبری- اثر رطوبت- خاک گوزه گری.

تقاضای اشتراک نشریه افق بینا

نام / موسسه :
آدرس دقیق پستی :
کد پستی :
شماره فیش پرداختی :
برای اشتراک ۶ شماره مبلغ ۲۴۰۰۰ ریال و برای اشتراک ۱۲ شماره مبلغ ۴۸۰۰۰ ریال را به حساب جاری شماره ۲۴۸۹ بانک ملی - شعبه ملک (شیخ هادی) کد ۴۵۶ به نام «انجمن کلیمیان تهران» (قابل پرداخت در تمام شعب بانک ملی) واریز کرده و فیش بانکی را به همراه تقاضای اشتراک به نشانی: تهران - خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ هادی - شماره ۳۸۵ - طبقه سوم - کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۱۷ ارسال نمایید. هرگونه تاخیر در ارسال مجله را با تلفن ۶۷۰۲۵۵۶ اطلاع دهید.

ABSTRACTS

Iranian Jews MP's Speech in the Parliament

Morris Motamed

Iranian Jews MP had a speech in Parliament in 21st of Azar, 1380. In this speech, he congratulated on Ramadan month and Fetr feast to the Muslims, meanwhile he pointed to the oppressed Afghan and Palestinian people and said that:



"Honorable Jews considering to their monotheism and humanity values, will make happy life with the Palestinians in future and live with each other brotherly.

He called the President of the Islamic Republic of Iran as a messenger of peace, friendship and dialogue between religions and civilizations. Motamed demanded the leader of the Islamic Revolution, Ayatollah Ali Khamenei, for the attention to the request of freedom of Jewish prisoners in Shiraz.

In the end of the speech, Iranian Jews MP requested from the Islamic government of Iran for allocation of budgets to the religious minorities to solve some part of their problems.

Believers and Faith Crisis in the Contemporary World

Arash Abaie

In the old world, the religious leaders and the theist groups were the base and center of all that went around in the society. Also social changes occurred very slowly, so that those in charge had ample time in dealing with every thing that happened. But in the contemporary world, all people – regardless of their social position – have access to news and information.

The speed of change has increased, and thus has become another reason for many religious leaders to be out of steps with the people, and the new social facts.

Accordingly, the believers must try to implement some of the changes mentioned bellow in their lives to bring spirituality in the contemporary world:

1. To understand that "human being" is more informed today.
2. Some of the beliefs and laws about free thought or other religions must be reconsidered, and religious leaders should really try to better understand other religions.
3. The concept of holiness must be extended to all useful, moral and philanthropic activities of man, and should not be just limited to religious services.
4. New religious concept must be made on new topics such as drugs and environmental problems.

5. According to recent social changes, a new look at the role of women in social activities is necessary.

Zionism in Theory and Practice: The Difference between Prophetic Judaism and Political Zionism

Harun Yashayaie

(Chairman of Tehran Jewish Committee)



In the heart of every Jew and his beliefs, the sacramental importance of Jerusalem and the rebuilding of the house of God is equivalent to the idea of the Messiah, peace and justice on earth.

In the Jewish prayers, Jerusalem is always mentioned with great love: "For out of Zion shall go forth the law, and the word of the LORD from Jerusalem." (Isaiah 2:3) or:

"If I forget thee, O Jerusalem, let my right hand forget her cunning." (Psalm 137:5)

In these heart-felt words there exists not a single thorn of hatred for anyone!

In the faith of a Jewish mind, the rebuilding of the house of God is a form of spirituality taking off towards the goal of true justice coming from above and not mankind, meaning it is not about a human form of government with a geographical border, and most importantly is not about the greatness of Jews or the lowness of others, which is the doctrine of Zionism.

Jews have lived in many countries in the world and therefore have a variety of cultural beliefs and ideas. But they all agree on one God and they preserved holy age old ideas of Judaism. Many Jewish thinkers and theists have called out against Zionism and differentiated it from Judaism.

My hope has always been that all of the Jews, Muslims and Christians be able to live together in peace and true brotherhood in the holy land of Palestine.

Jews of Hamadan

Bijan Asef

Iranian Jews settled in Iran in the western, central and northern regions of Iran in 539 B.C.. Hamadan is almost in the west of Iran. The population of Jews used to be great in this city so much that the Bazaar was known as "the Jewish market".

The main reason for the presence of Jews in Hamadan is the "Esther and Mordecai" tombs in the city, which historically has been a gathering point for many Jewish people.

In the past half century, the establishment of the Alliance school has affected the Hamadan Jewish Community culturally.

There used to be 5 Synagogues in this city that some have been dedicated to Moslems. Some famed doctors and artists of the Iranian Jewish community are from this city.

OFEGH BINA

Cultural, Social and News magazine of Tehran Jewish Committee

Vol. 3 –No. 15, Nov.2001-Jan.2002

Managing Director:

Harun Yashayaie

Editor-in-chief: Arash Abaie

Assistants in this Issue:

Farhad Aframian (*News*),

Dr. Yunes Hamami Lalezar

(*Religion*),

Sima Moghtader (*Cultural*),

Mahyar Cohen Bash

(*Literature & Arts*),

Marjan Ebrahimi (*Social*),

Liora Saeed and

Marina Mahgerefteh (*General*),

Sara Hai (*Children & Youth*),

Farid Geravary (*English*)

Page layout control:

Farid Toubian

Type setting & page layout:

Rozita Shamsian (*Jewish*

Comt. Computer Center)

Cover design: "Gohar Negar"

Add: # 385, 3rd Floor,

Sheikh Hadi St.,

Jomhoori Eslami Ave.,

Tehran - Iran

Postal code: 11397-3-3317

Tel: (+98-21) 6702556

Fax: (+98-21) 6716429

E-mail:

ofegh_bina@hotmail.com

"Ofegh-BINA"

in Hebrew means

"Horizon of Knowledge"

Contents:

- ♦ **Editorial:** Iranian Jewish Community... A Common Heritage: *Harun Yashayaie*, 2

- ♦ Iranian Jews MP's Speech in the Parliament: *Morris Motamed*, 3

♦ News , 4

Cultural, Religious

- ♦ Hanuka, The Uprising of the Just: *Sharam Sonbolian*, 12
- ♦ David the Prophet: *Rahman Delrahim*, 13
- ♦ Believers and the Faith Crisis in the Contemporary World: *Arash Abaie*, 14
- ♦ The U.N. Declaration on the Elimination of Religious Intolerance and Discrimination, 17
- ♦ Islamic Human Rights Commission and the Religious Minorities, 19
- ♦ Zionism in Theory and Practice: *Harun Yashayaie*, 21
- ♦ Love in Jewish Mysticism: *Shiva Kaviani*, 25
- ♦ Jewish Historical Table of Personalities and Events: *Dr. Yunes Hamami Lalezar*, 30

Literature & Arts

- ♦ Chaim Soutine (Jewish painter): *Marina Mahgerefteh*, 33
- ♦ Ten Commandments (film), 34
- ♦ My Choice (story): *Sara Tutian*, 38
- ♦ On Poems - Shaban Shahri's biography, 42

Social

- ♦ Jews of Hamadan: *Bijan Asef*, 27
- ♦ Iraqi Jews: *Dr. Maryam Arab Zadeh*, 35
- ♦ Student Section: *Mahyar Cohen Bash*, 46
- ♦ Interview with Successful Student, *Yosha Radparvar: Dalia Daniali, Naghmeh ArabZadeh*, 47
- ♦ Reaction of the Youth, 50
- ♦ Behind the Walls of Wisdom...: *Sara Hai*, 51
- ♦ List of New Jewish Students of Universities, 52

General

- ♦ The Will To Steal: *Liora Saeed*, 40
- ♦ Introduction to Vegetarianism: *Jilla Cohen Kebrit*, 54
- ♦ Old Age and Health, 55
- ♦ Esther Freud: *Sima Moghtader*, 56
- ♦ Letters and Articles, 57
- ♦ Lets learn Hebrew (15), 58
- ♦ Youth Section, 53
- ♦ Children's Section, 60
- ♦ Crossword: *Shirin Azari*, 62
- ♦ English Section (Abstracts): *Farid Geravary*, 63

دین و دانش، عبادت، اعمال نیک

دنیا بر سه پایه استوار است

על שתיים
ועל שלישית
זבדים העולם



